نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران) سال سوم، شمارهٔ ۴۰، شنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۵۷

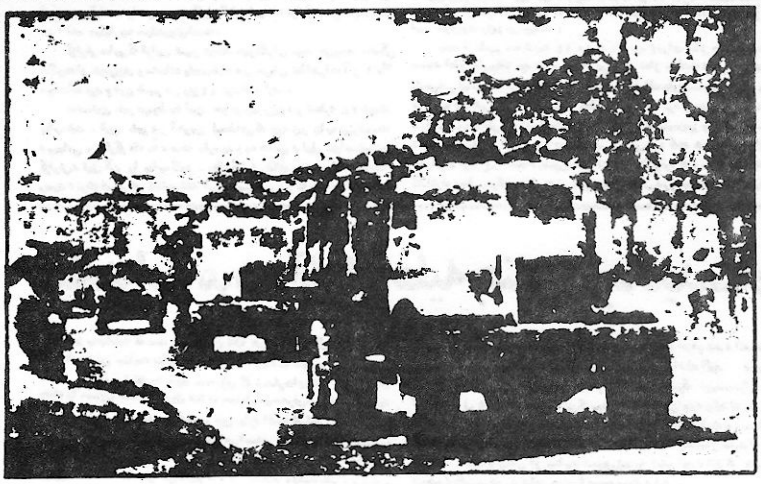

لشگرکشی شاه علیه مردم

اعلام جرم مردم ایران علیه رژیم جنایتکار شاه

گزارش دولت درباره فاجعه آبادان در هشت آبادان همان طور که انتظار میرفت نه تنها نکات ابهام این جنایت هشت ماهه را روشن نکرد نه تنها عاملان واقعی این فرازی هولناک طی را معرفی نمود نه تنها جواب وجدان تحریک احمال سخنان انتظامی و پلیسی را در قبال جریان شدید روشن ساخت بلکه گره ها و ابهامات و نقایص های جدیدی را بر سؤال های بی جواب مانده قبلی افزود. این گزارش در واقع باستثنای گزارش واقعیت هایی است که رژیم و کارگزاران او را رسوا و محکوم می کند. به عبارت دیگر این گزارش سازمان و تبلیغاتی جز نگرانی های خرجات وجد ونقص هایی که قبلا در روزنامه های زیر سانسور دولتی وسایل ارتباط جمعی سازمان زده نظام شده بود مجموع دیگر نداشت.

خبرنگاران نویسنده در آبادان طی چند روز گذشته با تحقیق از ده ها شاهد عینی فاجعه سینما رکس مبارزین و حوادث مردم مبارزه سی گزارش های رسمی و نیمه رسمی که در جراید منتشر شده، دلایل انکارناپذیر مبنی بر اعمال سیستم رژیم را در توطئه قتل عام آبادان، جمع آوری و تنظیم کرده اند. این دلایل در واقع اعلام جرم مردم ایران علیه حکومت دیکتاتوری و آدمکشی است که تمامی مناسبات میان انسانی و حقوق بشری و اصول و قرارداد های انسانی را زیر پا گذاشته و نقض حقوق ملی های ایران را به طور عریان و با گستاخی وقاحت آمیزی به میدان گرفته است.

اعلام جرم مردم ایران علیه این رژیم فاسد و مخوف در ده ها سؤال بی جواب که این روزها در خیابان و محفل و اجتماعات بر زبان می آید، مدام تکرار می شود. این مدعا ایست که وجدان بشری را مخاطب می کند و مراجع مسئول جهانی، مناصر و سازمان های واقعی مدافع حقوق بشر، آزادیخواهان جهان و دوستان راستین رفتار جنایت آمیز ایرانی که در ایران می گذرد، متحد می سازد. اما فاجعه مردم که زخم جدید رژیم شاه قلب آنرا جریحه دار کرده، در قالب مواد زیر عرضه می شود:

۱- در حالی که سینما رکس فیلم "گوزن ها" را نمایش می داد که باران گلوله و تحقیل به جایگاه اشاره از مردم و محکوم کردن رژیم شد مردمی شاه بود، نه دلیلی دارد که جز عاملان رژیم خاصا گران جلادان ان چنین عملی را که بی شک اگر آن ها با کشف روشن به مسئولان عمل در سلک مخالفان رژیم استبدادی قرار می گرفت، قتل عام کند؟

۲- جرائم در موقع حریق عمدی سینما [illegible] نه سینما نه نظامیان نه کلنل جی نه مأمور [illegible] ساختگان در سالن عمل و نه هیچ یک دیگر از مسئولان سینما حضور نداشتند؟ جز این است که یک توطئه و سوء قبلی که جز عاملان رژیم شهریاری و سازمان نمی تواند صاحب امر آن داشته باشد. این مسئولان را در لحظه انجام جنایت اوسط سینما ترک کرده ناست؟

دنباله در صفحه ۳

موضع رژیم، پس از جنایت آبادان

فاجعهٔ آبادان، نقطه اوج بحران علاج ناپذیر سیاست که چنین گرد اب رژیم و شکست و سوای شاه - سازمان را در خود می کشد. شاه با اجرای توطئه نه گانه ای که به پیمان جان بیش از ۴۰ انسان بی گناه و دلیر از ده هزاران خاموش و سوگوار شد بی شک به و تسلیم ناپذیر به تمام شد. نشان داد که بحرانی ایستگاه نزد یکشده به چنان وحشت و جنونی دچار آمده که حکومت بر اد بار خود را جز با قتل عام طبقی مردم و سیه های جنایت آمیزی در برابر حرکت های دوران وار و خطرناکی که تنها از یک دیکتاتور طلبا حاصل ساخته است. خوشبختی می داند. شاه با اجرای توطئه وحشی سینما رکس آبادان عده های چند گانه ای را در نظر داشت:

۱- مشخص کردن مخالفان استبداد در زندگان آزاد و جدید آنها و استقلال به خونریزی و جرایمکاری و جرکین کردن صدای آن ها در انظار مردم و جهانیان و از این رهگذر به وحشت انداختن افکار عمومی آگاه مردم به منظور خلوتگزینی آن جامعه برعهده مبارزهٔ معال.

۲- زمینه چینی تبلیغاتی عمده جامعه ای برای سرکوب خشونت آمیز و وسیع مخالفان، و مبارزان و قطع کردن هاو سازمان های سیاسی که در حال گسترش و توسعه بودند.

۳- زمینه دیکتاتوری خونین و استارکسیمه که بر زندان ها و شکنجه گاه حاضر ان جایگاه ام عملی است.

۴- منحرف کردن انظار و افکار از قتل عام ها و کردن های نه گانه در شهرها و خیابان های کشور که تنها در چند ماه اخیر هزاران شهید طی برجای نهاده - و پرده کشیدن به روی حکومت نظامی غیر وحشیانه ای که در اصفهان و چند شهر دیگر برقرار شده است.

۵- زمینه فاجعه ارد و جلوگیری از ارتکاب جنایت آبادان بیشگیانه درباره وحشت بزرگی که قرار بود بر مردم نازل شود، مشخص ارد ان بود. هیچ کس جز او در آن لحظه نمی داند در بیمارگرا شاه به وحشت غیرقابل باوری نهفته است. در متن این زمینه چینی ناشیانه شعله های آتش بسته ای رژیم سینما رکس را بایستی از ۳۰ فروردین در کنار کلیه و به نقل وقوع ای گرفت نسبت و بکاب شد. مدل کرد. وضع خبر فاجعه به گوش ها نرسید و نخستین گام های تحقیق می جنبی برداشته نشده بود که رژیم با وسعت تمام دستگاه های رسمی و نیمه رسمی تبلیغاتی اش مسئولان را مبارز رژیم گرفت و مسئول جنایت نگان و دشمن خود معرفی کرد. رقص شیرهای آبادان که خود

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران سفر توطئه گرانهٔ رهبر مائوئیست چین را به ایران محکوم میکنند

هواگوفنگ رهبر مائوئیست های چین، در شرایطی برای ملاقات و اعلام پشتیبانی مجدد از شاه آدمکشان به ایران می آید که ایران در سرحدی آتشین خون شهیدان آزادیخواه و چین پرست می سوزد و رژیم استبدادی دیکتاتوری در زیر ضربات کوبنده ملت متحد خلق های قهرمان ایران آخرین مراحل حیات ننگین و سراسر جنایت و خیانت خود را می گذراند.

هواگوفنگ، این رهبر مرتجع و دشمن خلق انقلابی جهان، در شرایطی برای دیدار و چشیدن دست های خون آلود جلاد تاجدار ایران می آید که بوی اجساد زغال شده قهرمانان بی گناه آخرین سوزی رژیم دیکتاتوری شاه هنوز در فضای تب آلود و خشم آگین ایران به مشام می رسد.

البته پشتیبانی رهبر مائوئیست چین از رژیم ضد خلقی شاه به پدیده تازه ای نیست. از همان اولین که رژیم ایران نقش ژاندارم را در منطقه را بر عهده گرفت مورد حمایت وقت چین در سفر خود به ایران سیاست تسلیمجانی و نظامیگری شاه را مورد تائید قرار داد و آن را مبنای یک سیاست مستقل خواند. رهبری مائوئیست چین از آزمون شاه را هم به مبارزه طبقه خلق های خاورمیانه و هم به خصوصت با اتحاد شوروی تشویق کرد.

اینک مدتی است سیاست خارجی مائوئیستی چین وارد مرحله تازه ای شده است. در این مرحله کلیه مشخصات سنتی و ارسطائی این سیاست به زیان خلق ها به زیان صلح به زیان سوسیالیسم شدت می یابد ای یافته است. رهبری چین در آغاز حیثیت خود با اتحاد شوروی در یک کلیه رهای سوسیالیستی مرتکب به خشت دام گسترده به سود مناصب خود یاد می کرد که گویا با خلق های "جهان سوم" و طرد از انقلاب ها و مسلمانان به دشمن یک امپریالیسم و سرمایه داری است و اتحاد شوروی را خطرناک سازش با امپریالیسم آمریکا یا نزدیک به راه سرمایه داری معرفی می ساخت. حوادث گام گام این سیاست ضد کرانه را افشا کرد. رهبری چین اکنون بکاره نقاب انقلابیگری کاذب و دوراندیشانه را از چهره برگرفته است. سیاست های کسینجر و پرزیدنت به یک شخص به طبقی شدن سازش و نزدیکی چین و آمریکا شد و اکنون به سیاست خصومت در برابر و ارتجاعی اتحاد شوروی که یکی آن را "دشمن شماره یک" خود اعلام کرده، خصومت با جمهوری سوسیالیستی و مقام قهرمان و توطئه ارتجاعی طبقه خلق آنگولا بسته و حمایت با رژیم فاسد موجود توطئه جرم و زشت. سیاست از هجوم موجانی به جنبش مربوط و دستانه و نزدیک با رژیم چین آغاز پیوسته مبارزه با عناصر جنبش پیشه ای مانند اتو رافسانات و حضور نیروی ویتنام سلسلهٔ اسیات

مخصوصات و دیگر حزب مرده شده است. در این مرحله رهبری مائوئیست چین سیاست خارجی خود را بر نظری ضد انقلابی "سه جهان" مبتنی کرد. وقتا در صدد بر آمد با ایجاد یک جبهه جهانی از ژاپن و ناتو و خود منطقه کشورهای سوسیالیستی، همان نقش سنگین را به عهده بگیرد که زمانی عینکی برعهده گرفته بود. پوشش رهبری مائوئیست چین در راه حاکمیت اجرای طلب متحد طبقه خلق علاج و تلاش او در بسته راه انداختن جبهه ای برای آن که از این طریق امکانی به حل خود، یعنی سیطره بر عالم بدست بیاید. تمام جنبش صدا خونین طلبانه و نژاد گرایانه رهبران کنونی چین را نشان می دهد. در شرایط کنونی رهبری مائوئیست چین به یاری استعمارطلبان مخالفت وی خواهد وضع را به سود آنها چه زیان خلق های آسیا را بر نظر "تثبیت" کند.

برای ما ایران تمام خلق های جهان مایه نهایت تاسف است که انقلاب بزرگ خلق چین به این شدت و وحشت مسخ و منحرف شده آرزو های روشن مردم جهان نسبت به چین انقلابی با چنین فشاری از طرف مائوئیست دون و شاگرد اشتباه مال کرده به است. این یک فاجعه دم انگیز در تاریخ مردم چین است. سیاست خارجی کنونی رهبران

دنباله در صفحه ۲

کارگران ایران، در مبارزات صنفی و سیاسی پیشگام باشید!

کشتار دهها آزادیخواه در شهسوار

شهسوار تا ساعت ده هاشهر کوچک و بزرگ ایران مردم تبریز ای که به حرم آزادی بخواهی شده ب گلوله گزارهای شاه قرارگرفته و شهید شده اند . بگزارشی به سیاهپوش است.

گزارش هایی که ازاین شهر توسط خبرنگاران نهضت رسیده ، حکایت از خونریزی وحشیانه پلیس شاه در جریان تظاهرات آ ز روز خواهان مردم این شهر در روز ۲۴ مرداد دارد .

نخستین خبر مربوط به این خونریزی رژیم در شماره ۳۸ نوید چاپ شد . این خبر در آخرین لحظاتی که نوید زیر چاپ می‌رفت دریافت شد و ما فرصت نیافتیم که آن را چاپ کنیم . بنابراین گزارش های بعدی که به ما رسیده مردم شهید ای تظاهرات این شهر بین ۲۹ تا ۵۰ نفر است که تاکنون رژیم درباره این قتل عام وحشیانه به توطئه سکوت نشسته است.

یکی ازخبرنگاران نوید که خود در تظاهرات شرکت داشت درباره این خونریزی رژیم می‌نویسد :

بعد از ظهر سه شنبه ۲۴ مرداد ماه مردم برای نماز جماعت به مسجد امام زیارت بودند . پس از برگزاری نماز جماعت تعداد ی پلیس در لباس شخصی همراه با مأموران ساواک وارد مسجد شدند و شروع به شعارنویسی کردند . بیشتر شعارآن علیه مردم بود . درست در اواخر لحظاتی که آنها شعارنویسی را شروع کردند پلیس نیز وارد مسجد شد و جمع زیادی از مردم و تعداد ی روحانی را به کلانتری شهرشان برای جلوگیری از نزاع و احتمالا جلوگیری از سخنرانی نظم و سنگر کرد ند و به طرف کلانتری محل حرکت دادند . درچهارراه پلیس شروع به شعارنویسی کرد ند و حتی در چند مورد مردم را زیر مشت ولگد گرفتند.

عرق به مردم برای دفاع آن هم بعد از صحنه سازی که در مسجد فریب داده بودند وضرب وشتم دستگیر شدگان در بین راه . کسانی را گواه شاهد این وحشیگری بودند برآشفته کرد . در عرض چند دقیقه مردی که شاهد این رفتار بودند به باشگاه وجوب به طرف گزارهای شاه حمله می‌کنند تا بقیه دستگیرشدگان بی‌گناه را آزاد کنند .

مأموران ژاندارمری که ازقبل خود را آماده چنین برآشفتگی کرده بودند بلافاصله وارد عمل شدند . در مقابل مأموران ژاندارمری و سایر تعداد ی از شهروندان شهرستانی که با چماق و باتوم به جانب دستگیر شدگان افتاده بودند باعث شد تا تمام کسانی که شاهد این صحنه بودند علیه رژیم تروریست احتلال شاه دست به تظاهرات بزنند . فریاد "مرگ براین حکومت نامشروع" و "شاه نمیخواهیم" در شهسوار پیچید . آن چنان که صدا سافرادریا نیز که متوجه این تظاهرات شده بودند خود را به شهرستانی که در آن تظاهرات برپا شده بود رساندند تا به مردم مبارزه همبستگی بپیوندند .

مأموران ژاندارمری که ازاوج ناگهانی تظاهرات ، خشم مردم نسبت به رژیم سفاک شاه بیم‌ناک شده بودند به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند . من به چشم خود دیده ها فریزند دلیر خلق را دیدم که شلیک گلوله ها فریاد مرگ برشاه را در گلویشان خاموش می‌کرد .

تظاهرات پر شور مردم خیلی سریع به تمام نقاط شهرسرایت کرد. در میان تظاهرکنندگان چند بار فریاد کسانی شنیده شد که می‌گفتند به طرف نوشهر حرکت کنیم تا حسابمان را با شاه خون ریز و خانواده ننگینش تسویه کنیم . مادران شهرهای ژاندارمری که این دستور را شنیده بودند با شتابی حیرانی به مرکز پادگان شهرستان بردند و بی‌شرمانه رگبار مسلسل ها را به سوی مردم گرفتند .

زن خردسالی رها لی ده ها تظاهرکننده به خون تپیده و روی زمین ناله می‌کرد . پسر از نبردی جانانه عشق یکی از ژاندارم ها را از جنگل بیرون کشید تا انتقام مرگ ان عزیز در خون خود را بگیرد. اما قبل از آن که خون عزیزش با شلیک گلوله یکی دیگر از جلادان شاه در بخش شهرستانی خود خورد .

تظاهرات چند ده ساعت به طول انجامید و درخاتم این حد ث چند پلیس که لباس شخصی به تن داشتند باضربات باتوم شیشه های چند بین مغازه را شکستند .

طبق نخستین گزارش‌های که از زبان مأموران شهربانی بدست آمد بیش از تلفات این تظاهرات ۲۹ نفر است اما این رقم تا ۵۰ نفر نیز ازیان کردند گان بیمارستان ها مشهود خورشید و گورستان شهر نقل کرده است.

از ۲۴ مرداد که تظاهرات پرشور مردم علیه رژیم شاه ، ساواک این تازه ترین کانون شهرستانی در اشغال نیروهای ژاندارمری و پلیس است . با گوجکترین حرکت به قول خودشان تظهور مردم را دستگیر می‌کند . محیط شهرآن چنان آکنده از رعب و وحشت است که ساکنان درپایین از گفتن کوتاه در شهر متوجه آن می‌شوند .

حدود صد نفر در جریان تظاهرات دستگیر شده اند که درشهر شایع است قصد دارند آن ها را بدادگاه های نظامی کنند .

۹۹۹۷۷

تظاهرات مردم آبادان علیه جنایت جدید شاه

روز پنجشنبه گذشته در جریان تظاهرات خشم آگین مردم پاوند ۹ طبه تازه ترین جنایت ننگین رژیم شاه ده ها زیادی مجروح و دستگیر شدند . پلیس و ارتش به سوی جمعیتی که شعارهای ضد رژیم سر داده وشاه را مسئول سیستم حرق شده سینماریکس معرفی می‌کرد آتش گشود وگروهی را به خاک وخون کشید . روح بازداشت ادامه دارد وشهر به طور خبرسی زیر کابوس حکومت نظامی است. ازجمله روزگذشته تظاهرات بنایی مردم دانشآبادان که با شعارهای مانند "شاه باید بمیرد ..." "شاه نمیخواهیم ..." "جلاد ، ننگت باد ..." در شهر آبادان به جریان انتشار با شرایط ازی وهجوم ماموران امنیتی پلیس وارتش واحد های نظامی که به شهر حمله ور شده اند ، روبرو شد . مردم با سنگ های گرد کرده وچوب های اطراف در خیابان های شهر ، در برابر سینماریکس که به شعار "مرگ بر سران آن حامیان دل شد ، در گوشه ای که بیش از ۴۰ زن ومرد وکودک بی گناه را به کام خود کشید ، سنگربندی می‌کنند ، طبل‌های می‌نوازند و با شعار علیه شاه جنایتکار و اربابش جانانه در برابر دست آدمکشان او در خیابان ها پیش می‌افتند . مردم جهان از جنایت صبح روز پنجم رژیم به خشم آمده اند که هر لحظه امکان برخوردهای خونین وسیع وجود دارد .

مردم: ارتشیان آزادیخواه به صفوف ما بپیوندید!

در جریان بستن تراک های کوچک اعضا گروه خود را گذاشت و روی آن بستند واین لوزان های بستنی را همراه با دیگر خودروهای ها طرف انبارکردن وملاقات خود به درون باد گان جنگ خرم گسیل فرستاده و در معرض فروش گذاشتند . به زودی خبرهای تراک ها در داخل جنگ پیچید و با استقبال پرشورشهروندان آزادیخواه و میهن پرست روبرو شد . گفته می‌شود به دنبال این اقدام انبارکاری فرمانده جنگ به فراز احضار شد و هنوز بازنگشته است.

موضع رژیم، پس ازجنایت آبادان

عامل اصلی اجرای توطئه مسموم دریاریان می‌شرمانه و بدون هیچ مجوز وبدرگی اعلام داشت که به اصطلاح "خرابکاران" (اوحتی رقم قتل آن‌ها را هم ذکر کرد) سینما را با ۲ بمب آتش‌زا غرق‌شدن ورگ کرد و بعد درهای سینما را برای جلوگیری از فرار جمعیت عشاگر از بیرون قفل کرده اند . او وهمزگزاری ساواک پارس با بلافاصله تماس گیری و پرت ولا دست جنایتکاران واقعی را در برابر مردم بازکردند . یکبار "خرابکاران" را عامل قفل کردن درهای سینما معرفی کردند . بار دیگر مرا به از سینما استقبال بستن شیشه ، خروجی نامبرده بود سرا سرا پگاه رابه گردن می‌دیر می‌انداختند . بنابراین‌ها گرد کردند که "خرابکاران" سا بنزین سینما را به درهای سینما اعلام داشتند . بله روزنامه می‌دهند که ۲ یا ۳ نامشناس با ۲ بمب آتش‌زا مسئول قتل عام مردم در سینما هستند وباز به صدای ضرب الشل "در رشکر کم‌حاطه می‌شود" این اتهام را هم ازبیخ و بن منفرشد و بازرسان نخست وزیری پس از چند روز نظامیه تحقیق و بررسی انگشت اتهام را به جانب سایه های ناشناس و محصل گرفته اما گو موگرا اعلام داشتند قطعی حاوی مواد آتش‌زای "خرابکاران" (!) توسط کارشناسان یافت شده است.

درمتن این حوال حقیقت چون آفتاب مازیلای این هرزه‌گرایی جامعه نخل‌وسیع کشید نه‌وشد ونقش گیری های بی‌مایه می‌رفتند . دهها هزار تظاهرکننده ، خشمگین وهزاران آبادانی در خیابان‌ها و در صحن گورستانی که بیش از ۴۰ قربانی استبداد وتوحش رابه تابکشید، از دل برمی‌دارند :

"شاه باید بمیرد ... شاه باید بمیرد ..."

در این شعارهای انتقامگر شبیه به روزهرنیم و روح ها و غلیان‌ها می‌آمیزی او غلیان‌ها اختلاف .

پیش از آن که به دلایل جرگ های متعدد وانگارنایذیر مردم و دلائل ایران نا جمعه که شرکت سیستم رژیم را در جنایت چنین آمیز آبادان ثابت می‌کند ، به هرتقدیرهای در این زمینه پایان می‌دهد بیرد لازم ، ضرورت به دلایل شکست وسوای صریح توطئه رژیم و نتایج احتمالی این انتشاج بزرگ حتی سیاسی بپردازیم .

رژیم شاه ماننده همیشه در طرح حادثه‌ها و ماجراهای و یک سناریو اش‌برای لوث کردن وبازگرفتن نشان دادن حقیقت و به بازی گرفتن واقعیات مردم را دست کم گرفته بود . اوبی‌پند اشت با بهره برداری از زمینه سازی های حوادث خرابکارانه‌ای با حمله به موتسا به آتش کشیدن ویران کردن فروشگاه ها ، اتومبیل‌ها ، کیوسک های تلفن وغیره فراهم آورده اند ودر شرایط مطلوبی که خروش‌سیاسی و حسی باره ای انفجارخرده بورژوازی موج هایی از جنبش ضد دیکتاتوری را از شکل سازمانی و ضربه پذیر به آماج های اصلی رژیم نظیر ساواک ودربارحزب رستاخیز به سوی حد فضاهای حرکتی وحشی رژیم بی‌اهمیت وحشی‌تر به حال جنبش منحرف کرده وحشی ازانرژی انقلابی توده ها را در شکستن شیشه ها وحمله به ساختمان‌ها وسینماها و سینماها به هرز گذاشته است بی‌توان جنایت سینماریکس آبادان رابه باری تبلیغات وحاروجنجال کاذب به حساب مخالفان رخت . اصولا تحریکات ساواک وعوامل وطنی ونظامی در در این زمان به آثارنیم مان گسیخته ای که شیشه شکستن و برخوردهای بی‌هدف را ازصورت یک "وسیله" زیانبخش به صورت "هدف" جلوه داده و انعکاس‌بی‌رویه این ماجراجوی‌ها وبی گناهی‌ها ، که هرنامی جز مبارزه سیاسی‌نمی‌توان بر آن نهاد ، در روزنامه های زیر ساطور و وطنی ، در رکارشد محای مختلف ، یکی ازهدف هایش هم زمینه سازی و تدارک لازم برای فرود آوردن ضربه مهلک نهایی نظیر جنایت آبادان و نظایر آن بود . اما چه شد که مدعای رژیم شبیه گلر بی‌رنگ از آب درآمد و داغ ننگ جنایت بلافاصله بر پیشانی آن نقش بست؟

مخرد شدن بیش از پیش رژیم ، شکست همه برنامه ها وطرح‌های اصلاح شاه مشد ، بیش از حد شعار ها وتظاهرات در برابر حکومت مطلق شدن و ناتوانی حکومت کنندگان به ادامه وضع سابق وعدم قبول مردم برای ادامه شیوه های حکومتی گذشته ، افشای وسیع بر نقدهای بسیار و همه جانبه رژیم استبدادی ، اینها را بایستی به پایان رسیدن آخرین ذره های حیاتی حکومت بود دلایل وعوامل دیگر و در آن‌ها تکاپو ، مردم معترض غیر عادی روستاها و شهرها و شهرنحصیل انواع خشونت ها و تعدیات به آن ها ، آن چنان فاصله ای بین مردم و رژیم ناصد شاه به وجود آورده که دیگر برگرد نی نیست . تنها خط وربط حکومت کنندگان و حکومت شوندگان حق طلبی وکین ونفرت و دشمنی است . در این فضا دیگر پرده های فریبکاری و روح های غافلانه ارضاکننده وبیدار های حاصل سرخوردن ، جز انزجار و به بیزاری مردم شعری به بارنمی آورد . وانگیس رژیم در تشبثات ضد انسانی گذشته خود در مقابله با مخالفان نظیر حمله جنایتکاران و اداره بندان او به اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز مردم وقانون عادو مراکز طی برخوردی بسیب گذاشتن در خانه و محل گروهاریزی و شخصیت های طی وضد استبداد مرتجاع ادامه تورم دولتی به اشغال مختلف به دست خود را بیشتر بازکرده بود و نشان داده بود در دشمنی با مردم و مخالفان تا چه میزان خونریز و سرکوبگر می‌تواند پیش رود .

وقتی جنایت آبادان اتفاق افتاد همه نگاه ها به جست و جوی دست های پرداخت که اسید در اوزنجیر ناحمه ای سوخته بود . و خیلی زود جنایتکار واقعی در شعارهای ده هاهزار سوگوار در آبادان در خلق ها حرات اعتراض وحشکشد هزاران ، در انعکاس اوزانی در لندن و لاهه ، ملبند . در رنجاشات برخاستم ده ها شهر سر خا بر مسجد ها و هر اعلامیه اعلا گرجرب بود ، ایران و دیگر سر ها وشخصیت های ملی وسازمان ، معرفی شد . شاه که سنگری حمایت و تمکین رژال شده بیش از ۴۰ شهید تازه چوبیتی بر گسترده اغی می‌خواست ، حیلی زود قاتم را باعث وبه نوع دسیه به جانب خود فی برگشت . در این اعتراض و سوگوار در نیمه کارواقعی ، شعارها نیروهای طی وعکس العمل سریع آن ها نشان برحاصلی داشت . این تجربه ای است که در آینده باید بر آن تکیه کرد و از آن بهره‌گرفت.

اینک بیمارسوای شاه وزخمهایش که عشم ونفرت عمومی را علیه او برانگیخته ، حادثه شوم آبادان وارد موجی مرحله خود می‌شود . این حساس‌ترین لحظات تراژدی خونین آن با سپرا است که عشماری و بیداری همه نیروهای طی وسوگرایانه وضد سلطنت مطلقه را بطلبد .

نخستین احتمال این است که شاه بازاند اگردن چند مهره‌خود بکوشد تا باز تمرکز به گرده دیگر ازبیندازد . این عکس العمل باحتمال گونه گون می‌تواند ظاهر شود :

۱- تغییر وزیر : این روبه احتمالی به ظاهر آنست که آبی بسر احساسات بر آمده خلق باشد ، نظرها ازموضوع جلب گردد وبحالی به زخم تاجدار دهد وسوار از مسئولیت جنایت مسری معرفی کرد .

۲- اگر در چند مهره نظیر رئیس شهربانی آبادان یا فرمانده آتش نشانی یا مسئولان اداره و شکستن به اصطلاح کاسه کوزه ها بر سر آن ها .

۳- این روز نیز به شایعات مربوط به تغییر وتحولات جدید تا باز موضوع تاحمه را تحت الشعاع قرار دهد .

اما روی دیگر سکه اعلام یک وضع دول اضاره ، برقراری حکومت نظامی در شهرهای به جهان آمده و مطلب بگوید بیشتر های وسیع مخالفان به گلوگرفتن شیوه های سرکوب وخشونت بیشتر عمل وسیع است . عناصر چنین احتمالی هم اکنون با برقراری حکومت نظامی میر وحشی در آبادان به گلوله بستن عمل حرکتگان خشمگین وسوگوار این شهر ، استقرار بی‌سابقه واحد های نانه و زره پوش و طی کمتر و خیزهای ارتش در حد آن ورشی امید به حمله به مسجد قبا، مسجد امام حسین در بیگر مساجد ، که مرکز اعتراض‌گری به تاری های رژیم است، تعطیل این مساجد و بازداشت گروه کثیری از وعاظ وگویندگان ومسلمین مذهبی مخالف رژیم بطرف چند روز اخیر به چشم می‌خورد .

وضعیت خطیر نیروهای طی وسوگرایانه در این شرایط حساس آمادگی برای رویارویند با هرحرکت از اشغال سنگی عکس العمل‌های رژیم وخنثی کردن آنست . با افشاگری وسیع و در داخل وخارج کشور قصد جنایتکارانه شاه را در قتل عام بیش از ۴۰ زن ومرد وکودک بی گناه روبال کنیم واین توطئه شکست خورده رابه دشمنی ای که قلب رژیم منفور و منفرد شاه را نشانه گرفته بدل سازیم . اتحاد عمل وهمبستگی نیروهای ضد دیکتاتوری وسوگرایانه می‌خواهد پر محور و تلاش و مبارزه‌شعر این نیروها در خنثی کردن دسیسه شاه وسوای زمینه‌ان خلق های ایران مشکل بگیرد . تکنیس باید و استحکام پذیرد . این ضرورتی است که وجدان طی وضاع حیاتی میهن در این دقایق تاریخ سازمانها ب به ما فریاد می‌کند . . . .

جنبش ها و مسائل کارگری

درود به کارگران پیکارجوی چیت بهشهر

اعتصاب غرورانگیز وحق جویانهٔ کارگران چیت سازی بهشهر پس از ۱۲ روز موفقاً پایان یافت. مازیسان ها هنگامی وضعیت کارگران وزارت کار که ازادامه اعتصاب و گسترش اعتصابی آن به دیگر واحد های کار، در شرایطی که رژیم ازهرسو تحت فشار مبارزه جویانه مردم قرار دارد، به وحدت انداخته بودند. به کارگران تصمیم سپرده شد که در ظرف دو روز کلیه خواست های آن را برآورده سازند. کارگران اعلام کردند که اگر در ظرف این مدت کلیه خواست هایشان برآورده نشود مبارزه اعتصابی خود را ازسر خواهند گرفت.

کارگران پیکارجوی چیت سازی بهشهر در طول ۱۲ روز مبارزه پیگیر اعتصابی خود تمام حیله های کارگزاران رژیم را که می خواستند در ارادهٔ کارگران بخدا ده تا مبارزه حق طلبانه خلل وارد آورند، خنثی ساختند و اعتصاب شکنان و عمال ساواک را از صفوف خود بیرون راندند.

اعتصاب مکتب نبرد طبقاتی است و کارگران چیت سازی بهشهر در جریان اعتصاب بر غرور وحق خود پرورش داشتن یک سندیکای مستقل را که واقعاً نماینده و منعکس کننده منافع کارگران بوده و مبارزات صنفی آنان باشد باتمام وجود خود احساس کردند. ولی از کارگران می گفت اگر در هر کارخانه یک سندیکا واحدی و مستقل داشتیم واگر این سندیکاها در اتحاد به کارگران کارخانه های پیشکسوت می پیوستند کی می شد که مجبور می شدند با کنون ناشناخته بوده و کارگران دیگر کارخانه ها نیز می خواستند به مبارزه از خواست ها و مبارزات آنها حمایت فعال از ما برخیزند و در چنین صورتی می خواستیم مطمئن باشیم که ما بر نیروی سرمایه در ایران فائق و رایه خاک بمالیم.

کارگران مینو دسایس رژیم را محکوم می کنند

وعده هایی که کارفرمای فاشیستی برای پایان دادن به اعتصاب بکارگران داده بود کارگران را فریب نداد. همان طور که انتظار میرفت مطلب بوی از آب در آمد و کارگران که صبح یک از خواست هایشان برآورده نشد خواست بکارگر دورنگی و تزویر کارفرما و گردانندگان جنایتکار کارخانه را به قیمت محروم ماندن زن و فرزندشان از ابتدایی ترین احتیاجات زندگی با گرسنگی و برهنگی وطن خود احساس می کنند.

گزارش هایی که از درون این کارخانه به ما رسیده حکی حاکی از اوج گیری نارضایتی کارگران و تلاش آنها برای غلبه بر خشم های خشم و نفرت طبقاتی خود به یک مشت نفرینشده واحد که باید بر دهان کارفرما و گردانندگان باید کوبی کارخانه وارد آید دارد. خوشبختانه کارآگاه های فرمانده رژیم در آبادان که مشعر به مرگ مشکوک بیش از ۴۳۰ نفر از مسافران آبادانی، از جمله ده ها کارگر جنگل شد وهمچنین موج طبیعی روح و تبعیض که رژیم پیرامون این حادثه به راه انداخته است و تلاش مذبوحانه ای که برای طرفداران دادن نشان دادن کارگران این خونی ترین دشمنان خود می کند سراسر خشم و نفرت را سرشته زده است.

کارگران گروه خوابیده مینو که در اعتصاب اخیرشان به کسی دستمزد و تاجیز بودن حقوقشان اعتراض داشتند اکنون نسبت به بخش اخبار محلی ازسوی دولت و بویژه اخبار رادیو تلویزیونی کارگران از رژیم خود نیز بشدت خشمگین شده اند. کارگران درباره حقوق ناچیزشان می گویند: اضافه حقوق های پرداختی هیچ دردی از زندگی به بخش رفته ما دوا نمی کند. آنچه به عنوان پول حقوق به ما پرداخت می کنند در مقابل نیروی کاری که از ما چپاول می کنند و هزینه های کمر شکن زندگی واقعاً ناچیز است.

اگر حق مسکن و حق اولاد یکسال پیش را جمع کنیم با مجموع این پول حتی نمی توانیم اجارهٔ یک خانهٔ اتاقی را که ریگی از دوا متاز خرابه محلات تهران اجاره کرده ایم بپردازیم. ما آگاهی از این حقیقت انگارناپذیر که هر کارخانه سنگرمبارزاتی کارگرانی است که در آن کار می کنند و سنت اتحاد مان را محکم تر از گذشته می فشاریم و از درون این مهم ترین سنگر واقعی انقلاب در دفاع به دوش حد هاهزار کارگر جنگ ساخته شد و بگر سخنگویان رژیم مدعی هستند که کیا دولت به نیابت ازجانب کارگران و به دست سازمان هایی که تحت نظر ساواک بوجود آورده، حقوق صنفی کارگران را تأمین می کند. تجربه نشان داد که شاه و رژیم استبدادی او خود بزرگترین عامل غارت کارگران وناقض حقوق آنانست. تأمین حقوق صنفی کارگران بدون ایجاد سندیکاها و اتحاد به های واقعی وستقل کارگری ممکن نیست. هیئت حاکمه نیز این سندیکاها باید به شکل دیوارهایی چون در خدمت دولت وکار فرمایان طرف کارگران انتخاب شوند. هم اکنون کارگران می گویند در برخی سندیکاها عامل دولت وکارفرمایان را زرأس امر طرد کنند. این مبارزه ای است به حق که سلطه آباد گسترش یابد. باید جنبش اصیل سندیکایی و اتحاد به ای در ایران ازاء این مبارزه تحقق یابد. این است آن افزار واقعی برای مبارزات متوقر صنفی که تاامروز طبقه کارگر ایران از آن محروم است.

ولی کارگران و زحمتکشان ایران که طبقه پیشرو وانقلابی ترین هستند، با آرمان اجتماعی وسایل طولانی انقلابی مختلف به مبارزات صنفی و سندیکایی بسنده نمی کنند. کارگران و زحمتکشان خوب درک می کنند که به ویژه مبارزه سیاسی پیگیر اند اختن رژیم ضد ملی واستبدادی محمد رضا شاه مبارزه صنفی و سندیکایی آن هاتوزنی تواند به هدف برسد به علاوه طبقه کارگر پیشرو ترین طبقه جامعه ایران است برسالت تاریخی دارد که در پیشاپیش نیروهای حق طلب ایران برای اندختن دیکتاتوری گام بردارد. زیرا برای اندختن رژیم ضد ملی و استبدادی شاه، شرط لازم و هرگونه پیشرفت جامعه به پیش است. زیرا این رژیم حربهٔ مهم غارت و استثمار مردم از طرف سرکردگان داخلی وخارجی است.

از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز اول ماه مه

مبرم ترین خواسته های کارگران ایران

درشرایط کنونی کارگران ایران مبرم ترین مطالبات صنفی خود را به شکل زیر بدین طریق می کنند:

حل مسئله مسکن برای کارگران بمعنی ساختن روزانه در سراسر کشور به هشت ساعت در روز و چهل ساعت در هفته، لغو کار کودکان کمتر از ۱۲ سال، جلوگیری از واگذاری کارهای شاق به زنان، اجرای اصل دستمزد مساوی در برابر کارمساوی، تعیین حداقل دستمزد برپایه هزینه های لازم مادی و معنوی خانواده های کارگری، رعایت تعطیلات هفتگی و مرخصی سالانه برای همه کارگران، جلوگیری از اضافه کار در کارخانه و کارگاه تحت هرعنوان، واداکردن دولت و کارفرمایان به رعایت اکید بیمه اعلت و ایمنی کار، مقابله ساختن قانون کار بیمه سر کلیه کارخانه ها و کارگاه ها اعم از بزرگ و کوچک و در مورد همه کارگران اعم از کارگران کارگاه های صنعتی، بیمه بری و کارگران حمل ونقل وکشاورزی، واداشتن دولت و کارفرمایان به رعایت اکید قوانین کار و بیمه های اجتماعی و تجدید نظر در این قوانین با شرکت خود کارگران و به سود آنان، تأمین بطالت کارگران برسازمان های که موظف به خدمات رفاهی هستند و بابخشی از دستمزد آنها ایجاد شده. (مانند سازمان بیمه های اجتماعی، سازمان فرهنگ و سکن وامثال آنها) وغیره وغیره

اعلام جرم مردم ایران علیه رژیم جنایتکار شاه

۳- چرا اتومبیل های آتش نشانی شهرداری ونیز اتومبیل های آتش نشانی شرکت نفت پس از آن که حریق سینما را رهم کوبیده و عاملا گران خانم را به وقال بدل کرد به محل رسیدند. وتازه پس از این تأخیر مشکوک که در کنار یک عامل مسموم طن نسبت به مسئولان وعوامل پشت پرده جنایت را میشتر می کند. چرا اتومبیل های اطفای حریق وسایل لازم را نداشتند؟ چرا تمام شیرهای آب فاصله ۶۰ متری سینما آتش زده شده، خراب بود؟

۴- در حالی که بیش از ۴۳۰ نفر در شعله های آتش دست و پا میزدند و بافریاد های وحشت وهراس خود، تمام خیابان های اطراف را به لرزه در آورده بودند شهربانی که شباهتی چندان مشخص به گروه ارتزاع داشته دارد به خواب رفته بود؟ آیا این خود یک خواب مصنوعی نبود؟ تازه پس از آن که رهگذران ونجات یافتگان، جریان حریق را به شهربانی شهربانی به طاهر بی خبر رسانده اند، چرا مأموران شهربانی به جای شکستن در ونجات محاصره شدگان آتش سینما را محاصره کردند وساعت غافلانه زنده شدن جمعیت بی تاب و خروشانی که شعله کشان به حریق زده گان راه افتاده حلوگیری کردند. در حالی که خود نیز کنترین تلاشی در این راه به خرج نداده اند؟

۵- به گفته شاهدان عینی واکثر نجات یافتگان پس از آن که سی چهل نفر از شعله گرفتار حریق زده خود را از پنجره رهانیده اند، در کوچه که به روی آن خیابان بود بسته های نفتشی دیواره بسته شد. این در حالی بود که مأموران پلیس سینما را در محاصره داشتند و این اقدام که مشکل است "خراب کاران" در بازشده رابست باشند بیا حضور آن هست پلیس سلح به خودی خود مشکل است.

۶- تعداد کم از نجات یافتگان میدانند عینی گفته اند که پلیس بدان خاطر درهارابست و سینما را محاصره کرد که در میرود "خراب کاران" که موجب حریق شده اند، در داخل سینما هستند چاره دستگیر شوند. آیا در صورت صحت این ادعاهای رذیلانه که به مثابه ضربه تیر از گناه است نباید برای دستگیری چند "خراب کار" تشکیل، حاضر بیش از ۲۰ تن مرد وزن که بی گناه را بسر حساب ندانند آورد؟ چرا به جای دستگیر این "خراب کاران" تشکیل پلیس شبانه بسته رهای سینما سه تنگ باشتن آن به رهائی ساخت ها اکتفا کرد؟

۷- شاهدان عینی گفته اند، پلیس به جای نجات قربانیان، با فشار ای عنکبوتی تمام همچنان مردمی اشتاد که پای فراری در صدد شکستن در براه باشتن به درون سینما وتجاوز محاصره شدگان آتش بودند.

۸- در گزارش های دولت در پیرامون "جنایات صدی آبادان" آمده است که در پیش از این فاجعه "خراب کاران" قصد آتش زدن سینما رکس را داشتند. آیا با این حادثه قابل قبول است که در شب حادثه حتی یک مأمور پلیس در محل سینما حاضر نباشد؟

۹- چرا پیش از شروع تحقیقات برای یافتن علل حریق دوروسی کارشناسان آتش سوزی در شناخت چگونگی حادثه، پلیس وخبر گزاری پارس وسایر دولت ها اعلام داشتند که حریق صدی بوده و عامل آن به اصطلاح "خراب کاران" وسابقاً ان هستند. این شتاب غول آسا و بی درک و منطق آیا حاکی از وجود یک نقشه ازپیش تنظیم شده و بسته توطئه حساب شده نیست؟

۱۰- در حالی که در سینما رکس ۶ کپسول ضد حریق وجود داشت چرا این کپسول ها مورد استفاده قرار نگرفت. آیا نیست سبب تمام مسئولان وکارکنان سینما در لحظه حریق با لزوم جنایتکارانه عدم استفاده از این کپسول ها بی اطلاع است؟

جعفر سازش بدری که و فرزند خود را در جریان کشتار سینما رکس آبادان از دست داده به صد حالا آبادانی - وحتی خطاب به سرلشکر مالک پور رئیس هیات اعزامی نخست وزیر گفته است:

- مأموران بلافاصله پس از شروع حریق درهای سینما را بستند. من وده ها به رو مادر وخواهر برادر ومطرب التماس کنان از آن ها خواستیم به ما اجازه دهند به کمک عزیزان خود بشتابیم. اما مأموران پلیس شهربانی که سینما را محاصره کرده بودند به ما گفتند: "ما اجازه نداریم بکنیم هیچ کس در سینما را باز کند".

جعفر سازش بارها بیشتر واشک می تابی تأکید کرده است که یک افسر شهربانی به مرگ کشته است مزاحم ماجرا نشود. آن جنایت وظیفه خود عمل می کند.

می فریاد زدم:

- بچه هایم دارند جز خاکه می شوند.

افسر پلیس با خونسردی گفت:

- بچه های دیگرهم همین طور.

رسول رحمانی که همسر و فرزند خود را در فاجعهٔ حریق صدی آبادان از دست داده، گفته است:

- من باخودم در نیت خیلم از سالن خارج شدیم. فرزند بسی تابی می کرد. آتش که شروع شد از میان از دحام وهجوم به گروه ارتزاع کنندگان و به زور آن ها از در خروجی سینما بیرون آمده شدم. من فریاد می زدم. التماس می کردم که بگذارید به کمک همسر و فرزند بروم. اما به پاسبان فریاد زد: "برو ایستد به تا" خراب کارها" فرار نکنند. و نمی دانم چه کسی در رابطه سرما بسته بیشتر مردم در سینما ماندند.

رسول رحمانی گفته است که با مرسان نخست وزیر به حرف های او توجهی نکرده اند. او گفته دعا کرد که در محل حاضر بودند، حرف های مرا تائید می کنند. اما با وزیر نخست وزیر به من تغیر زد ما سعی زیادی حرف نزدم. من دانستم. چطور می خواهم حقیقت را بگویم؟

این نمونه مشتی از خروار است. خطوط اصلی اظهارات همه شهود فاجعه در پیرامون همین کلمات دور می زند. این کلمات را نمی توان دفن کرد. خبرنگاران نیز به خاطر همین دانستند اند که اظهارات آنها پرده های جنایت شاهانه را پاره می زند. واز اعماق نام آن ها خود داری می کند. اما این برگ های زنده وانکارناپذیر جنایت در اختیار مراجع جهانی وشخصیت های حقوقی و نمایندگان مردم سازمان های ذیصلاحی که خواستار رسیدگی به این جنایت بی شرمانه و صحیح باشند، گذاشته خواهد شد.

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» لنین»

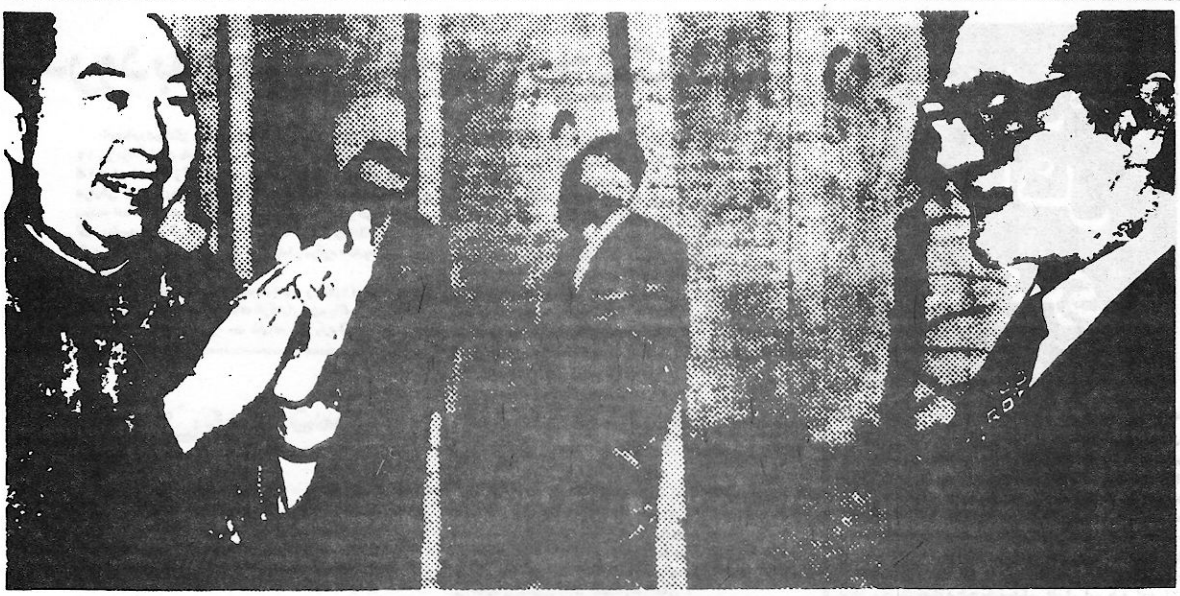

مردم ایران سفر توطئه‌گرانهٔ رهبر مائوئیست‌های چین را به ایران محکوم می‌کنند

مائوئیست چین سیاستی به حد افراط‌بیانی و ماجراجویانه، مخالف صلح، مخالف جنبش‌های مترقی به سود امپریالیست‌ها است. علیه اتفاق در پی‌های صورت انگیز تاریخ، اطمینان داریم که حساب هـــای مائوئیستی رهبران چین نیز طی حد به مانا تاکنون پرخواهد شد و خلق چین انقلابی راه به آن جنایت شده از چنگال خاصان آن مارد بگرمات خواهد داد. خلق های جهان مباشیاخته درست چین امروز چانه‌ترین اما طبقه دسایسی سیطره جهانی آن می‌توانند چنین‌روزی را نزدیک سازند.

سامرت هوا کوئوفنگ به ایران در فرجامی انجام می‌گیرد که منجاوزترین محافل امپریالیسم آمریکاستی دارند بکاره بیگر به سیاست جنگ سرد بازگردند. چین در این جریان به مثابه متحد آمکاران این محافل عمل می‌کند و همراه با امپریالیسم آمریکا علناً مسالمت خود را با صلح و همزیستی و خلع سلاح اعلام می‌دارد. دیدار هوا کوئوفنگ و شاه برروی زمینه های مشترکی انجام می‌گیرد که مهم ترین آنها دشمنی با اتحاد شوروی و دشمنی با خلق های ایران و کوشش برای سرهم بندی انقلاب های ارتجاعی در منطقه طبعه خلق هـــای منطقه و طبعه خلق های آمریکاست. رهبری چین مانند شاه از جنبش مزایده و محرومان مردم ایران طبعه دیگاتوری نگران است زیرا رژیم ارتجاعی و مستبد انه شاه، مانند رژیم پینوشه و پیچوتو و نمیری و امثال آنها، برای رهبری چین رژیم مطلوبی است. و رهبری مائوئیست چین مانند امپریالیسم آنها به خود وجه می‌دهد که می‌تواند از فرار بعضی رژیم ایران باز تمایلات مردم ایران این رژیم برای مقاصد خـــد شوروی، ضد صلح و ضد آزادی استفاده کند ولی اما انجام نیرو خواهد کوشید این نقشه خود را عملی سازد.

زمانی بود که مردم ایران با عشق فراوان به انقلاب بزرگ خلق چین به حق قضاوت می‌کنند. مردم ایران به خلق چین به مثابه یکی از خلق های کهن، یکی از سازندگان بزرگ تمدن انسانی احترام می‌گذارند. در عین حال تجارب سیاسی مردم ایران دیدگان آن‌ها را بصیرکرده و آنان بازی های شوم علیه و دشمنی خائنانـــهٔ سیاستمداران امروزی چین را می‌بینند.

مردم ایران بند وست ارتجاعی یکی - تهران را محکوم می‌کنند.

بند وست شاه - هوا کوفنگ کوچک ترین بهتانی حقی ندارد.

باید چهره کریه سیاستمدارن مائوئیستی را چنان که هست به همه مردم توضیح داد و شخص حد بد را که واقعیات بدون تردید به رهبری ماهیت ضد انقلابی ایرا برملا می‌کند به همه شناساند. وقتی شخص شناخته شد مبارزه بر ضد وی آغاز گردید، آنگاه وی قادر نخواهد بود خیانت کاری خود را با استفاده از نظمیه و حمایت دوارد سازد.

حزب توده ایران از همان آغاز که مائوئیسم در زیر سایه مارکسیسم - لنینیسم قدم در جاده دشمنی با اتحاد شوروی و جنبش انقلابـــی جهانی گذاشت با صراحت و استقامت بیشتری این روش مزورانه و خیانت آمیز گروه و حاب مائوئیست ها را برملا ساخت. حزب ما همین می‌دید که گوییم ضد شوروی وجود ندارد و دشمنی با شخصی و موجود ترین گروه رویسیونیستی جهان فقط می‌تواند بر اساس مقاصد نابهنگام طلبکارانه و سفرجه جهانی انجام گیرد و در آخرین تحلیل به خدمت ارتجاع و امپریالیسم در آید. حوادث صحت استنباط و قضاوت حزب ما را به نحو انکارناپذیری نشان داد. امروز کمتر کسی است که دارای اندیشه های مترقی صادقانه ای باشد و به خواهیش هاو هیچ مائوئیستی چین که حساب را در خیانت شکست است مبارک.

حزب ما انتظار راسخ دارد که زمانی نزاری مائوئیسم که بر پایه خدمت و تقلب و حسابگری های موذیانه وشت گرایانه مبتنی است، به دست خلق چین خاتمه خواهد یافت. ولی تا آن زمان که این سیاست ضد ارانه به توطئه بر ضد صلح و امنیت خلق ها باز آنچه مردم کشور ما مشغول است، مقابله‌ای این برملا ساختن آن جایزه خواهیم کرد به ایرانیانی که هنوز در دام تزویر مائوئیستی باقی هستند، شدید ایرانی می‌دهیم تا با شناخت واقعیات میان راه راز چاه دوست را از دشمن تشخیص دهند.

مردم ایران که مبارزهٔ دلاورانه و جانبازانه طبعه رژیم ضد خلقی وضد ملی سلطنت طلبانه شاه مشغول اند، سخن توطئه گرانه هوا کوفنگ رهبر مائوئیست های چین را به چشم خرق در خون خود به شدت محکوم می‌کند و اعلام می‌دارند که هرگز دست جلادان و خائنان جنبش انقلابی خلق های جهان را نخواهند نشرد و دستاور دشمنان خود را خواهند شمرد خواهند داشت.

با ما تماس بگیرید!

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می‌کند، بگونه براساس رهنمود های سازمانی، گروه انقلابی توده ای به وجود آورند یا مرکز حزب شاخی بگیرند. سازمان دهند و سپس رابطه مستقیم با مرکز حزب را به همه هواداران حزب تحمیل می‌کنیم و به آن ما اطمینان می‌دهیم که حزب ما بدست به نظر هست خانه در شرایط کارسازمانی خود و رابطه آن با شرایط اختناق سازمانی، امنیت جنبش سیاسی را، تا آنجا که به مرکز حزب مربوط می‌شود، تضمین می‌کند. برقراری چنین رابطه ای به هر یک حزب در خیابان سراسر کشور کمک می‌کند و امکان می‌دهد که درباره سیاست حزب مشورت وسیع تری به عمل آید و نظر خود گروه ها و سازمان های مبارز مورد بررسی و حسابگری قرار گیرد.

برای برقراری چنین سیستم، مبادله یکی از رمزهای ضد دریافت و ارسال اطمینان شما از راه‌ها از طریق یک تلفن عمومی بدون دادن نام و نشان خود به شماره های ۷۹۰۰۲۳ ۷۹۴۳۲۹۹ در پاریس تلفن کنید و تلفن با Bayer را بخواهید. آن دوستان شماره تلفن را که با آنها می‌خواهید با مرکز حزب تماس بگیرید به شما خواهند داد. نه در تلفن اول و نه در تلفن دوم نام و تلفن و نشانی خود را نگویید. خود را به نام مستعار معرفی کنید و به راهنمای تماس که به شما خواهند شد دقیقاً توجه کنید.

در اینجا لازم است به همه هواداران حزب و رایزان یاد آوری کنیم بازه ام هایی که سازمان می‌گیرند، حضور کنید و همواره به این نکته توجه داشته باشید که گرمتر بتوانم از مرکز حزب و داشتن رابطه گرمتر تفاوت از مرکز حزب هیچ گاه فشاری برای سلامت سیاسی افراد در ایران نیست. بنابراین اعتماد خود را به سلامت سیاسی افراد تضامن با به تجربه انقلابی خود از آن بخاطر شناخت همه جانبه آن ها و بهداشت سیاسی سیگرو با به اداری آنها مبارزهٔ انقلابی قرار دهید.

ما در راه خلق حرکت می‌کنیم. همه ما به حق است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

شاه ارتش را برای سرکوب وسیع‌تر مردم آماده می‌کند

هفته گذشته طی بخشنامهٔ محرمانه ای که به کلیه واحد های نیرو های زمینی، هوایی، شهربانی و ژاندارمری ابلاغ شد، دستورات جزئی برای تدارک و آمادگی به منظور سرکوب هرگونه تظاهرات و سر آمد های خلقی داده شده است. بنابر این بخشنامهٔ محرمانه که بی شک دستور داده شده آن شاه خلاف است که این نیروها نیز بنحو به شهرور در سراسر کشور به حال آماده باش به سر می‌برند، کلیه مرخصی های نیروهای مسلح لغو شده و به کسانی که در مرخصی بودند دستور داده شده که بی درنگ خود را به نزدیک ترین واحد نظامی محل اقامت خود یاد آوری خود معرفی کنند.

همزمان با صدور این بخشنامهٔ محرمانه، عده ارگات وسیعی به منظور آمادگی برای سرکوب وسیع تظاهرات سیاسی مردم و طبعه رژیم خائن وطن فروشان، در شهرهای بزرگ و به ویژه تهران، انجام گرفته است. از جمله در اواخر هفته گذشته طی انتقال لاجورد نظامی وسیعی به استاد یوم امید به تهران انجام گرفته و امکانات بزرگ به پادگان ورامین حوضه تبدیل شده است. به قرار اطلاع شبانه تعداد قابل توجهی تانک، نیز برون، خمپاره اند از سلسل سنگین از "گارد شاهنشاهی" به استاد یوم امید به انتقال داده اند. اصلاً که در قلب تهران قرار دارد به دو دلیل به مرکز حوضه استقرار نیروهای مرخص گارد شاهنشاهی تبدیل شده است: یکی از آن جهت که از آنجا به سرعت می‌توان به هر نقطهٔ شهر برای درهم شکستن تظاهرات مردم و کشتار آزادی خواهان و میهن دوستان ضد استبداد و دیو سرمایه و سانسور آمریکا، این مرکز خوفناک های امپریالیستی که می‌تواند به عنوان یکی از آماج های احتمالی مردم به تاخت و تاز بپردازد، اکنون جنبش های ضد مردمی، ضد انقلابی و ضد کودتا امپریالیستی ۲۸ مرداد مورد حمله خشمگین مردم قرار گیرد.

گزارش های دیگری که به دست ما رسیده حاکی است که چند واحد تازه ارتشی در شهرستان های خمین، اراک، قاهان و گلپایگان مستقر شده اند. این نیروها که پس از ورود به شهرستان مرتباً همی افسران شهربانی و سال ساواک قرار می‌گیرند، در اطراف مساجد و نقاط مهم شهر موضع گرفته اند. همچنین خبر می‌رسد که شاه که از احتمال پیوستن بخش های مهمی از ارتش به صف مبارزان خلق به وحشت بزرگ افتاده، مباحثه دستور رسیده است تیری هرنوع وجود طف انقلابی شهریاران در ارتش و افسران جزء را صادر گردد است.

اما آیا چنین اقدامات مذبوحانه ای می‌تواند ارتشیان غیرمتعهد به سرنوشت را در صف دشمنان مردم نگه دارد؟ در حالی که مردم به هنگام ورود نیروهای ساواک و سلسل حاد ست اتحاد خود را به سوی فروزنده آن ارتشی خود دراز می‌کنند و شعارهای "سرباز خوابیده، برخیزید ای جلادان" و "ارتشیان ایران، شاه شما جلاد است" از آن هایی خواهند که به صفوف مبارزان راه آزادی و استقلال میهن بپیوندند. آیا ارتشیان می‌توانند همچنان پاسخ این دست ها را با گلوله سر بدهند و در جنایت ها و خیانت های رژیم شاه شریک باشند؟

متحد شویم و رژیم استبدادی شاه را سرنگون کنیم!

هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران) سال سوم، شمارهٔ ۲۱، شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۳۵۷

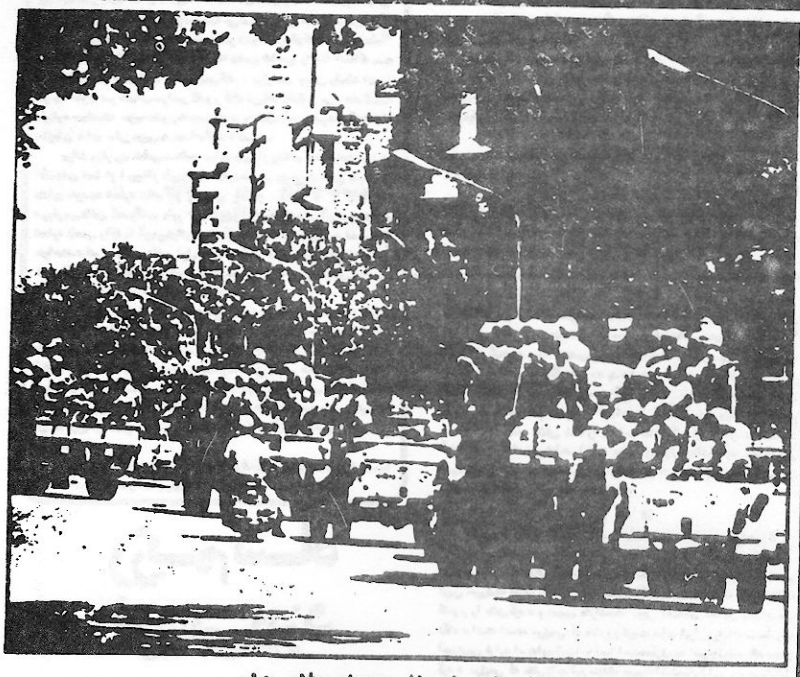

خیابان‌ها در اشغال نیروهای نظامی شاه

رژیم شاه فرو می‌ریزد

سقوط دولت آموزگار روی صحنه آمدن عروسک جیمه شب بازی دیگری جلو شریف امامی، از دیدگاه هنر متفاوت می‌تواند مورد توجه قرارگیرد. نخست این که بت استبداد در حال لرزیدن و ورافتن است و زیر فشار بحران خرد کننده و علاج ناپذیری که هردم بر طول و عرض و عمق آن افزوده می‌شود چاره‌ای جز عقب نشینی و تن دادن به اجرای خواست‌های تازه برای خود نمی‌بیند. و درشانی این که شاه می‌خواهد با کشتن غرامت وحزنی ترین تغییر ممکن مایه ترین نمایش به صورت های حیاتی تحول و دگرگونی های بنیادی را زلزله وارجامعه را می‌لرزاند پاسخ دهد. اما این جیله شب بازی‌ها جز بدبختی و زیونی حساب شده ای که در آن به کاربرده، سرانجام ناچیزاست و بی دوام. این که چرا شاه به اصطلاح از میان پیشخوان جرجیس را انتخاب کرده و تیمورتاش شناخته شده بی اختیاری چون رامبد مجلس سنای فرمایشی خود را به کارگرفته است، مسئله دلایل زیونی ناشیانه افراد پیرامون او را مشخص می‌کند. به میل خود جیله جدید در واقع این توهین اکرام شاهانه است. از طرفی شاه و رژیم بحران چنان سقوط و منفور شده که این وحشت و جود دارد سپردن قدرت به شخصیتی که کشوری وجاهت ملی و حیثیت و اعتبار فردی داشته باشد - چه این ترتیب در سلک چاکران درگاه و بندگان بی اراده و خوش درباری قرارنگیرد - موقعیت سلطنت او را به خطر جدی در معرض تهدید قرار دهد. از این دو مورد که بگذریم اصولا شاه نمی‌تواند اعتقادی به تحول داشته باشد و نه می‌خواهد به پیشباز چنین تحولی برود. چنین است که بردن آموزگار و آوردن سوت اسامی به جور تغییر بدون تغییر، تحول بی تحول و به عبارت دیگر دورخیز کردن به قصد نپریدن است.

نخست وزیر جدید که از ۱۵ سال پیش ریاست سنا را به عهده داشته و به عنوان یکی از عاملان اصلی رژیم استبداد سلطنتی و پایداری نظم مخوف پلیسی و آلوده سیاه وحشیانه اختناقی آن عمل کرده است، ناگهان به شعبه یک لیبرال خرده اقتصادی اساسی یک آزادیخواه اصلاح طلب و حسرت از آب در آمده است. شگفتا! مگر در این مدت کوتاه چه روی داده که ابلیس را به توبه و ماموراستبداد را به فرشتهٔ آزادی و عدل مبدل ساخته است؟ جزاین است که حکومت کنندگان دیگرنتوانستند به سیاق گذشته حکومت کنند و حکومت شوندگان ادامه شیوه های بدبین حکومت را نمی‌پذیرند؟ توفان انفجارشده. کارگران و دهقانان و کارخانه ها و ماهیران دروکوچه و خیابان با شکستن ازهم می‌پرسند: آیا انقلاب آغاز شده است؟

و در این فضای که سرشار از انتظار وتحقیق دگرگونی بنیادی است و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، در زخیم و گرد و زند انسان هم ناچارند لباسهای خود را عوض کنند. اما فقط لباسهایشان را... ضمیر و دیدگاه مستحیل شریف امامی در این متن بر تلاطم اجتماعی بیشتر و بیشتر قابل درک است. بدینسان اولین سؤالی که مطرح می‌شود اینست:

اگر تغییر شرایط و فشار ضرورت ها حضرات را یک شبه از اوج غرور بیم و دلتی به کنار بش به اصطلاح فضای سیاسی وادار اشته است، چه ضمانتی وجود دارد که در اولین فرصت مناسب خلق هاد و باره زنجیر خود را پاره نکنند چه جان مردم نخفتند، گرچه هنوز هم به هیچ وجه از جان مردم دست برنداشته اند. این سؤ ظن توجه وقلابی را دلا بل و خواهد می‌شماری تاقید و تقویت می‌کند. سخن از آزادی و آزادسازی بسیاراست. اما تمامی نهادهای استبداد و تیرو سرکوب چون سد مستحکم رپا برارمانده اند. سازمان جهنمیان سایه ابلیسی خود را بسا طیم ترین امکانات دولتی و باعظیم ترین و بی حساب ترین بودجه و نامحدود ترین اختیارات، در سرکوب و ترور مکنی برکشور گسترده است. دادگاه های نظامی به مثابه ابزار دیکتاتوری، مسارع از مراحل و قانون وسیاه، صلی کند. در پایه مثابه محوهمه سیاستهای ضد طرح ضد خلقی مرکز قدرت منطقه مردی همچنان پابرجاست. مطمئن کارکانون بینی نشستند و توپ نشانه در چنگ توپ مجریه به نمش سیاه شد تا بدل شده. با این زمینه ها و بنیادهای عینی، چگونه می‌توان دم از آزادسازی زد؟ چگونه می‌توان این حدها را پذیرفت و باور کرد؟

چگونه این یک نظام استبدادی انحصاری شرایط اقتصادی و مناسبات اجتماعی و چگونگی توازن نیروهای طبقات و قشرهای مختلف است؟ استبداد دیدبه های انتزاعی نیست. پوست و مغز توی از حکومت طبقاتی است که در تمامی جوانب منظم به طبقات متضاد، در اقتصاد محدود و بدون پایگاه طبقه تکیه دارد. وقتی پایه و خرابطبیعی استبداد در دست نخورده باقی می‌ماند، چطور می‌توان انتظار داشت که آثار ونتایج آن به گور سپرده شود؟ وقتی طبقه پابرجاست، دل خوش کردن به گرفته شدن معطیل تنها ساده لوحی فرد تا بیدا است.

دنباله در صفحه ۲

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکایی خود مبارزه کنید!

اینک پس از ۲۵ سال سراسر سنی سند یکای مصوب سال ۱۹۵۴ سندی تحت عنوان "اعلامیه جهانی حقوق سند یکایی" تصویب و انتشار داده است تا در سراسر جهان برای مبارزه موجه و حل و همبستگی سند یکاها به مثابه پایه مورد استفاده قرارگیرد و به تقویت سازمان سند یکایی همه کشورها یاری رساند.

در مقدمه سند گفته می‌شود با آن که در عرصه بین المللی، اصول آزادی های سند یکایی که باید در همهٔ کشورها مراعات گردد بیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود، به ویژه طی رغم آن که مقاوله نامه های بین المللی کار، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاوله نامه های مربوط به حقوق بشر، آزادی ها وحقوق سند یکایی را تایید می‌کنند، معذالک حقوق زحمتکشان در صنعت و کشاورزی وحقوق سازمانهای آنها از جانب دولت های مرتجع و کارفرمایان وسیعاً و آشکارا پامال می‌گردد.

بخشی از حقوق سند یکایی زحمتکشان را آن چنان که در اعلامیه جهانی حقوق سند یکایی آمده است در نظر بگیریم:

- زحمتکشان حق دارند آزادانه و بدون کسب اجازه گرد هم آیند، درباره کلیه مسائل مورد علاقه خود بحث واظهارنظر کنند.

- زحمتکشان از آن حق دارند ان دولت حق دارند سند یکا تشکیل دهند، به سازمان های سند یکایی موجود بپیوندند، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سند یکایی شرکت نمایند.

- اعضای سند یکا آزادانه اساسنامه سند یکای خود را تنظیم می‌کنند و طرز کار وفعالیت های سند یکا را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می‌دهند.

- اعضاء سند یکا حق دارند برطبق اساسنامه سند یکا رهبران خود را انتخاب کنند و به عضویت ارگان های رهبری سند یکایی انتخاب شوند.

- زحمتکشان حق دارند برای دفاع از منافع خود در هرگونه عمل سند یکایی اعم از اعتصاب، تحریم، تشکیل گروه انتظامات اعتصاب (پیکت)، اشغال محل کار، مظاهرات خیابانی و امثال دیگر مبادرات سند یکایی شرکت جویند.

- زحمتکشان حق دارند برای ابراز همبستگی به اعتصاب یا اقدامات دیگری که مناسب می‌دانند دست زنند و به این مناسبت نباید مورد بازخواست، اخراج یا تنبیه قرارگیرند.

- زحمتکشان حق دارند مشخصاتی را که مایلند به دست آورند، مطبوعات و نشریات سند یکایی و کارگری را پخش کنند، به تبلیغات سند یکایی بپردازند و به دون دخالت مقامات دولتی وکارفرمایان آموزش سند یکایی خود وسند خود را کسب نمایند.

- زحمتکشان حق دارند به سازمان سند یکایی جامعه نمایندگی کلیه مسائل مربوط به دفاع از منافع و حقوق فردی واجتماعی خود از آن کمک گیرند.

- بیکاری جزیی یا کامل یک زحمتکش به هیچ وجه نمی‌تواند مانع برخورداری وی از تمام حقوق سند یکایی گردد.

این حقوق که در هرکشور و دولتی کاملاً ابتدایی به حساب می‌آید، در ایران تحت رژیم منحوس استبدادی محمدرضاشاه تماماً پامال می‌گردد. اعتصابات، حتی در مسجد مایه گلوله بسته می‌شود، کارمندان دولت حق تشکیل سند یکا ندارند، اساسنامهٔ سند یکا باید به تصویب وزارت کار برسد، برهبران سند یکا از طرف ساواک منصوب می‌شوند، مظاهرات مسالمت آمیز زحمتکشان و اعتصابات آن مایه خون کشیده می‌شود، زحمتکشان فقط طبقاتی را که ساواک سازمان امنیت گذشته وارثش شده بدست سرای می‌کند می‌توانند به دست آورند و آموزش سند یکایی تنها تا حدودی که وزارت کار در چارچوب تبلیغ همکاری طبقاتی و فریب کارگران لازم می‌داند انجام می‌گیرد. از رژیمی که شیوه های فاشیستی را به کارمی‌برد جزاین هم نمی‌توان انتظار داشت.

به موجب سند رسمی اعلامیهٔ جهانی حقوق سند یکایی در رژیم دیکتاتوری:

- سند یکاها حق دارند به نمایندگی زحمتکشان برطبق اساسنامه ای که خود آنان آزادانه تنظیم و تصویب کرده اند بدون دخالت یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان، فعالیت نمایند. سند یکاها شخصیت حقوقی دارند.

- سند یکاها حق دارند ضرز انتخاب رهبران وارگان های اجرای خود را آزادانه تعیین کنند، اداره امور داخلی خود را سازمان دهند برنامه عمل خود را تدوین نمایند.

- اداره امور مالی سند یکا فقط حق سند یکا است و مقامات دولتی و کارفرمایان حق دخالت و کنترل آن را ندارند. اموال و دارایی سند یکا را به هیچ عنوان نمی‌توان مصادره کرد.

دنباله در صفحه ۲

پیروز باد مبارزهٔ قهرمانانهٔ مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمدرضاشاه

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکایی خود مبارزه کنید!

سازمان های سندیکایی حق دارند که برطبق اساسنامه خود به هر شکل که صلاح می دانند تشکیل یابند.

سازمان های سندیکایی حق دارند که به این کنگره اجازه دهند که بدون دخالت دولتی، نظرات خود را در مورد مطالعات از آن جمله مطالعات اجتماعی تشکیل دهند.

سازمان های سندیکایی حق دارند انتخاب مدارک تشکیل دهند و یا از کلیه اشکال دیگر به منظور تشکل انتخاب به عمل می آیند بدون هیچ تبعیض نباید. به مناسبت این قبیل فعالیت ها در هیچ مورد نمی توان کسی را مورد بازخواست و تنبیه قرار داد.

سندیکاها حق دارند که آنگاه تابعی را که در خود فعالیت آن حاضر به دست آورند و منحصراً خود آنها را اداره کرده مورد استفاده قرار دهند.

سازمان های سندیکایی حق دارند فعالیت های سندیکایی و دیگر آموزشی و فرهنگی زحمتکشان را زمان دهند و سرمایه استفاده زحمتکشان هزینه، کتابخانه، کلوب، پناهگاه های دیگر آموزشی فرهنگی، تفریحی و ورزشی تأسیس و اداره نمایند.

سازمان های سندیکایی حق دارند که در فدراسیون ها و کنفدراسیون ها به هر شکل که صلاح دانند شرکت کنند.

سندیکاها حق دارند با شرکت در راستین ها و سندیکاهای صنایع، حرفه ها و مناطق گوناگون کنفدراسیون های کشوری تشکیل دهند.

سازمان های سندیکایی حق دارند به منظور دفاع از منافع و حقوق زحمتکشان درباره اقدامات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت اظهار نظر کنند و در مورد کلیه مسائلی که با منافع و حقوق زحمتکشان ارتباط دارد با آن مخالفت نظر می دهند اقدام و اقدام کنند.

سندیکاها حق دارند درباره مسئولیت ها و شرایط مکانیزه کارفرمایان و از آن جمله با مشاهده دولتی مذاکره نمایند و با آن همکاری به حرفه یا جمعی از حرفه ها و صنعت ها به خاطر کاربرد بهسازی جمعی متشکل سازند.

سندیکاها حق دارند در کلیه مؤسساتی که به مسائل مربوط به زحمتکشان می پردازند با نمایندگان فردی یا جمعی زحمتکشان به منظور دفاع از منافع آنان به اقدامات قانونی دست بزنند.

سندیکاها حق دارند که در کلیه امور مربوط به حقوق اجتماعی و سازمان های آموزش حرفه ای و دیگر خدمات مربوط به مسائل اجتماعی شرکت کنند.

سازمان های سندیکایی باید در کلیه مسائلی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به زحمتکشان مربوط است به هنگام تنظیم قوانین و آئین نامه ها مورد مشورت قرار گیرند. آن ها حق دارند طرح های قانونی تنظیم نمایند.

افرادی که به عنوان نماینده کارگران انتخاب می شوند حق دارند به کارگاه ها و اماکن مربوطه رفت و آمد کنند و اگر کارگران در ساختمان های سازمانی ساکن باشند به محوطه سکونت کارگران وارد شوند.

سندیکاها حق دارند به منظور تشکیل، تطبیق یا بهبود قرارداد های جمعی کشوری در سطح کارگاه یا بخش جمعی متشکل سازند.

سندیکاها حق دارند با مصالحه ای که به وزیر کشور قبلی یا سندیکاها برای تغییر شرایط کار از جانب کارفرما اعتصاب مجاز اعلام دارند.

در کارگاه هایی که در آن کارگران جان باخته رضی کارگران خطرناک باشد سندیکاها حق دارند تعطیل سر ویژگی را تطبیق.

یک نظر اجمالی به تاریخ جنبش سندیکایی ایران نشان می دهد که زحمتکشان میهن ما با تلاش فراوان و مبارزه های طولانی بعد طی صدها کیلومتر پس از دوران جنگ جهانی که ارتجاع و امپریالیسم در اثر شکست ناچیزی تضعیف شده بود، توانستند بخشی از این حقوق را به دست آورند و اتحاد به هم پیوستگی خود را تشکیل دهند «شورای متحد مرکزی اتحاد» به های کارگران و زحمتکشان را به وجود آورند. اگرچه مجموعه این حقوق که طبق مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است تماماً از طرف رژیم استبدادی و ضد ملی محمدرضا شاه لگد مال می شود.

پس از آن که حزب حاکم ضد کارگری ایران اتحاد به هم پیوستگی کارگران پیشاهنگ های دیگر طبقه کارگر را در هم کوبید مشارکت کارگران ایران را به وجود آورد «مشخصاً» سازمان های کارگری «غاصبانه» در مورد آن کاملاً صدق می کند: این سازمان یکی از دوایر حزب دولتی رستاخیز است و از طرف وزارت کار رسماً اداره می شود. «خلاصه دیالکتیک» دارد (حتی به موجب نوشته اطلاعات ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۷) «بسیاری از سندیکاهای کارگری با نمایندگان کارگر منتخب واقعی کارگران نیستند. در نتیجه کارگر هم به آنها اعتقادی ندارد». در مدارک اداره با کارفرمایان از دست واقعی می پیچد. استیجاره که بازهم طبق نوشته همان «شمارهٔ اطلاعات» «کاریست غریب به اضافی شکایات و اعتلاء» کارگری «بازهم آن تاز به شورا رسیده گاه خاتمه احاله می شود. در این جا باید به وزارت کار و رجوع اجتماعی از نمایندگان کارگر و کارفرما نظر بسیار حساس تری دارد». «جلوگیری از اعتصاب و تبلیغ مبارزه طبقاتی اصل بنیادی فعالیت» سازمان کارگری ایران را تشکیل می دهد. وجود این مشخصات طبقه حزب زحمتکشان ایران را از سندیکاهایی که به وسیله سازمان کارگران ایران ساخته می شود روشن می سازد. این قبیل سندیکاها اگر هم دست کم تا حدی بتوانند کارگران تازه کار را فریب دهند ولی چون در دوران دفاع از حقوق زحمتکشان کوچکترین گامی برنمی دارند نمی توانند در مقابل ساختن آن ها خیلی به دست آورند. به همین سبب است که طبق نوشته همان شمارهٔ اطلاعات «بسیاری از کارخانجات و کارگاه ها شمار در سطح طبقه میانه در سطح شهرها نیز هنوز سند یکاها کارگر ندارد».

ده ها هزار کارگر ایران که در اتحادیه های واقعی وابسته به حزب توده ایران کار می کنند، اما بخشی از آنان مکتب بر اختیار حزب توده ایران را کارگر نداده اند مفهوم سند یکای واقعی را به خوبی درک می کنند. این کارگران را نمی توان در سند یکاهای نامشخص تحت شعار «حقوق شاه» متشکل ساخت.

کارگران و زحمتکشان مبارزان که در راه سرنگونی رژیم ضد ملی و استبدادی محمدرضا شاه مبارزه می کنند خواهند خواست با پیوند دادن مبارزات سیاسی و اقتصادی به مبارزه در راه حقوق و آزادی های سند یکایی با مطرح شدن شعار سازمان از جنبش سند یکایی سند یکاهای واقعی خود را به وجود آورند و حقوق پایمال شده سند یکایی خود را احیاء کنند.

طالب ارسطو در تاریخ ۱۳۵۷ اردیبهشت

با ما تماس بگیرید!

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می کند با ما تماس برقرار کنند. رهنمود های سازمانی، نگرش انقلابی توده ای به مبارزه، تجربه مبارزاتی حزب، شناخت مشخص وظایف مشخص مبارزه، شرکت در مبارزه حزب ایران در جهت منافع زحمتکشان ایران، همه این ها امتیازاتی است که حزب ما در مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان ایران به دست می آورد. ما با آن ها امتیازاتی که حزب ما در مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان ایران به دست می آورد،

هفته نامه
نوید
(وابسته به حزب تودهٔ ایران)
«فوق العاده»
سال سوم، شمارهٔ ۴۲، دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۷

هولناک ترین جنایت تاریخ در آبادان

روز ۱۸ مرداد که در آبادان یکی از فجیع ترین و کم سابقه ترین جنایات قرون را مرتکب شده است، اکنون مذبوحانه تلاش می کند تا شاید با تن دادن به پاره ای عقب نشینی های محدود در برابر طوفان خشم و نفرت و مبارزات گسترده انقلابی خلق در سراسر کشور، خشم و عصیان بیکاران و بیاند وسیاسه آفرین مردم را که می رود تا طومار سراسر جنایت و خیانت رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه را درهم بپیچد، فرو نشاند. به تلاش برخی از دیوزهای اخیر رژیم کوشیده است با توطئه سکوت در مورد جنایت بی سابقه خود در کورهٔ آدم سوزی سینما رکس آبادان، موج مردم را از آن منحرف کند. اما مردم متعلد به و مبارز ایران این شیوه کاری فجیع و ناشیستی را هرگز فراموش نخواهند کرد و همان طور که در شعارهای خود در آبادان اعلام کرده اند، انتقام خون را با سرنگون ساختن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه و مجازات باند جنایتکار حاکم و عاملان تیه کاران خواهند گرفت.

گزارشگران نهضت که با شاهد ان عینی این فاجعه و معدود افرادی که از این جهنم بزرگ آرماگدون جان سالم به در برده اند، گفتگو کرده اند، نتیجه تحقیقات خود را که حاکی از شرکت مستقیم شهربانی و ساواک آبادان در عدالت و انجام این توطئه جنایتکارانه است، چنین گزارش کرده اند:

۱- از روز چهارده هم مرداد (سالروز انقلاب مشروطیت) تا روز ۲۸ مرداد (روز فاجعه آتش سوزی) شهر آبادان شاهد تظاهرات گسترده و پر شور مردم علیه رژیم ضد ملی و جنایت پیشه شاه بود و قرار بود به مناسبت سالروز کودتای امریکایی ۲۸ مرداد تظاهرات پر دامنه ای صورت گیرد. اما در روز ۲۸ مرداد شهر به اشغال نیروهای پلیس و گارد شهربانی در آمد به طوری که با حکومت نظامی بر شهر سنگینی می کرد و اجازه هیچ حرکتی نمی داد. در چنین فضای پر تشنجی بود که از روز ۲۷ مرداد فیلم مترقی "گوزن ها" در سینما رکس آبادان به روی پرده آمد و از آنجا که نمایش چنین فیلمی طی ماه های اخیر بی سابقه بود، با استقبال گرم مردم بویژه جوانان روبرو گردید. همه چیز حاکی از آن است که نمایش فیلم گوزن ها، آن هم در سینما رکس آبادان که نزد یک شهربانی قرار دارد، براساس توطئه ای از قبل طراحی شده بوده است.

۲- در ساعت ۹ شب، مردم هنگام ورود به سالن سینما مطبوعه رژیم شعاری در داد نه هنگام تماشای فیلم نیز شعارهای داد شد. در ساعت ۹/۲۵ دقیقه پلیس که سینما را در محاصره داشت دو نفر از ورودی سینما واقع در خیابان زند را قفل و زنجیر می بندد تا از خروج مردم جلوگیری کند.

۳- به روی که همسر وفرزند انقلابی را در جریان آتش سوزی از دست داده، به شهرنگار ما گفته است که در ساعت ۹/۴۰ دقیقه برادر خود ساندویچ از بوفه سینما از سالن فیلم خارج شده، اما پنج دقیقه بعد متوجه آتش سوزی در سالن نمایش گردیده و خواسته برای نجات فرزندان خود به داخل سالن برود که دیده همان دری راکه او از آن خارج شده بسته اند و سینما به محاصره ماموران شهربانی در آمده و از ورود مردم برای نجات آتش زدگان جلوگیری می کنند. شاهد ان عینی گفته اند که یک افسر مزدور شهربانی در سینما را می بندد و در برابر اعتراض شدید مردم، می گوید: "یک جرثقیل سینما را آتش زده، اگر در را باز کنیم همراه مردم را فرار خواهد کرد."

در نخستین لحظات شعله ور شدن آتش از مردم جوش می شود از در شماره ۱ سالن خارج شد" چاهکشن در خروج اضطراری که در پشت سینما قرار دارد، خود را نجات دهند اما ماموران شهربانی فوراً در سالن را بسته و در اضطراری را نیز مسدود می کند.

۴- در حالی که صدای فریاد و ناله از داخل سینما به گوش می رسید و آتش قربانیان خود را بیرحمانه می گرفت، ماموران شهربانی که سینما را در محاصره داشتند از ورود یک تن مردی که با بی تابی می خواستند به کمک محاصره شدگان در آتش بشتابند جلوگیری می کردند. در این میان یکی از مردم تصمیم می گیرد با ماشین پلیس و خود به وسیله سیم بکسل در اضطراری را بازکند اما در خیابان او را دستگیر می کنند و تا چند متر روی ماشین پلیس را بطوری شهربانی بوده است. در این هنگام یک بولدوزر متعلق به شهرداری در حوالی سینما در کنار خیابان پارک شده بود، مردم به سوی آن هجوم بردند تا سیم کش آن راه نجاتی باز کنند اما گزارشهای مسلح شهربانی تهدید کردند که اگر کسی به بولدوزر نزدیک شود، خواهند کرد.

۵- همه چیز از توطئه ای جنایتکارانه حکایت داشت. در حالی که آتش سوزی از ساعت ۹ و ۵ دقیقه شروع شده بود، تنها در ساعت ۱۱ بود که ماشین های آتش نشانی به محل رسیدند و تازه در آن موقع هم شیر یکی از لوله ها شکسته بود و دیگری به علت این که خوب پیچ نشده بود، قابل استفاده نبود.

آتش نشانی شرکت نفت آبادان به حدی ترین وسایل اطفای حریق مجهز است چنانچه گفته یکی از آتش نشان ها حتی قادر است دیوار های قطور بتونی را فرو بریزد و راه بازکند. اما ماموران شهربانی که سینما را در محاصره داشتند از فعالیت موثر آن ها جلوگیری کردند. آن ها دستور داشتند تا هنگامی که مطمئن نشده اند که تمام قربانیان گوره آدم سوزی رژیم خاکستر شده اند از هرگونه اقدام برای راه باز کردن به سالن سینما جلوگیری کنند. یکی از ماموران آتش نشانی به خبرنگار ما گفت:

- "حریق زیاد نبود و ما می توانستیم آن را به سرعت کنترل و خاموش کنیم ولی با مخالفت شدید افسران و ماموران شهربانی روبرو شدیم."

چه اسفرتیب رژیم خون آشام نمایش جنایت بار خود را تا به آخر ادامه داد.

۶- کلیه شواهد و مدارک به دست آمده نشان می دهد که قبل از آتش سوزی، دود زهرآگین گاز مسموم کننده ای از طریق کانال های کولر که در دو طرف پرده سینما قرار داشت به داخل سالن وارد کرده بودند.

یکی از نجات یافتگان گوره آدم سوزی شاه به خبرنگار ما در این مورد چنین توضیح داد:

- "مشغول تماشای فیلم بودیم که ناگهان دیدم پرده بوی چکم از روی صندلی به زمین افتاد. حالت خفگی به او دست داده بود. خود نیز چنین احساسی پیدا کرده بودم. وقتی به فضای سالن نگاه کردم دیدم از کانال های کولر دود غلیظ کننده زیادی وارد سالن می شود. به طرف در هجوم مردم آماده رها بسته بود. در این موقع بوی سالن هم قطع شد. در تاریکی به طرف پنجره ای که در ارتفاع دو متری قرار داشت رفتم، چوبی آن را پاره کرده پنجره را بازکردم و سرم را بیرون بردم تا نفسی تازه کنم. نمیتوانم به کلک ۷ برادرو خواهرم که های خاله ام بودم، اما به محض این که سرم را از پنجره بیرون بردم، ماموران شهربانی مرا از پنجره بیرون کشیدند و وقتی فریاد زدم که می خواهم بروگردم و برادران و خواهرانم را نجات دهم مرا به شدت کتک زدند و خواستند پنجره را مسدود نمودند و امکان هرگونه نجات را از بین بردند."

یکی از ماموران آتش نشانی که پس از خاتمه حریق وارد سالن شده بود مشاهدات خود را به گزارشگر ما چنین شرح داد:

- "بیشتر مردم سوخته شده در پشت دیوار سینما که یک تخته نازک است و سینما را از خیابان امیری جدا می کند، جمع شده بودند و به طبقه خفگی از گاز مسموم کننده ای که در داخل سالن پخش شده بود نتوانسته بودند از این دیوار راه فرار کنند. بقیه مردم به همان حالت نشسته روی صندلی ها سوخته بودند و از آنها جز اسکلتشان چیزی باقی نمانده بود. حتما قبل از این که بتوانند حرکتی بکنند در اثر گاز مسمومیت از هوش رفته بودند."

۷- براساس گزارش های نگارنده و دیگری که از کورهٔ آدم سوزی رژیم در آبادان در ربایت داشته ایم و یک اطلاعیه دستنویس آبادان آن را تائید می کند، آتش سوزی به وسیله ماده آتش زای انجام گرفته که تنها در اختیار ارتش است و گویا از اسرائیل دریافت شده است. این ماده آتش زا تنها گوشت و پوست را می سوزاند و اشیائی که دارای کوبن هستند، مثل استخوان، دو پنجره و صندلی چوبی و غیره کاربرد نیست.

در طول بیش از چهار ساعت آتش سوزی در درون سینما، آتش به بیرون سرایت نکرده است. خبرنگاران ما گزارش می دهند که تمامی خارجی سینما، دیوارها و حتی سردر سینما کاملا سالم است و گویی اصلا در اینجا هیچ حادثه ای روی نداده. کسانی که داخل سالن سینما را پس از آتش سوزی دیده اند می گویند دیوارها سالم است. سقف سینما که معمولا در چنین آتش سوزی های طولانی فرو می ریزد هیچ صدمه ای ندیده است. بسیاری از صندلی ها نیز سالم مانده اند.

شاهدان عینی می گویند تماشاگران ردیف های جلو بیشتر صورت که روی صندلی ها نشسته بودند سخت سوخته شده و پس از سوختن به اسکلت تبدیل شده اند. استخوانهایشان سالم است. کفش ها و کمربندها و پلاکهای چرمی شان سالم است (که معمولا در چنین حریقی باید ذوب شود) و اغلب مردم اجساد مزبور پاهایشان را از روی همین اشیاء شناسایی کرده اند. گزارش های دیگر نشان می دهد که اجساد بیشتر قربانیان از ناحیه پالاته (سروشکم) به کل از بین رفته است ولی اغلب پاهایشان سالم باقی مانده است.

همه گزارش های رسیده نشان می دهد که آتش سوزی نخست از فضای سینما آغاز شده است. حریق نیز نه به وسیله ماموران بلکه به طور تمام شدن گاز قابل اشتعالی که از کانالهای کولر وارد سالن کرده بودند به پایان یافته است.

نتیجه تحقیقات نشان می دهد که از آنجا که دیوارهای سالن سینما بسیار نازک بوده (وحتی قسمتی از آن از چوب بوده) ودر در صورت یک حریق معمولی نمی توانسته اند آنها را خراب کرده و خارج شوند ونیز از آنجا که در یک حریق معمولی در رهاوند دیوارهای چهبی زودتر از همه می سوزند و راه برای فرار باز می شود، برای موفقیت این توطئه جنایتکارانه، طراحان رژیم لازم دیده اند که با فرستادن گاز خفه کننده نخست قربانیان را مسموم ساخته و از هرگونه تلاش و حرکت برای نجات جلوگیری کنند و سپس با ماده آتش زای که تنها گوشت را می سوزاند و خاکستر می کند قربانیان خود را نابود سازند به طوری که دود و بوی آتش بسوزاند و راه گریزی پیدا نشود.

۸- تعداد قربانیان این توطئه ضد بشری را برخلاف ادعای رژیم حدود ۳۷۷ نفر، بیش از ۵۰۰ نفر تخمین می زنند. سالن سینما ۸۰۰ صندلی داشت. اما بلیط فروش سینما نزد مردم اعتراف کرده که برای ساعت ۹ بعد از ظهر ۸۱۰ بلیط فروخته است (البته مردم ۹ و ۱۶ نفر را در آورده بودند که نخست تعداد بلیط های فروخته شده را ۶۸ و بعد که ابعاد فاجعه بیشتر مشخص شد ۴۱۰ عدد عنوان کرد). به این ترتیب با توجه به این که صندلی های سینما فاقد شماره بوده و حتی که از ساعتی قبل در سینما بودند نمی توانند بدون دوباره فیلم از سالن خارج نشده بودند و برای کودکان نیز بلیط خریده نشده بود و حدود ۵ از مشتاقان فیلم را سربازان تشکیل می دادند، حداقل ۹۰۰ نفر در سینما بوده اند که اگر ده نجات یافتگان را از آن کم کنیم حداقل ۸۵۰ نفر در گوره آدم سوزی رژیم به خاکستر تبدیل شده اند.

گزارشگران ما می نویسند حضور در حدود ۹۰۰ تن از مردم زحمتکش آبادان در سالن سینما (که بیشتر آنها را جوانان مخالف رژیم تشکیل می دادند که برای عاملان فیلمی مترقی آمده بودند که خود حدث در است بر حکومت رژیم جنایت پیشه شاه، بی تردید این جنایت مهیبی را، حداقل مهم سیاسی آن، از سوی مزدوران تیه کار شهربانی آبادان و در رأس آن ها سرتیپ رزمی در زحمتکش بسته طراحی کرده اند که پس از کشتار مردم تم با ارتش درجه برای ادامه تیه کاری های خود به دستور شاه به آبادان آمده بود در راه کرد.

۹- آتش سوزی در سالن سینما ساعت ۶ بعد از نیمه شب ادامه یافت و خشگی که مزدوران شهربانی طلبش شده بودند گاز مشتعل شده و نمایش جنون آمیز آنها به پایان رسیده است، در سرهای سالن را باز کردند و بی آن که به مردم خشمگین که در پشت صف محاصره کنندگان شهربانی شاهد سوختن عزیزان و همشهریان خود بودند، اجازه ورود به سینما و کمک به هنند، احساس تنگ و نضال شده و قربانیان را بیرون کشیدند و درون کامیون های ارتشی انباشتند و صدتایی به گورستان بردند. به کلک بولدوزها گودالهای جسته کردند تا همه اجساد را یک جا به زیر خاک کنند. می بینند اشتباه این عمل جنایتکارانه این بزرگی را خواهند پوشاند. اما مردم خشمگین که دیگر بیش از این تاب تحمل ندارند به قبرستان هجوم بردند تا مزدوران به زد وخورد پرداختند و آن ها را از گورستان بیرون راندند تا خود نعش عزیزان خویش را شناسایی کنند و به خاک بسپارند. مزدوران که تنها اسکلتهای نیم سوخته از آنها باقی مانده بود، جسدها نضال شده، دست ها، پاهای جدا شده، ۱۵۰ دست و پا.

دفن اجساد روز به طول انجامید. جسدهای تکه پاره و تکه های نضال شده تن آدمی، دست ها، پاهای جدا شده در گوری جمعی به خاک سپردند. هنگام دفن اجساد، مردم دانستند به آرام نبودند، اما در چشمان اکثر آنها اشکی دیده نمی شد. خشم و نفرتی را که در وجودشان موج می زد همراه با شعارهای آتشین علیه رژیم جلادان و آدمکشان شاه - ساواک بیرون می ریختند و سوگند می خوردند که انتقام خود را از شاه و مزدوران نظیر عباس رزمی، عامل معظم این جنایت کاری فجیع بگیرند. مردم بگفته ایرانیان می زدند: "شاه باید بسوزد"، "رزمی باید بسوزد".

- از آن پس شهر در اندوه و خشم فرو رفته است. هیروز از بام تا شام تظاهرات گسترده ای با شرکت ده ها هزار نفر از مردم با شعارهای آتشین علیه رژیم ضد خلقی شاه برپا می شود. مردم برای قیام و درهم شکستن کاخ های ظلم و ستم آماده شده اند. گزارشهای عین آشام و جانی به مردم دلاور و دلیر ارجاع می کنند و به سوی آن ها آتش می گشایند. در زحمتان مدام قربانی می گیرند. مردم چند بار کوشیده اند شهربانی آبادان را به آتش بکشند که با تهاجم خونین مزدوران رژیم روبرو شده اند. در جریان تظاهرات دیروز تعداد زیادی از مردم توسط ماموران شهربانی به شهادت رسیده اند. در جریان یکی از این تظاهرات دیروز جمعه ۳ شهریور، پلیس برای مقابله با تظاهرکنندگان آن شهر گاز اشک آور بر شهر ریخت که حتی مردم درخانه های خود از ناحیه چشم بینی، گلو و پوست بدن دچار ناراحتی های شدید شدند. شاهدان عینی می گویند، این گاز اشک آور نبود زیرا اولا برخلاف گاز اشک آور که سفید است سیاه رنگ بود و ثانیا در پوست هم سوزش و ناراحتی تولید می کرد. در همین روز در جریان تظاهرات در جلوی شهربانی مزدوران مردم را گلوله بستند. جسد ۸ تظاهرکننده تا ساعت هایی از آن بر آسفالت خیابان ها افتاده بود. براساس گزارشهای رسیده، ساواک به بیمارستان شرکت نفت دستور داد از ورود او جراحی مجروحان که بیش از ۴۰ تن بودند خودداری کند. با این حال پزشکان به وظیفه وجدانی خود عمل کردند. اما در زحمتان ساواک به دو تن از بیماران در حالی که پس از عمل جراحی سرم به دستشان وصل بود حمله بردند و سرم را جدا کرده، آن ها را به شکنجه گاه منتقل کردند.

۱۱- تا چند من روز پس از فاجعه دردناک آتش سوزی، مزدوران شهربانی، هنوز قصد ادای احساسات سوخته را به نام احساسات کشف شده در سینما به گورستان می آوردند. مردم خشمگین که متوجه توطئه رژیم شده بودند خود را به سینما که هنوز در محاصره پلیس بود رساندند و صف محاصره کنندگان را درهم شکستند و وارد سالن سینما شدند و هر چه گشتند، جسدی پیدا نکردند. اما وسیله دیگر گاز کشف که مارک ارتشی داشت، مردم به عنوان اعتراض به این توطئه کثیف تظاهرات گسترده ای در شهر برپا کردند. اما صبر روز جمعه ۳ شهریور، مزدوران ۵ جسد سوخته شده دیگر را به گورستان آوردند و گفتند که این ها باقی مانده اجساد داخل سینما است. همه شواهد حاکی از آنست که مزدوران اجساد کشته شدگان در تظاهرات را در زیر شکنجه در زحمتان و آتش زده به عنوان بقیه اجساد سوخته کشف شده در سینما برای دفن به گورستان می آوردند.

یکی از خبرنگاران ما گزارش می دهد که جوانی به نام محمد بگاه ساکن لین ۷ اصلی و ۸ فرعی شب فاجعه هنگامی که مزدوران شهربانی در اطراف سینما راه می بستند به زیر دست پلیس زده و ضربه با قنداق به زیر چشمش می خورد ولی موفق به فرار می شود. نامبرده آن شب را در خانه خود به سر برده و فردای آن روز توسط پلیس دستگیر می شود و یک روز بعد جسد سوخته اش را به خانواده اش تحویل می دهند و می گویند در آتش سوزی سینما کشته شده است.

چنین است ابعاد فاجعهٔ هولناک و تبه کارانه ای که مردم ایران و جهان را تکان داده و در خشم و اندوه فرو برد و چنین است اوج بیمهابت و زخم عفنی رژیمی که برای بقای خود ناخواسته تمام مردم یک کشور را قربانی می کند.

اکنون که مردم ایران در سراسر کشور رخوتزدایی قیام نهایی علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک وضد خلقی شاه آماده می کنند، باید اگاهی جانبازی، بیگانگی، آگاهی و شیوه های ابتکاری خود مبارزه گسترده ای را که در سراسر تاریخ ایران بی سابقه است، بیش می برند. می توان با خوش بینی بسیار امید داشت که به زودی امواج انقلابی جنبش خلق حکومت قارتکران و وطن فروشان و زحمتان را درهم خواهد شکست و حکومتی طرد و دموکراتیک را که با نیرو متشکل کننده خواستهای مردم باشد برسر کار خواهد آورد.

حماسهٔ اندوه و رزم خلق

گفتند و نوشتند و فریاد زدند : ۲۷۲ نفر در آتش سوختند .

این هرچند جنایت بزرگی بود ، این هرچند رقتی بار نگرفتنی بود ، این هرچند روی هیتلر و مسولینی را سفید می کرد ، اما در روح و روی بزرگ به گشادی دهان باره پاتان شاه چلا د .

و حقیقت ، اما از زیر خاکستر گرد ه آدم سوزی شاه ، برخاست و سراسر ایران گل داد . آخرین خبر این است :

- ۵۰۰ نفر در سینمارکی آبادان سوخته اند .

در نگاه اول باورنکرد نی است . اما هیچ جنایتی برای صاحب تاج و تخت خونین ایران غیر ممکن نیست . دریای خونی که تخت او بر آن شناور است ، هرآن وسیع تر می شود . رودهای خون به دریای جنایات شاه می ریزد و از این خون های شریف ، درخت استبداد و بیگانگی گل می دهد . شکفتن این گل پس نزدیک است . نزد بگریاد .

گزارش های رسیده از آبادان ، از سویی پرده از این جنایت فجیع و غیرانسانی برمی دارد و از طرفی ، خشم و خروش پرشکوه خلق را فریاد می زند .

آنچه می خوانید گزارش یکی از غیرنگاران نیست . از یک خشم و خروش وطن در آبادان از دفتر یاد است :

" در گورستان هستم . شلوغ است . اینجا زنی برگریه می گرید ، آنجا مردی ضجه می زند . این یکی پسر جوانش نقال شده ، آن یکی نوزیوش مرده . صدای ضجه می آید . صدای زاری . بعضی جوانان سنجه فریاد می کند مسویه قبر می کوبد :

- بمیرم بمیرم . . . بمیرم . . . می خواستی بری محصلیمیرم . . .

خواهری روی قبر برادرش افتاده است . صورتش را با ناخن می کند گریه چنان بی اثر است که دو مردهم نمی توانند نگاهش دارند . هق هق می کند مزار می زند به خود فحش می زند . صدایش بلند است صدایش زخمی است ، خونین است :

- برادرم ، برا دروم . . . چرا تو رو گشتن ؟ چرا گشتن ؟ برای چی زنده باشم . . . ؟

در جوار می آید ، شانه زن را می گیرند ، بلند می کنند . مثل این که به او جواب می دهند . می گویند :

- خواهرگریه رو بس کن موقع انتقام است .

خلق برای گرفتن انتقام آماده می شود . روزهای اول خردم سر گشته و مبهوت شده اند . فاجعه را باور نمی کنند . همه در اندوه مشترکشان یکی شده اند . چه به هم خوش خورده اند . اگر کسی در گورستان بیاشد ، ده ها دست بلند می کنند ، اگر کسی گریه کند ، هزاران نفر اشک هایشان را می زنند ، اگر کسی در خیابان نگریزد ده ها در به روی باز می شود . بخش خلق شکسته می شود . روزهای اولی کسی نمی خورد حرف زد . آخر این ها سوخته عزیزانشان را جمع کرده اند . تشنان بوی سوخته برادرشان ، خواهرشان ، شوهرشان و بچه شان را می دهد . نه غذا می خورند ، نه می خوابند . همه جا تعطیل است . مردم واقعیت را کشف می کنند . بیش رویشان چیزی غیر از واقعیت نیست . من گوش می کنم ، آن ها حرف می زنند :

- عجیب است ساختمان سینما رکس سالم مانده . دیوارهای آن نازکی خراب نشده .

اینزنی است که حرف می زند . مردی دنبال حرفش را می گیرد .

- عجیب تر از آن ، گفتند هاو گلش ها نسوخته . آتش فقط گوشت بدن آدم ها را سوزانده .

در روز اول مردم عرب مرتب مرتب مقابل شهربانی می نشستند . اولین شعار ها اینست :

- رزمی باید بسوزد .

بعد رزمی رئیس شهربانی آبادان را به تهران احضار می کنند . در رژیم را از خشم خلق فراری می دهند . روزنامه های سازمانی رد و جسته و گریخته از ماجرا می نویسند . نشریات مخفی هم می آیند . تو یک هم هست . اما هیچ کدام همه واقعیت را ننوشته اند . هنوز هیچ کس متوجهٔ عمق ماجرا نیست .

روز سوم ، سیل جمعیت در گورستان است . امروز کارگرها نیستند دور و بر پیش بودند و خیلی از کارهارار و براه می گردند . امروز دفاتر سرکار ، جمعیت تصمیم می گیرد تا شهربیاده روی کند . فقط می زنند به بالا بشگاه تا کارگران هم بیایند . هرچه انتظار می کشد بی فایده است . کارگران نمی آیند . بعد معلوم می شود پلیس در کارخانه را بلافاصله بسته و به هیچ کس اجازه خروج نداده است . نگذاشته اند کارگران به سوگ هموطنانشان بیایند . اغلب آنها که کشته شده اند از سلاح کارگری و حرب نشین هستند . از محله های احمد آباد ، شاه آباد ، سده و بهمنشیر . آخر محله های آبادان کاملا از هم جدا است . محله های شرکتی که متعلق به کارمندان عالیرتبه شرکت نفت ، خارجی ها و متازین است ، از همه امکانات برخوردارند و در حوض محله های مردمی هیچ چیز ندارد . مهمترین تفریح مردم سینما رفتن است . روز ۲۸ مرداد بعد از دست حمایه فیلم خوب آورده اند : گوزن ها . جوان ها از محله های کارگرنشین آمده اند فیلم ببینند . شاه میان آنها را گلوله می کند . خیلی را حسابی آتش شان می زند . آخر او به تاجدار ارطه است ! اسامی و عکس کشته شدگان را به یاد بیاورید . تقریبا همه آنها بچه و جوان بودند .

اعلامیه کم است

مردم هر روز به گورستان می آیند . جمع می شوند . اشک میریزند و نشان گل خشم می دهند . برمی خیزند . شعارهایی می کنند و شعار می دهند . مردم درجست وجوی حقیقت هستند . اینجاست که خلق به افشاگری ، این ترنده ترین سلاح سیاسی خود نیاز دارد . اسا روشنفکران نیستند . راستی کجاهستند ؟ یا فرسنگ ها از جنبش هنوز به خودی خلق دور افتاده اند ، یا در تب چربکی خود ، در رویای به طغیان در آوردن خلق ، در خون طپیده اند و خلقی که از سرشوق شعرش می کردند ، اکنون به یاد است .

چند گروه اعلامیه پخش می کنند . تودهٔ هست ، اعلامیه حسینی هست اعلامیه سازمان جوانان آبادان که توده ای هستند و گروه یاران صمد اولی که طرفدار از جمهوری توده ای اند . یک اعلامیه دست نویس که امضاء ندارد . وقتی اعلامیه ها پخش می شود حتی یکی از آن ها به زمین نمی رسد . با این که اعلامیه های زیادی پخش می شود بیش وسعت مردم هیچ است . مردم مشتاقند . در بدر دنبال اعلامیه می گردند . چند نفر اعلامیه ای را پاره می کنند . داد می زنند :

- دروغ ، همه دروغ ، پاره کردن اعلامیه ، دروغ است .

مردم و تو کشید ! ملت خراسی و سیاه هست . میشه جای کارگری اعلامیه بخش بشه هست .

مردم می گیرند .

- دروغ ، شرایط که این طور به اعلامیه نیاز داریم ، چرا اعلامیه این طور گم است ؟

از روز اول ، حکومت نظامی کاملا برقرار است . تانک ها میچه بر تن ها ، جیپ ها پرچمهای قرمز و آبی در دست ، در شهر تو در تو می چرخند . از زمین شیرونه و تی شده ها ، سیاه ها برای مراقبت ، برای حفظ امنیت ، برای جلوگیری از شورش ، برای سرکوب خلق ، باشد ایستاده اند . در تو چه در تو می رود ، بجز بچه ها کارگر و بی ایستاده است . از آن طرف اسلحه کار بلند می شود . بچه بچه ها و خیزند .

- سیوش . . .

پسر ها دیگر نمی ترسند . اسیر شلیک می کند . پسرک می افتد خیزند روی خاک می افتد . خونابه و باروت . مسیر مسیحی خیزند .

- در خیزند .

- سوگ برخاک . . .

- در خیزند و می روند . سرجیاد خبر بسرگرد ، وان دو با محله . تان تاره در دست دارند . کلیه ای از جای شلیک می خیزند بر خاک می افتد . شعر می باید به جای ، سند سرکارا تحمیل بکنند . مردم در سند حقیقی شوند . کسی با حقیقی سند و از حقیقی سند در می چسبد .

- این طرف شهید شد .

مردی می میرند . خلاء در سند را دو میزند و زاوزاری می کند . او خون پس است . مردم ترس می کند . خلاء سند میرند ، خواهر سند بچه پسرک شده اند . گزارها حله می کند . ما باتم مرد و انتظر می کند . حیف پسرک را با شرمندگی می کند . بچه خوش شانه می میزند . می خواهند ساعیه را پنهان کند .

درسی که خلق می دهد

دانشجو بان که در جلو ، شعار بان خلق نشان می دهند که بعضی از آن ها چقر از مردم دور و ور . چقر در گرد در می دهند شان مسلح . ازمان اول دیوان شاهی پیر به جنبی در می گیرد . خلق در گرد خشم در و روی می گیرد و آن خاندام دیوانی که در تسلیح دارد .

اولین ماجرا در گورستان به وجود می آید . ده ها بچه در صبح ده ها . یکی از دانشجو بان بچه بلند گو میبرد و خبرها و حماسه اعلام می کند . صبح صحنه اول تمام شده و ده هزار شاهد می کند مردم آن شاهد می کند . آنجای خواهد گرد کند . می خواهد بیاموزد . سخنران می گوید . مردم تسلیم به بلند و آرامی می کند . شعار ده ها بچه بلند اعلام را بخواهم ! صحبت بلند بچه میرسد . سخنران می خواند . یک ها است خاصیت به گلوله است . مردم در قبر میرسد . خاصی ناشیده را نمیدانیم ، یکی شعر سنگینه این خلق اسلحه می آورد که یکی باید خواهد مردم و در کجا به سمتی باید گفت .

ماجرا در بعد بیرون بچه هنگام خروج از یکی از مساجد بچه ها گوشی شعار میدهند :

- مرگ بر خمینی .

- مرگ بر خمینی .

بچه ها دیگر طی می شود . یکی دیگر شعار می دهد :

- مرگ بر پلید بیشتر .

بچه ها باید بسوزد .

- مرگ بر پلید بیشتر .

- شاه باید بسوزد .

بچه ها باید بسوزد .

- شاه باید بسوزد .

- بچه ها حال حاضر سلطنت بیشتر .

- استقلال ، آزادی ، حکومت بچه ها . . .

- خمینی بیا خبر مردم را گفته شد .

در زمان راه شعاری شنیده می شود :

- رهنگان به آبجه شاه شما خلاء است !

مرد و جواب می دهند :

- شاه باید ، تا شاه باید .

شعارها به سرعت عوض می شود :

- مرد و بچه شاه ایران خلاء است .

صف مردمان خلق با گوهای بلند به صبح مسیحی های خلق و آزادی می پیوند . حقیقتا گوزه گرده است . نه نمیرود بگرده ام ، مرد و ام می زنند .

- مرگ بر پلید بیشتر .

در هرگام شعارهاو ، خشم خلق راهرا می کند .

- آبادان گفت حسین زنده باد . مرگ بر این شاه منم بیشتر

مرغ های مردم ، ماهان ان مگس بیشتر ، آتاج گرد است .

- خلق به حس آبرو مطلقه بیشتر .

طرف های آب پس مرد و مشت به دست می شود . خیلی ها مرگ خود می بینند . اول کاره منی ایاد مراجعت بود . هرکس مرعا و می چقد که مشکل . هرها که مرد و حسه می شود باهم می شناسند از جمله ذوق باشمرا و می آمدند . خلق به پاره شعار و حسه و حرکت می کند . مردم وقتی به محلی می رسند که شاه های چهرهپران شده در آنجا قرار دارد مرغ می رسند مسلح شود . هرکی کشته چو می برد دارد . خلقی داد شعر حله جواهند کرد . مردم اند گزارهای شاه مرا بیش تکار مسلسل آمده و ده ده مرد آن دو شاه . تانک ها و اسلحه های که شاه خلق . پایول باب مردم آن سرباز ها ایران مرده است . آبادان استقاده اند . صدا از مرده بهرای سرباز تانک به یک چیز مسلح می شود . وقتی دو به ایش شاه های غیر می رسند سنا آنجا سنگرش شدند چون می شود . سپاه ها ها ، حله شدند مسلسل ها بیان را به جوی مردم شاه گوشه اند .

صحبت باکیان و بکند ، مرغ می زند .

- سپاه برادر باست .

- سپاه برادر باست .

- برادر مگه ما . امیر دست شاهی .

- سپاه ان به خاطر شود .

سپاه ان ما خود شود .

سپاه ان ما خود شود . مردم شاه خلیه می رسند . آنها سپاه ان ، چگونه می توانند به بچه ها بیاورند . سپاه آنجا گند ؟ مگر می شود آنها در جلو خاطر می شد ، مردم می گویند :

- مرگ بر این شاه ، مرگ بر این شاه .

- خون ان ، ایم حد بگرا ، تک ها می کنیم . آتش می خواهیم دشمن را هم سوزانیم .

وقتی موج عام می شود صحبت رد می کند صبح کی به دو کوچه در می رسیدن خلق می شود .

ساعت ۹ و ۱۰ صبح است . باز گورستان به طرف سه راه امام می در آنجا با گزارهای شاه مرگی در پیش آید . سپاه ان وگارد بچه ها جنگ های ز . ن . ز . ز . ز . سند های چند هر قطع می شود . ۲۰ هر ، زخمی شده اند . در سند ان گوی سازه و جوان سند حیوان و زندگی افتاد . کیک سند ان ، انقلابی گوزه است .

- زن ، ز . ز . ز .

هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۳، ۴ شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۷

«فوق العاده»

حماسهٔ اتحاد و قیام خلق

تظاهرات خیره کننده چند میلیون نفری مردم ایران علیه رژیم استبدادی و ضد خلقی شاه، حادثهٔ عظیمی است که پایان یک دوره برگشت ناپذیر را در تاریخ معاصر میهن ما اعلام می کند. این حادثه که شهرها را به آتشفشانی پر موج و تلاطم انسانی مبدل ساخت، سرچشمهٔ پدیده ای از شدت های گرد کرده بدل گردید به روشنی نشان داد که موازنه نیروها در جامعهٔ ایران به شدت به هم خورده و شیوه های حکومتی، نظام سیاسی و اقتصادی حاکم، دیگر بر خود با واقعیت ها و ضرورت ها، با توان واقعی و پوسیده از آب درآمده و لزوم تغییر و تحول بنیادی در همه سطوح و شئون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، مبرم ترین و تعطیل ناپذیرترین واقعیت روز است...

تاریخ معاصر ایران روز دوشنبه ۱۲ شهریور ماه را به عنوان روز حماسه خونین های قیام کنندهٔ ایران که با دستهای خالی بیست رژیم ضد ملی، ضد دموکراتیک وابسته به امپریالیسم جهاخوار را شکستند و این ضربه هزار چهره را در انظار جهانیان رسوا و عریان کردند، ثبت خواهد کرد. در این روز آنچه که در تکاپوی آرزو و سخن جست و جو می شد، موافقیت یافت و مردم در خشم و رنج و قیام خود یگانه شدند. همه قشرها و طبقات و گروه ها و سازمان های ضد سلطنت مطلقه، ضد رژیم اختناق و غارت و سرنیزه، صرف نظر از اختلافات عقیدتی و سلیقه ای، علی رغم جدایی های طبقاتی و فکری و سیاسی و مذهبی، به هم پیوستند و نیروی جاودانه و سیمگاه این پیوند خلقی را نمایش دادند.

تظاهرات و راه پیمایی عظیم روز ۱۲ شهریور با ویژگی های انقلابی و شور بخش خود، حاوی درسها و سرمشق های آموزنده و گرانبهایی است. پیشاپیش جنبه های مختلف و آموزنده این حادثه، این معنی برملا می شود که چه قدرت و حرکت عظیمی در پشت صدهای دیکتاتوری محبوس مانده است. قدرت و حرکتی که از جرأتورین ارتش ها کارساز تر است و اگر در مسیر مناسب خود افتد، هر صخره و کوهی را از پیش پا می دارد. در این نیرو و حرکت می توان عشق و جهش و آفرینندگی تازه ای را با اعتماد و ایمان به ارث دید...

و چه گویاتر تجربه شور انگیز ۱۲ شهریور ماه را بررسی کنیم!

۱- نظم بی نظیر تظاهرات مردم با همه دامنه های گسترده آن نشان داد که بلوغ سیاسی و فرهنگی خلق های ما در چه مرتبه تحسین انگیزی است. نشان داد که مردم در تظاهرات سیاسی و اعتراضی خود شیشه نمی شکنند، مسجد آتش نمی زنند، به کوچک ترین ورود بیگانه ساختمان ها هجوم نمی برند. بدرایی ماجراجویی ها و حادثه آفرینی ها رانه در مشعم و نیروی مردم بیگانه و دشمن ها و خرابکاری ها، عمال ساواک، جاسوسان و مزدوران رژیم باید جست و جو کرد. چرا که این گونه اقدامات تنها به دشمن خدمت می کند و به او امکان می دهد که چنین بر توان خلق را در انظار مردم جهان به نام گله وحشیه مرتکب خونین و ددمنشانهٔ آن را فراهم آورد.

۲- تظاهرات و راه پیمایی تاریخی مردم ایران در روز ۱۲ شهریور در اکثر شهرها نشان داد که این مردم نیستند که با ضد به خاک و خون کشیده شدن تظاهرات اعتراضی و اجتماعات مخالف رژیم می شوند. وقتی مردم خود نظم متینگ ها و پیشروی خویش را برعهده داشتند، هرجا که گزارش صلح رژیم و حالت وضع را گفتند، نماز یک بینی خون آمد، نه دست و سری شکست و نه سنگی برتاب شد و چوبی بالا رفت. مردم برای ابراز خواست های حقه و سیاسی خود زبان مناسب را می شناسند. اما به گرانی که نمی خواهند این صدای حقیقت و مردمی به گوش ما برسد، در طنین گلوله های خود، در هجوم تانک ها و نیروهای خود می گوشت این صدای برحق را خاموش و محو سازند.

۳- نمایش عظیم خلق های ایران نشان داد که رژیم شاه تا چه حد منزوی و بی پایگاه است. سال ها دروغ و باکاری و تبلیغات پیر سر و صدا، در طی یک نمایش ۱۶ ساعته طی شعله ضد این دعوی شاه که "تنها چند نفری هستند که به مخالفت برخاسته اند" به صورت بزرگترین کذبی سال و برابر انظار جهانیان ظاهر شد. جهانیان دانستند که بین شاه و مردم ما طی به طول ۲۵ میلیون فاصله است و آن کس که در سنگر شاه است به سوی خلق های ایران آتش می گشاید.

۴- تظاهرات میلیونی توده ها بیرون از درون، وجود این تاب پیر توانایی را به مثابه جزئی از بیکر خلق ثابت کرد. تظاهرکنندگان با شعارهای "برادر ارتشی، برادر برادر رنگی؟" و "برادران نظامی خود را در برابر یک سوال بزرگ قرار دادند و آن ها را به یک تجدید نظر، یک بررسی و تعمق دوباره دعوت کردند. وقتی ده ها هزار دهان "فریاد زد "ارتش تو مال مایی"... و هزاران دست، هزاران شاخه و حلقه گل را به سوی سربازان و به گردن آنان انداخت، چهره سربازان و بسیاری از افسران غریب فرق افتاد. مردم به روی نظامیان آغوش گشود و چنین فریاد زدند:

- سرباز تیر کاهی، اسیر دست شاهی.

- برادر ارتشی، برادر برادر رنگی؟

و برادران از تانک ها و آغوش مردم خود گریستند و آنها همدرد شدند. مردم افسران را بر سر دست بلند کردند. در آن گرمای سوزان تابستانی دست های خلق به آنها آب خنک و شربت دادند. لبخند های غرق در اشک مردم به صورت آنها باشیده شد و چند اهدای بخش کرده، فریاد زدند:

- لوله های تفنگ را به سوی دریا برگردانید. ما و شما همه خصوصی نداریم. دشمن مشترک ما و شما آنجاست...

خیابانها صحنهٔ ملاقات تازهٔ ارتش و خلق شد. دوستان و برادران دوباره یکدیگر را یافتند.

۵- خلق های ایران پس از سالهای نسبتاً بد به دوباره خود را یافتند و نیروی لایزال خویش را کشف کردند. آنها در اتحاد و همگانی خویش به معجزه ای دست یافتند که با تکیه بر آن شکستن دیوارهای قطور استبداد و غرور سلطنتی و واژگون کردن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه امری قطعی و بدیهی به نظر می آید.

و سرانجام مسیلی که در روز ضد خطر به جریان افتاد، نمی تواند امواج نیرومند تر و تری را در پشت خود نداشته باشد. این نخستین موج های توانا و سازنده انقلاب است که پی در پی خیزد...

برخی از خصوصیات جنبش انقلابی ایران

در حالی که رژیم با همه دادها و دادگاه های آزاد، بیرحمانه، گوش ها را کر کرده، میرغضب ها و مزدوران شاه با آتش و گلوله و سرنیزه مردم بی سلاح را در شهرها و روستاها قتل عام می کنند. تشدید رحمت های اخیر یورش سبعانه به علما، هراس و اختناق سالست آموزی که علیه استبداد ایران بپا داده و دردمان پیوند و طاهرا اختناق و فساد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، قیام کرده اند، ضد ماشیدن برجسته ای نهاده است. این خون های گرامی - این شکوه ها و شقایق های آزادی - آخرین امواج دریای خونی نیست که رژیم خود کامه و فرزانه شاه در ماههای اخیر شهرهای میهن ما خشد به طا را در آن غرق کرده بود. همان نسبت که جنبش انقلابی خلق های ایران طغیان و گسترش بیشتری می یابد، در زخم تاج ایرانی جنایات بزرگتر و ریختن خون های بیشتر که به عمال او بتواند تاج و تخت غرق در نکبت و تباهی ایرانیان را در دهد، ادراک می بندد. اولین موج های سهمگین انقلاب به تلاطم افتادهٔ انقلابی که در آن توده ها، مناسب ترین شیوه ها و تاکتیک های مبارزه را می یابند و به کاری گرند و طی رغم ضعف نسبی سازمان های سیاسی، با ابتکارات خلاقه، با دلاوری رعب انگیز و توشه گسترده از تجربیات مبارزاتی خلق های ایران در طول تاریخ پرنیج و پرچماعیر، اصلی ترین هدف ها و آماج ها را پی گیری تزلزل ناپذیری نشانه گرفته است. جنبشی چنین وسیع، توده ای و مبارزه جوی در پیگانگی طی خود صدای فعالی طبقات و اقشار ضد سلطنت مطلقه، دموکراتیک و ضد امپریالیستی را به طنین برخروشی در آورده است. در طول تاریخ چند صد ساله اخیر ایران همتا سابقه ندارد. این جنبش انقلابی که مصمم به واژگونی بنیادهای پوسیده سلطنت قرون وسطایی و طاهر ضد ملی و خفه کننده آمیز و ارتجاعی آنست، نه تنها در شهرهای بزرگ، نه تنها در شهرهای دورافتاده، بلکه به دهات و آبادی های دور دست نیز ریشه دار است. ویژگی این جنبش گسترده و انقلابی بهره گیری ماهرانهٔ آن از سنت های ملی و انقلابی و مذهبی و تکیه داشتن بر این ویژگی هاست. در هر ایالتی که به طلوع گون بوازار آن جلسه دیکتاتوری وحشیانه و لجام گسیخته و سرکوب کننده، سازمان ها و احزاب و ارگان های ملی و سیاسی نتوانستند مناسب با رشد جامعه و طبقات و نیروهای مترقی و ضرورت های سیاسی و اجتماعی توسعه یابند، جنبش خلقی ایران این خلاء و کمبود را با استفاده از امکانات خاص که مذهب و موسسات پیوسته به آن به طور طبیعی از آن برخوردار است، تا حدی جبران کرد. مذهب با سنن مقدس گرهمران آن را با اقشار وسیعی از مردم در رابطه قرار می دهد، با برخورداری از ترمیم عنصر که در موقعیت سانسور و اختناق نقش بارزتری کسب می کند، با داشتن مراکز تجمع و تبادل عقیده و نظر و تصمیم گیری، نظیر مسجد و غیره راهی را گشوده که در برخورد با روبه های معروف بیشتر و سرکوب پلیسی کارآمدی بسیار از خود نشان داد. این در وضعی بود که از یک سو اقشار وابسته به مذهب که حد تا خرده بورژوازی و اقشار متناسب بورژوازی بودند، دیر شد به ترین ضربات حکومت ضد ملی سرمایه داران کلان و زمین داران بزرگ (که در رهبر بورژوازی با امپریالیسم جهاخوار هستند) مواضع اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود را در معرض اضمحلال سریع می دیدند و در اعتبار نارضایی ها و تضادهای که با رژیم و شیوه های حکومتی آن داشتند، بمیدان مبارزهٔ مرگ و زندگی رانده میشدند و از سوی دیگر کارخانه ها و کارگاهها و مراکز کارگری که بیشترین نیرو های انقلاب و تحول را در خود نهفته اند، چون در دهای نظامی و سرمایه خانه مایه شدت کنترل می شدند، هر حرکت و عطا هر کارگری با گلوله در خون غرق می شد و صدها کارگاه و اتحاد به های کارگران و زحمتکشان یاد غالب مستقیم و بیان رشتن ساواک و پلیس از محتوی وظیفه اصلی خود دور افتاده بودند. مبارزه شدن توده های وسیع روستایی از دهات به شهرها و جای گرفتن بسیاری از این آوارگان روستا در کارخانه ها و کارگاه ها، خود به تشدید طبقه کارگر ایران را رقیق کرده بود. چرا که رانده شدگان زمین و روستا، مصلحت های دهقانی و محافظه کاری خرده بورژوازی را با خود به مراکز صنعتی و کارگاهی شهرها آورده بودند و زمان لازم بود تا این کارگران تازه، با تجربه مستقیم خود، در مناسبات استثمارگرانه کار و سرمایه، در زیر فشارها و تضادهای شدید اقتصادی و آگاه سیاسی به حقوق و آگاهی های طبقاتی خود واقف شوند و رسالت تاریخی و بینشتازی انقلابی خود را بر عهده بگیرند.

در این اوضاع و احوال، بخش مهمی از روشنفکران انقلابی به جای ایجاد رابطه با طبقهٔ صنعتی انقلابی کارگر، به جای این که در پیوند با صنفی و اقتصادی آنان به طور مستقیم و غیرمستقیم شرکت کنند و این مبارزات طبقاتی را به مبارزات سیاسی ارتقاء دهند، به جای این که تئوری و جهان بینی ملی و انقلابی طبقه کارگر را به میان این طبقه ببرند و رواج دهند و سرانجام به جای هرگونه کار تبلیغی و ترویجی که می بایست زمینه فعالیت سازمانهای آینده و میان کارگران، به ویژه کارگران متحرک ترین و پیشرفته ترین صنایع، می شد، به نبرد تن به تن با گلوله ها و داروغه های رژیم پرداختند و در ازای گرفتن جان تنی چند از این پست فطرت های بی ارزش، خون صدها تن از لبریزترین فداکارترین مبارزان انقلابی را به خاک ریختند و زندان ها و شکنجه گاه ها را با هزاران تن از آنان انباشتند.

این کمبودها، این ویژگی ها، این پراکندگی ها، خود به تحریک موجب ضعف سازمان های واقعاً انقلابی و از پد گاه دیگر تا حدی تحت تاثیر ضعف این سازمانها بود. در همه راهپرای ایجاد حصل و ضالیت خرده بورژوازی و اقشار وابسته به بورژوازی ملی، مبارزه کرد و به آنان امکان داد تا با استفاده از مقدورات طبیعی و امتیازات ویژهٔ خود، دیگر زحمتکشان و حتی قسمت های بزرگی از سایر طبقات کارگر را به دنبال خود بکشند و فضای اجتماعی را با آب و تاب خاص خود متشنج و در اشکال مختلف و زیر پوشش های گوناگون، سرما رکند.

جنبش انقلابی ایران با این خصوصیت گسترده شد، در رخن موج مبارزان خود راهها و روش های مختلف را تجربه کرد، شعارهای مناسب خود را یافت، ضعیف ترین حلقه های زنجیر حکومتی را نشانه گرفت، اصلی ترین وجه و ترین هدف های سیاسی را در برابر خود قرار داد و در محور آن پرداخته ترین فعالیتها و افشاگری ها را انجام داد. مرحله به مرحله بر نقاط ضعف خود به طور نسبی چیره گشت، جبهه روی ها، خرابکاری ها، ماجراجویی ها و حتی انحرافات گاه و بیگاه را که طبیعت جنبش های چنین گسترده و فاقد سازمان سیاسی سراسر گیر است، تا حدی دارد، این موفقیت ها هم دست خرابکار ساواک و عوامل گران رژیم را در خرابکاری ها و صدمه سازی هایی که به حساب جنبش انجام می دادند روز و تا حد زیادی خنثی نمود و هم توجه عناصر کم تجربه درون جنبش را که در توفان خشم و عصیان شتابزده خود به سوی این کجروی ها می گرایند، معطوف به اصلی ترین و مهم ترین هدف ها ساخت.

... و اینک مهمترین دست آورد جنبش بر دامنه انقلابی ایران در پدید و بستن مقابلی است که با طبقهٔ کارگر - این موتور نیرومند و متحرک همهٔ دگرگونی های اساسی و انقلابی - برقرار گردیده است. جنبش سراسری در دیوارهای دهات و دیگاهی خشن و خونریز رخنه می اندازد. هر روزنه ای که در این دیوار فطور وارد می شود، امکان ارزشمندی است که به همت کارگران در راه حصول به خواست های طبقاتی و سیاسی شان در می آید. در روی کارگران با پیوستن به جنبش، آن را صیقل تر و مهاجم تر می کنند، به آن استقرار می دهند و افق هایش را می گسترانند. در این رابطه فعال و دوجانبه، کارگران که در حال حاضر عمدتاً در موج های جنبش حل شده اند، به طور پراکنده و انفرادی خود را به خدمت آن گذارده اند، مجال مناسب تری می یابند تا به صورت طبقه ای مستقل، با خواست ها و آرمان های ویژه خود، متشکل شوند و در اطراف حزب سیاسی خود گرد آیند، به عنوان طبقهای متمایز و انقلابی در جنبش عمومی خلق فعالانه شرکت جویند و آن را به پیش ببرند. به نشان ازهم اکنون از مبارزه های پیاپی جنبش انقلابی ایران، صدای گام های موزون کارگران را می توان شنید، صدای که نشیر ادامه مبارزه تا به آخر و پافشاری به انقلاب قابل ویژه نهایی است.

آنهایی که در لباس مبارزه با رژیم به یاری او آمده اند

جنبش نیرومند خلق ،رژیم ضد ملی وضد خلقی شاه را به پاره‌ای عقب نشینی های محدود واداشته است وامکان احیاء وایجاد تشکل‌های ملی‌را برای بخش هایی از خرده بورژوازی واقشار مختلف بورژوازی تا حدودی فراهم آورده است. در چنین شرایطی عناصر وابسته به بورژوازی بزرگ لیبرال که در شرایط رشد وتعمیق بی وقفه جنبش عمومی مردم منافع خود را در خطر یافته با رژیم ضد خلقی وضد ملی شاه ازدر سازش در آمده اند ،وحشت زده از سرنوشت خویش می کوشند جنبش را ازحرکت بازدارند و خواست های آن را در محدوده خواست های خود که از چارچوب احیای قانون اساسی ورژیم مشروطه سلطنتی فراتر نمی‌رود ،محصور نمایند. عناصر وسیاستمداران کهنه کار وابسته به این بورژوازی که تا دیروز بر سرخوان یغما و غارتگری بی بند و بار رژیم ضد ملی نشسته بودند اکنون به شتاب وارد عرصه سیاسی می‌شوند و می کوشند با حزب سازی وجمعیت تراشی در فضای بازسیاسی ادعایی رژیم جایی برای خود دست وپا کنند وخود را در نقش رهبران ملی و مدافع آزادی وحقوق اساسی مردم نشان دهند.

آنهایی که در لباس مبارزه با رژیم به یاری او آمده اند ،با نطق های پرا و اعلامیه های پرطول و تفصیل در مدح آزادی و مذمت دیکتاتوری ،می خواهند دست آوردهای پر ارزش جنبش آزادیخواهانه و استقلال طلبانه مردم ایران را به حساب خود بگذارند ویا از آن به نفع خود سوء استفاده کنند. حالا که عمر رژیم شاه به سر آمده و مهرهٔ تابه زباله دان تاریخ سپرده شود ،این آقایان فاحشه های سیاسی که پاره ای از آنها همین تازگی حساب خود را از ارباب ورشکسته شده خود جدا کرده اند ،می خواهند با تکرار پرخی از کم عمق ترین شعارهای جنبش مردم ،در عرصه سیاسی جامعهٔ پس از سرنگونی رژیم نیز موقعیت خود را حفظ کنند وجای پای محکمی به دست آورند. اینها باید بدانند که مردم ایران بیش از آن آگاه و هوشیارند که لفاظی های توخالی وشعارهای نیم بند سیاسی آنها را مدح "آزادی" ،آنان را بفریبد.

سیاستمداران جاه طلب وفرصت جویی نظیر مظفر بقایی کرمانی که سوابقش در نهضت ملی ایران با خیانت ها واخلالگری ها وانشعابهای متعدد در حساس ترین لحظات جنبش ،برهیچ کس پوشیده نیست و همواره مبارزه با کمونیسم را در صدر برنامه های سیاسی خود داشته ودر جریان کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد با خیانت به جنبش ملی ،به همکاری علنی با کودتاگران پرداخت وحتی در دادگاه به آن اعتراف کرده و از آن پله خود استفاده نمود. اکنون نیز با اوج گیری جنبش بار دیگر وارد میدان شده و در رأس حزب ادعایی به اصطلاح "زحمتکشان" می خواهد خود را مدافع آزادی وحقوق اساسی مردم نشان دهد. این سلطنت طلب لیبرال در شرایطی که تمام مردم ایران یکصدا سرنگونی رژیم سلطنت مطلقهٔ شاه را می خواهند ،اعلام میدارد که گویا "هرگونه تغییر شکلی در نظام جامعه به صلاح مملکت نیست وکشور را در برابر خطر تجزیه قرار می دهد" (که به نظر می‌رسد این جمله را از شاه وام گرفته باشد) پیاسرافرازی اعلام می‌نماید که "یکی از کارهای عمده ما مبارزه با کمونیسم است" (که باز در این مورد هم با شاه همراه و هم رأی است)؛ و علی امینی، رجل سرشناس و مرد هزارچهره صحنه سیاست ،آس امپریالیسم برای لحظه های بحرانی ،مرد لحظه هایی که منافع بنیادی واساسی امپریالیسم آمریکا به خطر می‌افتد وبالاخره عامل وتدارک چی قرارداد اسارت بار امینی-پیتج ،یعنی همان قرارداد تحمیلی که پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد امتیاز نفت ایران را به کنسرسیوم غارتگر بین المللی نفت سپرد؛ و محمد درخشش، که با تکه استخوان پرپرکتی که امینی به صورت پست وزارت فرهنگ جلوی او انداخت ،به جنبش مردم ونهضت معلمان که در راه خواست های صنفی وسیاسی خود جانبازانه خون داده بود ،از پشت خنجر زد و عجبا که امروز نیز بازیه نمایندگی ادعایی همان معلمان وفرهنگیان وارد گود سیاست شده به این امید که شاید بازلقمه چرب تری نصیبش شود؛ ومحسن پزشکپور، نماینده مجلس شبه ساخته رستاخیزی ،و رهبر حزب فاشیستی پان ایرانیست که اعضایش را اوباشان وخداره بنمانی تشکیل می‌دادند که سالها در داخل وخارج کشور به عناصر وافراد وابسته به سازمان های انقلابی ودموکراتیک ،به ویژه حزب تودهٔ ایران ناجوانمردانه حمله می‌بردند و در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد نیز در این زمینه پیشقراول بودند وپس از آن نیز همواره در جهت تائید و ستایش رژیم منفور شاه "پیکار" می‌کرده اند؛ ونیز افراد شناخته شده ای نظیر سیف الدین نموی که روابط مشکوک اوباساواک به عنوان مشاور پزشکی ساواک برای همیاری ازمبارزانی که از دخمه ها و شکنجه گاه های شاه گذشته اند روشن است واکنون با ساختن "حزب لیبرال اسلامی" می‌خواهد در صف مبارزان ضد رژیم جایی برای خود دست وپا کند تا منافع آتی خود را تأمین نماید؛ و فضیل هایی مثل سپهر با حزب به اصطلاح "سوسیالیستی" آریایش ،که چون ماموت های ماقبل تاریخ دیرباز جان گرفته اند ،حزبی که اوباشان خداره بند ش در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد با چاقو وچماق به تظاهرات مردم به ویژه مبارزان توده ای حمله می‌بردند و در صفوف نهضت ملی به اخلالگری وخرابکاری می‌پرداختند به قول همین آقای سپهر در کودتای ارتجاعی ۲۸ مرداد نقش چاکران امپریالیسم را بازی کردند ،وهمچنین خودنماهایی نظیر دولو قاجار ،ناشر مجله مهوع و مکسی "این هفته" و قاجاقچی معروف مواد مخدر که افتضاح قاچاق هروئین او و دستگیریش در فرودگاه رم به عنوان هدست اشرف ،خواهر دوقلوی شاه ،مدتها نقل محافل جهان غرب بود وحالا حزب به اصطلاح "دموکراتیک" تشکیل داده است (عجب وقاحتی!)

چنین است فهرستی بسیار ناقص (به مصداق مشت نمونه خروار) از کهنه رندان عرصهٔ سیاست ایران که باسوابق بسیار درخشانشان!؟ اکنون در شرایط "فضای بازسیاسی" اعدایی ملوکانه!! که گروهک های حزب نمای سیاسی چون قارچ می‌رویند ،می‌کوشند برای خود محلی از اعراب بیابند و برای آینده خود سرمایه ای فراهم آورند.

اما جنبش گسترده انقلابی خلق با آگاهی وهوشیاری چنین خس و خاشاک های زهرآگینی را از پیش پای خود خواهد روبید واجازه نخواهد داد که دستاوردهایش بازیچه مشتی سیاست باز دغلکار و غارت پیشه و وابسته به امپریالیسم که به شایعه "گرگ در لباس میش" ،ضد دموکرات هایی با پیرایه دموکراسی هستند ،قرار گیرد.

با ما تماس بگیرید!

حزب توده ایران ازهمه هواداران حزب درایران دعوت می کند: بکوشید براساس رهنمود های سازمانی ،گروه انقلابی توده ای به وجود آورید یا مرکز حزب تماس بگیرید. مابایجاد وتحکیم رابطه مستقیم با مرکز حزب رابه همه هواداران حزب توصیه می کنیم وبه آن ها اطمینان میدهیم که حزب ما با تجدید نظر همه جانبه در شیوهٔ کارسازمانی خود وانطباق آن با شرایط اختناق ساواکی ،اهمیت چنین تماسی را ،تا آنجا که به مرکز حزب مربوط می‌شود ،تضمین می کند. برقراری چنین رابطه ای به تقویت حزب در خیابان سراسر کشور کمک می کند وامکان می‌دهد که درباره سیاست حزب مشورت وسیع تری به عمل آید ونظر همه گروه ها وسازمان های مبارز جدی به حساب آورده شود.

برای برقراری تماس مستقیم میباید یکی از روشهای صد در صد مورد اطمینان شما را برای از طریق یک تلفن عمومی بدون دادن نام و نشان خود به شماره های ۷۹۰۰۲۱۴ و ۷۹۳۳۴۹۹ تهران پس تلفن کند وآقای باسر Bayer را بخواهد. آن دوستان شماره تلفنی را که با آن می‌توانید با مرکز حزب تماس بگیرید به شما خواهند داد. نه در تلفن اول ونه در تلفن دوم نام واقعی ونشانی خود را نگوئید. خود را به نام مستعار معرفی کنید وبه راهنمایی هایی که به شما خواهند شد دقیقا توجه کنید.

در اینجا لازم است به همه هواداران حزب درایران یاد آوری کنیم :از دام هایی که ساواک می‌گسترد ،حذر کنید و همواره به این نکته توجه داشته باشید که گرفتن پیام از مرکز حزب و داشتن رابطه گرفتن تصریحات از مرکز حزب هیچ گونه ضمانتی برای صلاحیت سیاسی افراد در ایران نیست. بنابراین اعتماد خود را به صلاحیت سیاسی افراد تنها بر پایه تجربه انقلابی خود از آن‌ها و شناخت همه جانبه آن ها و پیش بینی سیاسی وپیگیری پایداری آنها در مبارزهٔ انقلابی قرار دهید.

ما در راه خلق حرکت می‌کنیم. هدف ما به حق است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

از برنامهٔ حزب توده ایران:

واژگونی رژیم فرتوت سلطنتی و استقرار جمهوری ملی و دموکراتیک

شرط ضرور تحول انقلابی ایران در مرحلهٔ کنونی است

هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران)

سال سوم، شمارهٔ ۴۴، شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۵۷

از تظاهرات مسالمت آمیز چند میلیون نفری تا قتل عام مردم در خیابان های تهران

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم

شاه کودتاگر، یکبار دیگر طبیعه مردم دست به کودتا زد. این واقعه را ما قبلا هشدار داده بودیم. حتی در نوید شمارهٔ ۴۱ تاکید کردیم که به دنبال چند ملاقات طولانی و کاملا محرمانه شاه با ارتشبد اویسی، این عنصر خصیص سرسپرده، مأمور اجرای توطئه ضد خلقی شاه شده است. و در همان شمارهٔ نوید تاکید کردیم که حتی یک کودتای نظامی در نده و لگام گسیخته نمی تواند تاج و تخت لرزان و جریانه خورده شاه دیکتاتور را از سرنگون شدن در زباله دان تاریخ برهاند. باین حقیقت را خود شاه هم با همه غرض فرعونی و لجاجت مذبوحانهٔ شاهانه اش می دانند و به همین جهت کودتای خونین دیروز که درست یک روز بعد از قیام حماسه آمیز یک میلیون نفری تهران صورت گرفت، صرف نظر از هدفی که همه کودتاهای ضد ملی وارتجاعی دارند، یک انگیزه دیگر هم داشت: انتقام از خلق های سلحشور و بی باک با تظاهرات عظیم پیاشکوه و راه پیمایی تاریخی خود در تهران و شهرهای دیگر، بعروی شاه و رژیم کشیده و او عصبانی اند اخته و پرشکستگی حکومت مرتجع و اختناق و غارت توجه امپریالیسم را با خروش رهآسای خود به جهانیان اعلام کردند.

آری به همین جهت دیروز گازهای مسلح شاه، نه تنها جوانان، نه تنها مردان و زنان عظاهرکننده را به رگبار مسلسل بستند، بلکه بکودکان و بیزنان بیدفاع و پیرمردان پرهنگران کوچه و خیابان هم ابقا نکردند و شهر مملو از خون و برگ، جسدهای متلاشی شده، دست و پاهای قطع شده، سینه های شکافته، قلب ها و شکم های دریده و چشم های از حدقه در آمده برای فرمانده تاجدار خود ترتیب دادند. البته هنوز آمار دقیق شهدای جمعهٔ خونین تهران معلوم نیست. تا نخستین گزارش های رسیده از شهادت هزاران نفر حکایت دارد. این قتل عام وحشیانه در کنار تظاهرات و مبارزات میلیونی روزهای اخیر، صفحهٔ جدیدی در تاریخ میهن ما می گشاید، صفحه ای که سیمای نجیب و مصمم خلق های کبیر ما را در مراقبی از خون و آتش مبارزه، مسلحی می کند پرشکوه، آزادی و شهادت و همین وحشت مصرا می افزاید.

● ● ●

شناخت ابعاد و نتایج جمعهٔ خونین تهران و پاسخ سرخنق ها و درس های گرانبار مبارزات بی سابقهٔ روزهای اخیر ایران و تعیین وظایف جنبش انقلابی خلق های ما در این شرایط حضور و حساس و سرنوشت ساز، از رویدادهای هفتهٔ گذشته ایجاب می کند:

راه پیمایی و تظاهرات اعتراضی مردم سراسر کشور در روز جمعه ۱۷ شهریور - هفته محاسبات و نقشه های رژیم را برای حفظ مواضع اصلی خود به سیمای پاره ای حزب نشینی های حزبی و تاکتیکی، و آب و رنگ زدن به شیوه های کهنه حکومتی، بی آن که محتوی آن را تغییر دهد - به هم ریخت. در این نمایش عظیم اعتراضی میلیون ها نفر شرکت کردند (تعداد تظاهرکنندگان سراسر ایران را در روز جمعه حداقل ۲ میلیون نفر تخمین زده اند) چهار شعار هایی که اصلی ترین پایه های رژیم را تهدید می کرد نداده اند که تعادل نیروها در جامعه ایران به شدت به هم خورده و محیط وضع موجود با ابزارها و روش های معمول دیگر امکان پذیر نیست. راهپیمایی مبارزه جویانه روز جمعه عظیم با وضوح بسیار تاکید کرد که اکثریت قاطع مردم خواستار دگرگونی اساسی و بنیادی در نظام حکومتی هستند و طب نشینی های اندک و تغییرات بی پیشانه - که با همه خردی و هر لحظه امکان پایمال شدن دوباره آنها وجود دارد - به هیچ وجه آنها را راضی نمی کند و نه می تواند فریب دهد. این تظاهر گسترده اعتراضی درعین حال ثابت کرد ابعاد هرشکاف عمیق زمانی در رسدی که دیکتاتوری طی سالیان دراز در برابر تظاهرات و خواستهای توده ها و تحمیل اراده ملی کشیده است، به زودی غیر قابل کنترل می شود و وسیل نیروهایی که در پشت این سد محبوس مانده است، به خصوص مبارزه ای به حریان می افتد. به عبارت دیگر در شرایطی که نیروهای مولد جامعه در رشد قابل توجه خود مناسبات بحرانی و گسترده ای را تحمیل می کنند که جلوه های آن با وجود تردد یک به ۶ میلیون کارگر، در حدود ۴۰۰ هزار اعتصاب و ۱۰ میلیون محصل و بسیاری نمودهای دیگر مشخص می شود، در شرایطی که تعادل نیروها در عرصه جهانی بنفع نیرو های صلح و سوسیالیسم و ترقی چه زیان امپریالیسم و دشمن خلق ها به هم خورده و مارش پیروزمند انه رزم طلبانه آزادی، جهان را به لرزه انداخته است، نمی توان با کشیدن تصویر نفرت مردم را سرکوب و یا واداری کردن در پذیرش آزادی و حاکمیت ملی به توده ها احساس آزاد و مستقل بودن داد. به خصوص که این معرکه گری را رژیمی به راه انداخته که تا مغز استخوان ماسد و گندیده است و در ضدملی، از خون و جنایت و دزدی و غارت و سرسپردگی تا حد غلام وار کی امپریالیسم و در نتیجه در عمیق ترین بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دست و پا می زند.

نمایش تکان دهندهٔ روز جمعه عظیم ضمن آن که خط بطلان به روی تمامی ادعاها و تبلیغات گرگنده رژیم در داخل و خارج کشور کشید و شکست مفتضح همه برنامه های گذشته و حال و چشم اندازهای آینده آن را مرتکز کرد، به طور رسوا کننده ای نشان داد که حکومت شاه تا چه حد منزوی، بی پایگاه شده و از مردم جدا است و توده های حکومت شونده با چه شور و اشتیاق سوزانی خواستار سرنگونی آن هستند. علاوه بر این مردم در این روز با مناسب ترین شعارها و گلباران کردن روسپیه

زدن هرگونه سرسپاران، اولین گام را برای تشویق ارتش بجانب اعتصاب و اطاعت کورکورانه رژیم شاه برداشتند. این ناقوس بیمعنی برای رژیمی که تنها به عصا تکیه داده است بود.

در مسیر راه پیمایان، بسیاری از نظامیان به آنها پیوستند. در میدان ۲۴ اسفند یک سروان ارتشی ستاره های یاکی خود را کند و نثار مصیبت کرد.

در خیابان کوشی ده ای از افسران و سرباز ان در حالی که گریه می کردند، اسلحه خود را به روی اتومبیل های ارتشی رها کردند، تا مردم را در آغوش بگیرند.

چنین بود بخشی از دست آوردهای نمایش خلقی ضد طرح. اما این دست آوردها هنوز کامل نبود. تظاهرات و راه پیمایی باصلابت تهران که با تظاهرات اعتراضی و تحصیل صوری در اکثر شهر های ایران همراه بود، نمی توانست کودتا نیروی مسلح شاه را بزانو در آورد. در حالی که توده ها با پرده برداشتن از زیاده ای از واقعیاتی که هنوز برای خیلی ها چندان روشن نبود و انگشت گذاشتن روی بخشی از نقاط ضعف بخشی از رهبری جنبش، این دست آوردها را تکامل و غنای بیشتری بخشید.

رژیم که از عمق و ابعاد بسیار گستردهٔ جنبه های افشاگرانهٔ تظاهرات و مبارزه مردم در روز جمعه عظیم به وحشت افتاده بود، در صدد برآمد تا از تکرار این نمایش شکوهمند ملی که قرار بود روز پنجشنبه ۱۶ شهریور در تهران برگزار شود، جلوگیری کند. او با این تلاش ناچار شد زیست مخاطرهآمیز دموکرات منشی و آزادسازی خود را که آن همه بدان می بالید، با شعار رسمی "آشتی ملی" آن را بازی می کرد، خراب کند و با انتشار شتابزدهٔ یک اطلاعیهٔ تند به آمیز، تظاهرات مردم را ممنوع سازد. گره خشم و تهدیدی که رژیم بر ابرو انداخت و دو برخیز کردن او برای هجوم، بعضی از رهبران محافظه کار را هم در عرصهٔ سیاسی وهم در عرصهٔ مذهبی، در چارتردید کرد. در حالی که توده ها قیام کننده با نوشدارو حیات بخشی که از پیروزی بزرگ ضد طرح

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران دربارهٔ

واژگونی رژیم استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی

در کشور ما وضع انقلابی حکمفرماست. مردم نمی خواهند به شیوهٔ گذشته زندگی کنند و حاضر نیستند. یوغ استبداد شاه را تحمل نمایند. رژیم نمی تواند به شیوهٔ گذشته حکومت کند. فعالیت و جنب وجوش و فداکاری انقلابی مردم بحدّ شگرفی بالا رفته و گسترش و عمق یافته است. مردم قهرمان کشور ما یکبار دیگر عظمت روحی خود را نشان میدهند و ضربات جانانه ای بر استبداد مغرور و متعرض سلطنتی محمد رضا شاه وارد می آورند.

رویدادهای کشور ما مؤید پیش بینی های حزب تودهٔ ایران و شعار سیاسی اساسی این حزب است که وظیفهٔ مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم استبدادی و ضد ملی محمد رضا شاه را طی سال های اخیر در دستور روز گذاشته بود. سال هاست حزب ما کلیهٔ نیروهای مخالف رژیم را دعوت می کند که با ایجاد یک جبههٔ ضد دیکتاتوری فعالیت خود را در راه سرنگونی رژیم هماهنگ سازند. در شرایط کنونی اوج جنبش انقلابی، در شرایطی که در کار وظایف مربوط به برانداختن رژیم استبدادی، وظایف مربوط به خارج کردن کشور از بحران سیاسی واقتصادی و اجتماعی امروز نیز با تمام شدت و حدّت مطرح میگردد، مسئلهٔ جبههٔ ضد دیکتاتوری اهمیت بیش از پیش می یابد. بنظر ما هدف اساسی جبههٔ ضد دیکتاتوری عبارتست از سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمد رضا شاه، بر چیدن بساط سلطنت و روی کار آوردن یک دولت ائتلاف ملی از نمایندگان نیروهای ضد استبداد که در راه تأمین استقلال ملی، آزادی های دمکراتیک و سالم سازی اقتصاد و بهبود زندگی مردم گام بردارند. بنظر حزب تودهٔ ایران شکل چنین حکومتی جمهوری است.

حزب تودهٔ ایران که به ضرورت تحول بنیادی جامعهٔ ایران معتقد است برنامهٔ خویش را برای تأمین یک چنین تحول ملی و دمکراتیک سالهاست تنظیم و اعلام کرده است.

بنظر حزب در شرایط کنونی برای خاتمه دادن به بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی موجود لازم است یک دولت ائتلاف ملی سر کار بیاید، که وظایف مشخص زیرین را انجام دهد:

۱) در زمینهٔ تأمین آزادیهای دمکراتیک: آزادی کلیهٔ زندانیان سیاسی و عفو عمومی محکومین سیاسی و تأمین بازگشت آزاد همهٔ تبعید شدگان درون کشور و تبعیدیان و پناهندگان سیاسی خارج کشور؛

انحلال سازمان جنایتکار ساواک و سازمان های مشابه آن. بازداشت و محاکمه و مجازات قانونی جنایتکاران و خیانتکاران و گردانندگان درجهٔ اول رژیم استبدادی و مسئولین بدبختی عمومی؛

لغو کلیهٔ قوانینی که طی دوران استبداد سلسلهٔ پهلوی حقوق و آزادی های مندرجه در قانون اساسی و اعلامیهٔ حقوق بشر را بنحوی از انحاء نقض یا محدود ساخته است؛

تأمین آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، سندیکاها؛

انحلال مجلسین شورا و سنا و شوراهای ساواک زدهٔ استان ها و شهرستان ها و شهرها و روستاها، تدارک تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی بر پایهٔ انتخابات آزاد و همگانی و تدارک طرح قانون اساسی نوینی متناسب با مقتضیات امروزی تکامل جامعهٔ ایران.

ص ۲

شنیده بودند و با خشم و کین مقدسی که از رژیم ایران بدل داشتند و ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه در دل انباشته بودند، آمادگی داشتند تا به عزای هموطنان بروند. اما رهبران پای سست کردند. بعضی از آنها - نقی جند از علما - تحصیل صوری و راه پیمایی اعتراضی روز پنجشنبه را کفایتی بزرگ اشت خاطره شهدای هفته های اخیر تهران و اعتراض به سفاکی های رژیم شاه انجام می شد به طور مستقیم یا تلویحی رد کردند و هنوز هم عناصری را به آمده بدون تاریخ موکول نمودند و برخی دیگر - تقی جند از رهبران سیاسی برنامه فعلی خود را تعدیل کردند و با حذف راه پیمایی، برنامه مزاری و تظاهرات اعتراضی را به اجتماع در مساجد محدود ساختند. رهبران مذهبی در قم از این که تظاهرات خیابانی به طور انحصاری به حساب عوامل و نیروهای مذهبی گذاشته شده بود، ناخرسند بودند و این خود محرک دیگری بود که نمایش مبارزاتی پنجشنبه را نمی کشد تا نقش قاطع خود را در به حرکت در آوردن توده های مظلوم مردم به ثبوت برساند. به نظر می رسید رژیم که از خفقان بر تظاهر و انقلابی خلق به تنگ آمده، بیشترین فرصت را یافته تا از یک سو اعتلای راه نخستین نشانه های آن در دومین جمعه آغاز گردیده بود، عمیق ترکند و از سوی دیگر با برجسته های همیشگی خود، نظیر مارکسیست اسلامی، خرابکار، تروریست و غیره به جنگ عناصر کشند گان بروی پنجشنبه برود و با سرکوب آن، متزلزلی را که در ارگان قدرت و اعتبار آن افتاده بود، تا حدی جبران نماید. اما شور و شوق انقلابی و آمادگی مردم برای پیکارجانبازانه بیش از آن بود که هم رهبران بورژوازی ملی و روحانیون سازشکار و هم رژیم حساب می کردند. به علاوه هشیاری و آشتی ناپذیری بیش انگیز رهبر اصلی جریان مذهبی - آیت الله خمینی - که برجسته ترین چهره های مذهب وسنت های مبارزه جوی شیعه تکفیر اند به آسانی هر خطلی را در اردوی ضد شاه پر کرد.

نیم گام به پیش نمایندگان سیاسی بورژوازی ملی، با جهش به پیش خرده بورژوازی دموکرات انقلابی که دیگر نیروهای مترقی را به دنبال خود می کشد جبران شد و پیشاپیش این واقعه، توده های به پا خاسته به ابتکار خود عناصر تظاهرات و راه پیمایی خود کنند. روز پنجشنبه را در محاصره تنگ ها و مسلسل ها و دیده های دود گاز اشک آور با پیروزی اعتصاب انگیزی به انجام رساندند. اگر در روز عید فطر در حدود ۴۰ هزار نفر در تظاهرات تهران شرکت کردند، در عناصرات سیاسی و حماسی روز پنجشنبه بیش از یک میلیون نفر در صحوف ضرده ای که عرض آن تمامی خیابان و طول آن به کیلومترها می رسید، بیشتر از دو فرسنگ راه پیمایی کردند. ویژگی این تظاهرات وسیع مانند راه پیمایی تاریخی عید فطر، آرامش و نظم آهنین و حدیث ساعتهٔ آن و انتخاب مناسب ترین شعارها در نقاط مختلف مسیر بود. بار دیگر مردم به سوی کامیون های پر از سرباز ارتشی گلبرتاب کردند. مردم برای سربازان و سربازها برای مردم دست تکان می دادند، عناصر هنرکشند گان افسران و سربازان مسلح را بر سر دست بلند کردند و شعار میدادند "خود را با یک میلیون دهان، به صورت عرض کنند روزنان در رهبای شهر ریختند:

- برادر ارتشی - چرا برادر کشی؟

- ایران کشور ماست - ارتش، ارتش ماست.

... و بعد دهها شعار ضد سلطنت، ده ها شرارهٔ نفرت علیه شاه: "جیاکن، جیاکن - سلطنت رها کن..."

پنجشنبه روز گل و گریه و شکفتن بود. شکفتن خلق بزرگ از درد و رنج های خود، در قلب کویر استبداد...

در خروش خلقی پنجشنبه ارتش و مردم نیم گام دیگر به سوی هم برداشتند. مردم با آراء و عقاید و مسلک های گونه گون بیشتر به هم گره خوردند. آنها نیروی سهمگانی و تعیین کننده خود را در اتحاد و آگاهی کشف کردند. در عمل طبقات و قانون دولتی را به دور ریختند و خود قانون و طبقات شدند. رژیم را در انزوای ضد خلقی آن عملاً خلع کردند و جوهر سیاسی حرکت و اعتراض و مبارزه خود را فاش نمودند. قانون کیر نمایش میلیونی روز پنجشنبه تفسیر این حقیقت بود که برای رژیم از یک سو و عناصر مردد و متزلزل درون جنبش، رهبران محافظه کار و سازشی به بر از سوی دیگر، هیچ امید وجود ندارد تا کنار بالا و مردم و پا بسان از آنها بر سر سرنوشت جنبش معامله کنند. توده های مبارزه شبه رهبران نابایه از و سازشکار را خلع می کنند یا رهبران جدید می آورند.

پس از تظاهرات همان انگیز پنجشنبه، دو راه بیشتر برای شاه باقی نمانده بود: ۱- کناره گیری از سلطنت زیر فشار خرد کننده توده ها ۲- کودتای نظامی، و ترس به مردم چه چون کشیدن آنها از کشت به شیوه های متنوع و ویرانگر حکومتی سابقه.

شاه راه دوم را انتخاب کرد، چرا که برای او قربانی کردن میلیون ها نفر از مردم به آزادی یک روز طولانی ترشدن حکومت بیداد بسیار و خود کامه اش، وسوسه انگیزتر از پیروی کردن از قانون عقل و منطق است. او با دریای خونی که در راهپیمایی اخیر در قم و تبریز و اصفهان و شیراز و قزوین و آبادان و بندر و کرج و ده ها شهر دیگر به راه انداخت با حمایت هولناک گر آبادان مرتکب شد و با خونریزی و قساوت باور نکردنی ۸۵۰ تا شاگرد مبتدا را در شعله های آتش تبدیل به زغال و خاکستر کرد و با قتل عام بی شرمانه زنان و مردان و کودکان بی گناه و بی سلاح در کوچه ها و خیابان های تهران، نشان داد که اگر احساس خطر کند - همان طور که خود بارها با صراحت اعتراف کرده - از جهنم ما سرزمینی سوخته و ازشهرهای ما، گورستان های عمومی می سازد. آیا افسران و سربازان شرافتمند ارتش که به صورت عامل این دیوانهٔ اسیر گسیخته عمل می کنند وظیفه وجدانی خود را در برابر وطن و مردم، در برابر این همه جنایت و خونریزی وقساوت، به یاد نمی آورند؟ آیا این شعارها خون تپندهٔ میلیونی هامردم به ستوه آمده از استبداد سلطنتی - که هزاران تن از آنها اینک در گور خفته اند - آنها را به اندیشیدن وانمی دارد؟ این شعارها از طنت و انتظار:

- برادر ارتشی - چرا برادر کشی؟

آری برادر، چرا؟ واقعاً چرا؟ "مابه خونگیری دهیم، تو به ما گلوله؟"

* * *

توصیف و گزارش صحنه های هولناکی که تهران در جمعه خونین در برخورد با کودتای نظامی شاه شاهد آن بود، صحنه زنده بودن و شجاعت نابود بودن خلق های ماست. میدان ژاله که به حق نام میدان شهدا را بر آن نهاده اند، خیابان های شعبان، شاهرضا، تهران نو، تارنک، مرج آباد... میدان های شوش، راه آهن، خراسان، فوزیه... در دیوار با خون و اشک شسته شد.

بسیاری از مردم از برابر رگبار مسلسل ها نگریختند، مگر این که جسد شهید او محروحین خود را از آن مهلکه بیرون بردند...

بسیاری با مشت و سنگ و چوب به مسلسل ها و زرهپوشها حمله بردند و در خون پاک خود غوطه خوردند... بسیاری در آن هنگامهٔ مرگ، زندگی خود را از یاد بردند و به بیمارستان ها هجوم بردند تا به محروحین خون رسانند و ضمن در مقابل بیمارستان ها باران گلوله بر آنها بارید، ماندند و شمار دادند و با خون جدید بر رود بسوار نوشتند: "مرگ بر شاه" "وحشیان مردند..." بسیاری پیراهن غرقه به خون شهدا را برچوب کردند و پرچم شهادت برافراشتند و در هجوم گلوله و مرگ زیر آن پرچم سرخ و مشکی در خیابان ها و کوچه ها به راه افتادند و شعار: "مرگ با آزادی" را چون خرمن های لاله وشقایق برسرروی شهر مخروج، شهروندان ریختند...

تعداد زیادی از سربازان لوله تفنگ هایشان را به سوی خرمن ها نشانه گرفتند و سپس به قلب خود آتش گشودند.

و جنگ شب های گره کرده با زرهپوشها و مسلسل ها، کوچه ها ساخت ها خیابان ها و مشکی در خیابان ها و کوچه ها به آمیزش خود ادامه یافت.

- اما در پایان اولین روز این جنگ نابرابر، همان میلیون ها دهان که در روز عید فطر و روزهای پیش از آن در قطرنیه، در خیابان های گیرش و پهلوی و شاهرضا، در میدان شهدا، شعارها را چون سرود بیداری می خواندند، اینک می پرسند:

- چه باید کرد؟ پس از هجوم خونین شاه جلاد چه باید کرد؟

* * *

شاه با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ تاج و تخت از دست رفته خود را بازیافت و اینک با کودتای خونین دیگری می خواهد سلطنتش را که امواج سیل وار خون همین پرستان بر آن می تازد و می کوبد، از سقوط دوباره برهاند. اما همان امروز همان ۲۸ مرداد ۳۲ بیست تعادل نیروهاند تنها در عرصه جهانی به نفع خلق های تشنهٔ آزادی و نیروهای سوسیالیسم و ترقی به هم خورده، نه تنها پس از انقلاب ترکیه و انقلاب دموکراتیک افغانستان این توازن در منطقه ما هم به هم ریخته، مدت هاست در داخل کشور نیز تعادل نیروهای اجتماعی و طبقاتی به کلی دگرگون شده است. در چنین اوضاع انقلابی بر پاست. حکومت کنندگان دیگر نمی توانند به شیوه گذشته ادامه دهند و حکومت شوندگان نمی خواهند مانند گذشته حکومت شوند" برای شاه انجام اصلاحاتی که تاحدی بتواند پاسخگوی ضرورت های حاد جامعه باشد و عناصر فعالی در حال انحراف تعدیل کند، مقدور نیست. این رژیم عملاً نشان داده که با کمترین عقب نشینی، با بازشدن کوچکترین روزنه، حتا با اولین نسیم آزادی های سیاسی، چون وسیای که بر آن هوا تازه بدمد، فرو می ریزد. ما بارها پیاپی تأکید کرده ایم که رژیم پوسیده و بوی تعفن گرفته استبدادی شاه آخرین قطره های حیاتش را نیز به ته رسیده، نه ظرفیت آزادی دارد، نه توانایی اصلاحات، نه نای و نفس مبارزه با فساد، که خود زادهٔ آنست. برای این رژیم نامعاصر و وصله شده به فیای امپریالیسم جهانخوار که تمامی خلق های ایران برای به گور سپردن نفس قیام کرده اند، جز توسل به وسایل کهنه و مسموم حکومت مستبده، یعنی داغ و درفش و زندان و سازاک و سرنیزه، راهی باقی نیست. وقتی این اوضاع تظاهرات میلیونی و مسالمت آمیز مردم را با سرب و باروت می دهد، عملاً به عجز و جنون و بیچارگی خود اعتراف می کند و در عین حال به راه هاو روبه های عالی تر مبارزهٔ خلق، و همه طرفی که در یک مبارزه بی گیر انقلابی باید متناسب با ضرورت ها و ضمون لحظه مورد توجه قرار گیرد، اشاره می کند. ترسان بودن و جنون بی پایگاهی رژیم جامعهٔ خشونت وفضاوتاوست و اتحاد عمل همه نیروهای ملی و دموکراتیک که اینک به تمامی زیر ضربات این هیولای خونی آن شامند، موثرترین وشیله پیروزی خلق هاوما باکمترین بهای ممکن است. آنها که با اولین پیروزی های جنبش چنان به وحشت آمدند که مبارزه با حزب تودهٔ ایران و سنگ انداختن به جانب نیروهای چپ را فراتر از تهیب زدن و بیش بردن به دشمن عظیمانک اصلی - که هنوز همه مواضع کلیدی خود را حفظ کرده بود - قرار دادند با اینک برای چند مین بار باید از تاریخ عبرت بگیرند وازدشمن قهار و زبر دست بیاموزند. آنها باهمه مسئولیت عظیمی که تاریخ همین ما را بر دوش قابل و شعاروحساس برعهده مبارزان نهاده باید واقف باشند که هرخطرهٔ خونی که به خاطر اهمال واشتباه باکج سلیقگی و تزلزل عناصر موثر جنبش ملی و دموکراتیک وحد اسیر بالیستی به زمین می ریزد، مه گردن آنهاست. فراموش نکنیم که جنبش انقلابی وطن ما هنوز به آغاز خود نزدیک تر است تا مرحلهٔ مام. ماضرورت مبرم لحظه های کنونی جنبش انقلابی میهن را، همراه با دستی که به جانب همه نیروها و عناصر ملی و دموکرات دراز می کنیم، با شعار کوشش متحد برای سرنگونی رژیم منحط سلطنتی ایران و استقرار یک جمهوری انقلابی ملی، تأکید و تکرار می کنیم. برپایه جنین تلاش و هدفی است که قادر خواهیم بود کودتای شاه را خنثی کنیم و فرو بریزیم و این آخرین تشبث بی دورنمای دارودسته استبداد سلطنتی را نقش بر آب سازیم.

ما از هم اکنون به همه نیروهای ملی، به همه سازمان های سیاسی و صنفی، همهٔ شخصیت های آزاد یخواه و مبارز پیشنهاد می کنیم که برای مقابله موثر با کودتای جنایتکارانهٔ شاه، یک اعتصاب عمومی سراسری را که همه چرخ های اقتصادی و اجتماعی را از حرکت باز دارد و رژیم خونریز شاه را به زانو در آورد، معمالانه عدارک بینیم. تشدید مبارزه در شرایط کنونی با سازماندهی و زمینه چینی سریع و همه جانبه اعتصاب طبع کننده عمومی امکان پذیر و پرثمر است. این تلاش و حرکت می تواند محورسیاسی متحد بعدی همه نیروهای انقلابی که برای نجات ایران از چنگال شاه و آدمکشانش و نیز رستگاری ملی مبارزه می کند، قرار گیرد.

ما از همه مردم مبارز و قهرمان ایران - از کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، از رسه روشنفکران مبارز و آزاد یخواه، از همهٔ پیشه وران و کسبه و بازاریان شریف و آزاد یخواه، دعوت می کنیم که با حداکثر و زمینه چینی همه جانبه، اعتصاب عمومی و نامحدود خود را برای جنبش کردن کودتای نظامی و محوشناه در طیفی سراسر کشور و در سطح همه کارخانه ها، کارگاهها، مراکز، مدارس و دانشگاه ها، موسسات و ادارات دولتی وخصوصی، معازه ها، بازارها وخلاصه همه واحد های کار، کسب، آغاز کنند و با استفاده از کلیهٔ شیوه های مبارزه بسته به شرایط، تمامی مساعی وتلاش خود را در راه واژگون ساختن رژیم ارتجاعی استبداد سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری انقلابی ملی به کار اندازند.

۲) درزمینهٔ تأمین استقلال ملی: احیاء کامل قانون ملی شدن صنایع نفت و کوتاه کردن دست کنسرسیوم غارتگر و سایر انحصارهای امپریالیستی از منابع نفتی ایران؛

اخراج کارگزاران ارتش امریکا از نیروهای مسلح ایران و فراخواندن نیروهای ایران از عمان؛

برقراری و گسترش مناسبات دوستانه باهمهٔ کشورهائی که به آزادی و استقلال ملی کشور ما احترام بگذارند و لغو قراردادهای اسارت بار نظامی ایران و امریکا؛

خارج کردن ایران از سنتو و پیوستن به جرگهٔ کشورهای غیرمتعهد؛

پشتیبانی از جنبش های مترقی و رهائی بخش بویژه جنبش خلق برادر عرب فلسطین درمبارزه اش علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

۳) درزمینهٔ سالم سازی اقتصاد و بهبود زندگی عمومی: مصادرهٔ اموال غارتی شاه و خاندان پهلوی و کوشش برای بازگرداندن دهها میلیارد ثروت دزدی خاندان پهلوی از بانک های خارجی و اختصاص آن به بهبود سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم؛

پایان دادن به سیاست جنون آمیز تسلیحاتی و اختصاص درآمد نفت به تقویت اقتصاد ملی؛

اتخاذ تدابیر موثر برای رفاه کارگران و دهقانان و همهٔ حقوق بگیران به تناسب هزینهٔ زندگی؛

سالم سازی اقتصاد در جهت پشتیبانی از رشد تولید داخلی چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی و خاتمه دادن به سیاست درهای باز و دفاع از تولید داخلی درمقابل رقابت خارجی و اجراء اقدامات موثر برای خاتمه دادن به بحران عمیق کشاورزی و بهبود وضع کشاورزان.

حزب تودهٔ ایران ازهمهٔ نیروها و عناصر مخالف رژیم موجود دعوت می کند برای ایجاد یک جبههٔ ائتلاف ملی و قبول یک برنامهٔ ملی و دمکراتیک عمل، بر پیشداوری ها غلبه کنند وفرصت را از دست ندهند. حزب تودهٔ ایران درراه ایجاد چنین حکومت ائتلاف ملی باکلیهٔ نیروهای دیگر ضد رژیم همکاری خواهد کرد.

این شرط ضرور پیشرفت درنبرد مقدس و باعظمتی است که مردم ایران باآگاهی و فداکاری بی نظیری بدان دست زده اند.

مردم ایران باید مبارزهٔ خود را گسترش دهند، عمیق ترسازند و ازهمهٔ نیروهای ضد رژیم بطلبند که بااتحاد عمل و هماهنگ کردن فعالیت خود کشوررا هرچه زودتر از چنگ بحران کنونی رهائی بخشند.

پیروزباد پیکارمقدس مردم ایران!

سرنگون باد رژیم استبدادی منفورمحمدرضاشاه!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
دوشنبهٔ سیزدهم شهریور ۱۳۵۷

رشید اسم خوبی است

هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران)

سال سوم، شمارهٔ ۳۵، شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۵۷

برادر ارتشی، چرا برادرکُشی؟

در روزهای شور رانگیز تظاهرات وراه پیمایی میلیونی مردم ایران بکبار دیگر پیوند خلق های ما با ارتش، پیوند مردم با افسران و سربازانی که از میان آنها برخاسته اند، در میان گل و گریه و لبخند پیوسته تجلی کرد. مردم از دسترسی خود کامیون های ارتشی، افسران ارتش و شهربانی و راهنمایی وسربازان مسلسل به دست را گلباران کردند. آنها را برسر دست گرفتند، به گونه هایشان بوسه زدند و با صد هاهزار گلوی بغض کرده فریاد کشیدند: "برادر ارتشی، مهربان برادر کشی؟"

در این پیچاپیچ تکان دهندهٔ طی نیرو وشکوه و حقیقتی بود که بسیاری از نظامیان شریف را که دسته های خومینی استبداد سلطنتی آنها را در برابر مردم شیفتهٔ آزادی و تشنهٔ حق وعدالت قرار داده است به گریه وا داشت. دهها افسر وسربازشریف و میهن پرست، اسلحه شان را رها کردند و به میان تظاهرکنندگان آمدند. و صحنهٔ میدان ۲۴ اسفند کاخ سر میهن پرست و آگاهی ستاره های خود را کند ونثار مردم کرد. در گوشه وکنار شهر قیام کرده به شکل های مختلف، جلوه کرد. چنین بود که مردم باشور وعشق و شادی شعار پیروز تیش جدیدی آفریدند:

- ارتش به ما ملحق شو...

و همه انتظار واهمه مردمی خود را در این شعار و دعوت فریاد کشیدند:

- برادر ارتشی، پیوند مبارک...

در جریان تظاهرات و راه پیمایی عظیم عید فطر روز پنجشنبه پس از آن، ارتش و مردم بسوی هم رفتند. بار دیگر در رگوجه و خیابان یکدیگر را چون دو نیمه از یک وجود، چون ریشه و شاخه های یک درخت کشف کردند. آنها به میان دیدند که هیچ دیواری جز استبداد و دیکتاتوری از هم جدایشان نمی کند. ارتش دید که خواست و آرزوی شریف ومصمم مانه مردم آزادی وعدالت است ومردم در ربافتند که قلب بخش بزرگی از ارتش با آنها می تپد. این کشف و رود رویی ناقوس سهمگینی را در گوش استبداد سلطنتی و شرکا وحامیان امپریالیست آن به صدا در آورد. برای رژیم که در میان مردم پایگاهی نداشت، از دست دادن ارتش به منزله سقوط ونابودی فوری وحتمی است. چنین بود که توطئهٔ جمعهٔ خونین بی ریزشد، تا پیوندی را که با گل و لبخند بین مردم و ارتش پدید آمده بود، با خون وگلوله پاره کنند و ارتش و خلق را بار دیگر در برابرهم قرار دهند. اما در آن روز پیوند مقدس خلق با برادران نظامی اش در میان دود و باروت وجوی های خون به شکل دیگر بروز کرد. دهها سرباز افسر از فرمان تیرباران کردن مردم سر باز زدند، تعدادی از سربازان پاک و دلیر دلوله تفنگ هایشان را به سوی فرماندهان ضد خلقی شان برگرداندند و سینهٔ به قلب خود آتش گشودند. بسیاری از پاسبان ها وسربازان وافسران به جای سینه مردم، به سوی آسمان شلیک کردند. اما ارتجاع لحظهٔ باز و دخل، که از همبستگی و پیوند درونی خلق و ارتش هراس داشت، پیش بینی های لازم را کرده بود. در روز جمعه خونین تهران تعدادی زیادی از سفاک ترین اوباشان درخیابان وشکنجه گران ساواک و شهربانی رالباس سربازی پوشاندند و در پشت صف ارتشیان گماشتند. هم اینان بودند که با یورش درد منشانه خود زنان ومردان وکودکان بی گناه را به خاک وخون کشیدند و سربازان وافسران را نیز که به طرفداری از مردم طغیان کرده بودند به رگبار گلوله بستند. هم اینان بودند که در کوچه ها وخیابان ها دیوانه وار به سوی هر در نیمه باز، هر پنجره، هر مابر ناشناسی شلیک کردند، هم اینان بودند که به یاری نظامیان فاسد ضد خلقی وسرسپرده استبداد، جوی های خون به راه انداختند و هزاران آزادیخواه ومیهن پرست را سلاخی کردند تا ارتش را در انظار توده ها خاله دار سازند وسنت پیوند و گل و اتحاد را ویران کنند. و در این راه کاری پلید و اهریمنی تا حدی هم موفق شدند. شهدای خلق در روز جمعه خونین تهران در حالی که در خون خود دست و پا می زدند، با حیرت و ناباوری خطاب به سربازان مسلسل به دست بانگ می زدند: "برادر، ما به تو گل میدهیم، تو به ما گلوله؟" و با همین تعجب وحسرت جان می سپردند. در حالی که سؤال بزرگشان راچون آتشفشان باید بروی وجدان بیدار افسران و درجه داران و سربازان شرافتمند پاسخ می گذاشتند.

سربازان، درجه داران وافسران میهن پرست!

درحالی که میهن ما حساس ترین لحظات تاریخ خود را میگذراند وجنبش انقلابی کشور ما با جانبازی ها روز بروز جهانه مردم، از کارگر و دهقان و روشنفکر گرفته تا پیشه ور و پیازاری وسرمایه دار ملی، پایه های رژیم ضد خلق واستبدادی شاه را به لرزه در آورده است، تنها مسلسل ها وتانک های که شاه به بهای چند برابر قیمت اصلی به پول نفت که خون مردم و ثروت اصلی ایران است، خریده و به دست شما سپرده، تاکنون توانسته است از فیروزی این کاخ ستم جلوگیری کند و آرزو از قهر مردم به جان آمده و زنده به میهن ما که برادران و خواهران و پدران و مادران شما هستند، در امان نگهدارد.

از این روست که در این لحظهٔ حساس تاریخ میهن ما، مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش شما فرزندان ان خلق که در نیروهای مسلح کشور خدمت می کنید قرار گرفته است. رژیم کوشیده و می کوشد با اعدام و زندان و عقیدهٔ ارتشیان میهن پرست وآزادیخواه، ارتش را از مردم جدا سازد و در برابر آنان قرار دهد. اگرچه قهرمانیها و جانبازیها که شما هنوز نتوانسته اند مانند بسیاری از خلق های کشورهای دیگر جهان روی آزادی را ببینند و جنگها ی خون آلود دد ان امپریالیستی و

دنباله در صفحه ۲

وظایف طبقهٔ کارگر

در مرحلهٔ جدید اوج گیری جنبش انقلابی ایران

حوادث هفته های اخیر ایران که سرانجام به کودتای خومینی شاه علیه مردم پیوستند، درسکارآموزش ها وتجربیات گرانبهایی که بسرای جنبش انقلابی ایران به بار آورد، ارد یدگاه طبقهٔ کارگر ایران را دارای جهت موردالعاده و حاوی درس های عملی بسیار ارزشمند ساخت. ما حتمی بارا ارایی فراتر می کنیم و می کوشیم دست آوردهای جنبش دموکراتیک مردم ایران که با کودتای خیانت آمیز شاه وارد مرحله تازه ای شده است، برای هیچ قشر و طبقه ای به اندازهٔ کارگران پرحاصل وآموزنده نیست. به همین لحاظ بررسی وشناخت جنبه های مختلف این جنبش گسترده توده ای، ضعف ها وقدرت های آن، نقشی که کارگران در این جنبش داشتند و نقشی که باید داشته باشند، از نقطه نظر مصالح نهایی انقلاب ایران پیشبرد امر جنبش وتجهیز و تقویت آن، به صورت ضرورت حیاتی در می آید. بدیهی است آنچه در این بررسی، منافع و مصالح طبقه کارگر وبدیهی است این طبقه خوانده می شود، مصالح و منافع تمامی جنبش را - تا آخرین مرزهای آرمانی آن - در بر می گیرد وتنها به بخشی از جنبش توجه ندارد. بررسی ما بر آنیم که سرنوشت طبقه کارگر ایران با جنبش طی دموکراتیک خلق های ما کاملا نزدیک وخروشی سابقه ای یافته است. به هم گره خورده و هرگاهی که در جهت آگاهی و تجهیز طبقه کارگر وسازماندهی انقلابی آن وفعال کردن وسیع میدان راندن هرچه بیشتر اقشار وعناصر این طبقه ونیروی وتراکم کارگران در حزب پیشتاز و مستقل طبقاتی آنها انجام گیرد، نیروی حیاتی و امکانات پرثمری است که در اختیار جنبش انقلابی میهن ما که خصلت طی ودموکراتیک دارد، گذاشته می شود. صحت این نظر به ویژه وقتی بیشتر آشکار می شود که به یاد بیاوریم صرف نظر از نقش پیشرو وخصلت انقلابی بالقوه کارگران، طبقهٔ کارگر ایران در حال حاضر با نزدیک به شش میلیون جمعیت، بزرگترین نیروی اجتماعی وطبقاتی ایران است. این مزیت کمی، باوزن پیشرفت جامعه وتوسعه مناسبات تولیدی در سال های اخیر به دست آمده ودر چشم انداز آینده، نیز همه شواهد، حکایت از تراکم وافزایش تعداد کارگران ایران می کند. اینجا مسئله باید تاکید کنیم برای یک درگونی صحیح دموکراتیک و صحیح طی که بتواند برهر کارشکنی وسازشکاری و مصالحه آمیزی فشری، گروهی و جناحی مانع آید، و افق های جنبش را بیش از پیش گسترش دهد و استحکام درونی آنرا تقویت کند، پیام نهضت ایران انقلابی و آموزگار سترگ و رهنمود روشنی در برابر ماست: "بدون طبقه کارگر تمام بحث های عالم مافقه قدرتند، حقیقتا مافقه قدرتند."

مشخص ترین درس عملی کارگران ایران از جنبش انقلابی روزهای اخیر، این بود که با اولین مشت های محکمی که به دیوار استبداد فرو کوفته شد و با نخستین طنین نشیبی های حزبی حکومت پلیسی و آزادی کش شاه، امواج اعتصابات کارگری در شهرها و به ویژه در مناطق تمرکز صنعتی، کارخانه ها را فراگرفت. تنها در طی یک هفته ده ها اعتصاب پرشور و بزرگ وکوچک کارگری سازمان یافته که با بهره گیری هوشمندانه از اوضاع و احوال سیاسی کشور، اکثر آنها به پیروزی کامل یا نسبی انجامید. از آن جمله بود اعتصاب ۲۰ کارگر کارخانه ترانسفورماتور (واقع در جاده قم، سه راه پالایشگاه)، اعتصاب ۱۵۰۰ کارگر قطعه سازی پارس (هفت تپه)، اعتصاب ۲۰۰۰ کارگر ماشین سازی تبریز، اعتصاب ۳۷۰۰ کارگر وشرکت بزرگ "ماسترویلر" و "تهران جنوب" اهوازکه درحال اقدام برنامه مونتاژ اسکلهبندی و کوره های بزرگ مجتمع صنایع فولاد هستند، اعتصاب کارگران سازمان آب منطقه ای فارس، اعتصاب ۱۸۰۰ کارگر چیت سازی بیشهر، اعتصاب کارگران کارخانه کوتی پاس بیشهر، به پشتیبانی از کارگران اعتصابی چیت سازی، اعتصاب ۴۰۰ کارگر شرکت صنایع البرز، اعتصاب ۲ هزار نفر از کارگران وکارمندان ماشین سازی اراک (کارگران ماشین سازی اراک در طی چند روز دیگر باید به اعتصاب بگیرانند)، اعتصاب ۸۵۰ نفر از کارگران شرکت آب منطقه ای حشیم، اعتصاب کارگران تاسیسات تصفیه نیشکر (هفت تپه)، اعتصاب ۱۰۰۰ کارگر مجتمع سیمان درود، اعتصاب ۳۷۰ کارگر شرکت "مانا" و "باتیمان" و ماشین سازی پارس در اهواز که در مجتمع صنایع پهلوی اشتغال دارند، اعتصاب کارگران تراکتور سازی تبریز، اعتصاب ۱۵۰ کارگر قسمت نیرو شهربار در اهواز... و ده ها اعتصاب کوچک و بزرگ دیگر سراسر کشور....

کارگران ایران که در شرایط استفراغ خشونت آمیز حکومت پلیسی و اختناقی در پاسخ هرحرکت وخواست صنفی واقتصادی و سیاسی، نیمه گلوله و داغ و درفش و زندان و بیکاری و بدبختی و اختناق

دنباله در صفحه ۲

سیرک دموکراسی در مجلس شه فرموده

سیرک دموکراسی که به همت "شاه - ساواک" هفته گذشته در مجلس برما پیش به راه افتاد، صحنهٔ دیگری از نهایت وقاحت وبیکاری رژیم را نمایش داد که در دربای خون میهن پرستان و خاشعان آزادی و عدالت خواه طی می خورد. همه احسنت گویان حرفه ای وبه به و چهچهه زنندگان درگاه استبداد، نلگیان یک شبه تبدیل به طرفداران سینه چاک دل ودین با خاتمهٔ آزادی ومردم شدند وبرباد راهنمایی آنها به گوش ملک رسید که میهن از دست رفت، مردم دله شده است، ایران غارت شد، فساد و دزدی وخیانت تا عرش اعلی رسیده وملا و میهن... آن یک نمایندهٔ شریف ویژه دارا که در واقع تعدادی به مجلس رستاخیز راه یافته تا در پای همهٔ هوسهای دیکتاتور توجه امپریالیسم قهرمرد م رابزنند، با این معرکه گیری های بی مایه، در واقع بکبار بگوید برای حضور آمده از خود گامگی دادند. درحالی که سیرک دموکراسی در مجلس شه فرموده با شلنگ تخته انداختن وخوش رقصی نمایندگان رحمت ساواک و در نطق های فرای آزاد یخواهانه نمایش داده می شد، روزنامه ها زیر شد بدترین سانسور - این با رسانسور رنظامی - در چارنفسی تنگی بودند. "آزادیخواهان رادسته دسته به سلولها وشکنجه گاههای ساواک منتقل می کردند، سران واعضای موثر سازمان ها واحزاب قانونی وملی راتعقیب می نمودند، در کوچه ها وخیابان ها مردم را تکرار میکردند، زیر سایه تانک ها وزرهپوشها نظم صنعتی شاهنشاهی رابه زور گلوله وسرنیزه بر عرق مردم می کوشند - نمایندگان و مشاطه گران و بیاری در این صحنهٔ لبریز از تحمیل ودروغ، همهٔ گناهها وجنایات ۵۰ ساله را از گردهٔ شاه پرداشتند و بردوش چند وزیر و چند بزرگ ورقیس اداره گذاشتند. این کمک های پیر که سرشان رازیر برف های استبداد فرو کرده اند و در توهم آنند که مردم هم چیزی را نمی بینند ونمی شنوند، در پاسخ میلیون ها ایرانی مستند به وطنخواه کرده که شاه و وزیرش سناتورها وکنگره بدهٔ ایرانسلول همه نایسامانیها و تبه کاری ها وغارت ها و خونریزی ها می دانند، چه دارند بگویند؟ گیست که نداند در این سالهای سیاه و تکنی، از تضمین رقیس اداره سجل احوال گرفته تا عزل و نصب نخست وزیر، از خرید سیب زمینی وپیاز از خارج تا خرید میلیاردها دلاری اسلحه امریکایی وانگلیسی وآلمانی وفرانسوی، جز یاد ستور و تصویب مستقیم شاه همه کاره و نابکاره! انجام نشده! حزب های قانونی مردم و حطوبر ایران توین وسرانجام حزب ساواکی به اصطلاح فراکسیون رستاخیز به دستور چه کسی به وجود آمد؟ تقویم ایران برمبنای سال شمسی هجری به دستور چه فرمانی کنتی چه کسی عوض شد؟ نخست وزیر، وزیران و وکیلان راچه کسی آورد و برد؟ فرمان های مضحک وخلق الساعه درباره همه چیز وهمه کس ازطرف چه مقامی صادر شد؟ پای حکم اعدام میهن پرستان و آزادیخواهان راطی سالهای بد بته کاری، چه کسی امضاء کرد؟ قصابخانه ها و کازینوها و مشترنگاه های محلل سراسر کشور به کسی تعلق دارد؟ سپاهدار و صاحب هزاران موسسه بانک وکارخانه و هتل و بنگاه سود ده در سراسر ایران - وحتی جهان - بزرگترین سرمایه دار و ثروتمند ایران وند نیا چه کسی است؟ آری، اگر قرار باشد یک به یک سیاهه این لیست افتخار آمیز! آرباب سیری نوشته وبازگو شود، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. این ترجیع بند جنایت وغارت احتیاج به تکرار دارد، مردم رانمی توان مرعوب وآن شعبده گران خاص که جزاین نگرش کند، در واقع خود را می فریبند. آنها درمجلس مبهوت ساواکی به فرصیات و مطلوبها حمله کردند، تابه گمان خود ذهن مردم را از اولت الحلل بدبختی ها، "زمین چشمه و منشاء" طب ماندگی ها و بی عدالتی ها دور کند، اما مردم رای قاطع وصریح خود را همه گذشته دادند، سه میلیون نظامی کرده به نمایندگی از طرف سی وچند میلیون ایرانی شاه زده، "باشت های کره وحشم وکین انباشته شده در طی ۳۷ سال جیغه شب بازی ورنق بازاردراغ و درفش وچهچه هسای اعدام، فریاد کشیدند: "ماحلت بیدا ربم - ماشاه نمی خواهیم" "شا مرگ شاه عاش - نهضت ادامه دارد" "مرگ برایران سلطنهٔ پهلوی"...

آیا این فرمان کمادی وپزشکنگی نهایی سیرک هایی نظرآنچه ساواک درهفته گذشته در مجلس نصب شده کارگردانی کرد نبود؟

در این بالماسکهٔ ساواک ساخته، مزدوران ودلقکان درباری بسه خیال خود برمارکسیست ها تاختند و تمام چرکی و تعفن دهان و مغز طبقهٔ پوسیده خود رابه صورت تهمت های عجیبگی علیه حزب توده ایران، حزب طبقهٔ کارگرایران و پیشتاز جنبش طی ودموکراتیک خلق های ایران، بجیون ریختند. اما تنها پاسخ مابه این عروسکان خود فروخته چنین است: هرچه می خواهید وتا آنجا که می توانید برمابتازید، زیرا این خود به گونه ای سند اعتبار ما در میان مردم پاست واگرجز این می کرد به تنها موجب سرافکندگی ما می شد.

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

درحاشیهٔ کودتای خونین شاه علیه مردم

● توطئه کودتای شاه علیه مردم که با قتل عام هزاران زن و مرد و کودک در کوچه ها و خیابان های تهران آغاز شد ، در کاخ سفید واشنگتن و زیر نظر مستقیم کارتر ، این مدافع ریاکار حقوق بشر طرحی گردید . چند روز پیش از هجوم خونین شاه به مردم ، ارد شیر زاهدی که کودتا گری علیه مردم ایران در خاندان اوجه صورت میراثی در آمده است ، در ساعت ۱۰ شب گذشته به اتفاق یکی از شخصیت های مهم کاخ سفید واشنگتن در اختفای کامل وارد تهران شد . شاهی کوشش ها و اقدامات احتیاطی به کار برده شد تا هویت همراه آمریکائی زاهدی فاش نشود .

وقتی کودتای جنایتکارانه با براه انداختن دریای از خون انجام شد ، کارتر با شعف فراوان بیانی حاوی تائید کودتای جنایتکارانه جمعی خونین برای شاه فرستاد گفتن آن نیز با کمال وقاحت در روزنامه ها زیر سانسور رژیم چاپ شد . کارتر در این پیام حمایت کامل خود را از کودتا و شخص شاه به عنوان بهترین توجیه و غلام وارهٔ امپریالیسم بانگلی در منطقه اعلام داشت .

● در روزهای پس از کودتای خونین مرحوم ضد انقلابی چمبرلین مافوقیستی در روزنامهٔ ارگان خود به حمایت از شاه کودتاگر و سرکوب جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران قلم فرسائی کرد و روزنامه های گوسفندی ایران با شعف فراوان از آن یاد کردند .

● در اوایل هفته گذشته کابینه اسرائیل جلسه فوق العاده ای برای بررسی اوضاع ایران تشکیل داد . صهیونیست های اسرائیل از آن بیم دارند که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه سرنگون شود و ایران دیگر صف کشورهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قرار گیرد و به جنبشهائی از آرمان های حق طلبانهٔ اعراب از ادامه ارسال نفت ایران به اسرائیل که ماشین جنگی و تجاوز کارآن را به حرکت در می آورد

جلوگیری کند .

● در حالی که هنوز تعداد دقیق شهدای جمعهٔ خونین تهران مشخص نیست ، گزارش های رسیده حاکی است که تا صبح پنجشنبه گذشته بیش از سه هزار جواز دفن اجساد شهدا در گورستان بهشت زهرا صادر شده است و این در حالی است که هر روز اجساد تازه ای به این گورستان آورده می شود . اجساد کسانی که به دست کودتاگران مجروح شده بودند و بسیاری از آنها تنها از ناحیه پا و یا سینه مورد اصابت گلوله و ترکیبان قرار گرفته بودند ولی از آنجائی که آن مکان شاه از سانسور خون به آنها وند اویشان در بیمارستان ها جلوگیری کرده اند ، بر اثر خونریزی شدید به جان سپرده اند .

گزارش ها حاکی است که در روز جمعه خونین به دنبال گلوله باران وحشیانه مردم ، در بسیاری نقاط بولد وزرها اجساد شهدا را از خیابان ها جمع کرده و در کامیون ها و ارتشی ریخته و جلاد ان آن ها را ، که احتمالا اجساد نیمه جان نیز در میان آنها که نبود ، به بیابان های حصارک و شهریور برده و در گورهای جمعی مدفون کرده اند .

● در طول هفته گذشته اجساد دهها سرباز و افسر شهید را که از فرمان در زخمیان در مورد شرایط ازی به مردم سرپیچی کرده بودند و یا طبیه جنایات و سفاکی های رژیم در پادگان هاست به طغیان زده بودند و دلا یوانه در کارمردم و برای مردم جان باخته بود ، به بهشت زهرا آوردند . سه ش از آنان سربازان " گارد شاهنشاهی " بودند که از پادگان گریخته بودند تا به مردم بپیوندند و هنگامی که در محاصره مزدوران قرار گرفته بودند تا آخرین فشنگ جنگیده بودند و سرانجام دوتن از آنها در جریان این درگیری برابر شهید شده بودند و نفر سوم توسط زخمیان تیرباران شده بود .

تصحیح و پوزش

متأسفانه در پاره ای از نسخه های شماره گذشته نوید اشتباهی رخ داده که بدین وسیله تصحیح کرده و از خوانندگان پوزش می خواهیم . در صفحهٔ دوم شمارهٔ گذشته (ستون اول) عبارات زیر درست است :

" . . . این رهبران باید سست کردند . بعضی از آنها ـ تنی چند از طلاب ـ تحلیل صریحی درباه پیمایی اعتراضی روز پنجشنبه را که برای بزرگداشت خاطره شهدای جمعه های اخیر تهران و اعتراض به سفاکی های رژیم شاه انجام می شد به طور مستقیم با تلویحی رد کردند و هرنوع تظاهری را به آینده بدون تاریخ موکول نمودند و برخی دیگر ـ تنی چند از رهبران سیاسی ـ برنامه قبلی خود را تعدیل کردند و یا حذف راه پیمایی برنامه عزاداری و تظاهرات اعتراضی را به اجتماع در مساجد محدود ساختند . "

برادر ارتشی ، چرا . . . ؟

ارتجاع سیاه شاهنشاهی را از بدن خود دور کند ، تا حد زیادی نتیجه سوء استفاده هائی است که ارتجاع از ارتش و قدرت نیروهای مسلح می کند . اما اگر شما ، افسران و درجه داران و سربازان میهن پرست ، از اجرای وظیفه ننگینی که رژیم بر عهده شما گذاشته خود داری ورزید ، آتش خشم و ناخشنودی بیکارچو یانه مردم ، دیگر بر نخسوت استبداد سلطنتی و فارتگری شاه را درهم خواهد کوفت و بساط رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک را برهم خواهد چید .

سربازان ، درجه داران و افسران شرافتمند !

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیام خود به مردم ایران از جمله شعارها فرا خوانده است که :

" هرگز فراموش نکنید که بخشی از مردم ایران هستید . رژیم می خواهد شما را به سرکوب کنندهٔ جنبش مردم که در راه استقلال و آزادی نبرد می کنند ، بدل نماید . دستور دژخیمانه شاه و دیگر عاملان رژیم را برای تیراندازی به برادران و خواهران خود اجرا نکنید ! به صفوف مردم بپیوندید و از شعارهای مردم پاتخام نیرو سد افعه نمائید ؟

بگذارید نام نیروهای مسلح ایران در لوحهٔ پر افتخار ارتش های هوادار استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی ثبت گردد ! "

نامه

سوگند سوگواران در بهشت زهرا

پنجشنبه گذشته که مصادف با شب هفت شهدای جمعهٔ خونین تهران بود ، در حدود ۲۰ هزار تن از اعضای خانواده و وابستگان شهدا در گورستان بهشت زهرا دست به تظاهرات چند ساعتهٔ پرشوری زدند . در وجود این سوگواران گویی اندوه به نیرو بدل شده بود و این نیروی خشم و کین در شعارهای ضد رژیم شاه ، در افشای جنایات دیکتاتور خون آشام و دشمن آزادی و خلق های ایران ، در مصمم گردن رژیم ایران بر پا دارنده و نوکر امپریالیسم منعکس می شد . با وجود آن که گورستان بهشت زهرا در محاصره کامل نیروهای ارتش بسود ، برخوردی بین تظاهرکنندگان و نظامیان رخ نداد .

تظاهرکنندگان جسد سرباز شهیدی را روی دست می بردند و شعار " برادر ارتشی شهید راه حق شد " ، " درود به سرباز شهید " از عزیزه شهید مردم که با لباس سربازی به صف مردم پیوست و جان خود را به حلق خویش ایثار نمود ، تحلیل می کردند .

بسیاری از مزاداران دفن عزیزان از دست رفته خود را که پنهانی و در گورهای دسته جمعی دفن شده بودند ، نیافتند ، بسیاری برای تحویل جسد های عزیزان در خون و سرای سرواج شده فرزندان و پدران و مادران خود در رازای هرگلوله . . . جوانان به جلادان پرداخته بودند . بسیاری برگوهای تازه ماتم صبوحت نشسته و حتی قطره اشکی برای فرو ریختن در چشم های ماتم زدهٔ خویش نمی یافتند .

در شب سوم شهدا ، روزهای دیگر نیز جمع های از سوگواران در بهشت زهرا تظاهرات مشابهی برپا داشتند . آنها در میان هق هق گریه و شیون وزاری زنان به خون شهدای خود سوگند می خوردند که راه مقدس آنها را ادامه دهند .

وظایف طبقهٔ کارگر . . .

کارگرانی که تهرانی شدن و جمعیانه رفقای خود را در جریان اعتصابات شکوهمند کارخانهٔ جهان چیت ، کارخانه های نساجی شاهی ، کارخانه جیت تهران و کارگران کوره پزخانه ها و دهها مثال به دیگر میان دیده بودند ، این بار که خشم طلب و دموکراتیک مردم ، حکومت مطلقه را دچار هزیمت ساخته و به دست پا انداخته بود ، میدان وسیعی برای مبارزات و فعالیت های خود یافتند و اثرات آزادی های سیاسی را ـ حتی در رنگ رنگ ترین جلوه ها و در مرزهای محدود و آن ـ بسوی رشد کی خود و فعالیت های صنفی و اقتصادی ـ و گاه حتی سیاسی ـ خویش و در پیروزی اعتصابات و حرکت های کارگری ، با گوشت و پوست خود احساس کردند . آنها به شعبه پی بردند که مبارزه در راه حراست های صنفی و اقتصادی طبقه کارگر ، از مبارزه در راه آزادی های سیاسی جدا نیست این حکم و اهمیانه لنین بار دیگر با وضوح بی شگرف ، صحت خود را به اثبات رساند که :

" طبقه کارگر زیر تسلط سلطنت مطلقه نمی تواند مبارزه خود را در جبهه گسترده ای تکامل بخشد ، طبقه کارگر نمی تواند مواضع محکمی نه در زمینه اقتصادی و نه در زمینه سیاسی به دست آورد . طبقه کارگر نمی تواند سازمان های توده ای استواری ایجاد کند و در برابر همه زحمتکشان پرچم انقلاب اجتماعی را به اهتزاز در آورد ، طبقه کارگر نمی تواند به خود ها بیاموزد که برای انقلاب مبارزه کند . فقط در شرایط آزادی سیاسی است که مبارزه قاطع تمام طبقه کارگر برضد بورژوازی امکان پذیر است و هدف نهایی مبارزه هم آن است که پرولتاریا قدرت سیاسی را به دست آورد و جامعه سوسیالیستی را برقرار سازد . "

(گلیات آثار ، جلد چهارم ، ص ۲۵۹ ، چاپ ۱۹۵۸)

این که بازشدن فضای سیاسی و تقویت آزادی های دموکراتیک برای جنبش کارگری حکم آب و هوا را دارد ، نباید به این سوء تفاهم منجر شود که کارگران به حکم منافع و مصالح خود ناگزیرند با هر حرکت و جریان دموکراتیک که به ستیز با مظاهر استبداد سلطنتی و اختناق سیاسی برمی خیزد ، بجامعزند و در آن حل شوند . نباید این تصویر غلط را به وجود آورد که کارگران موظفند در مبارزه روزمره هر حزب و دسته ای که مخالف نظام سلطنت مطلقه و دیکتاتوری است ، شوند . هرگز نمی خواهیم احزاب و سازمان ها و ارگان های بورژوائی و حزب و بورژوائی که در شرایط امروز ایران با نام ها و شعارها و اهداف سیاسی مختلف به نیروی دیکتاتوری و استبداد در شدند ، خواستار لغو و انحلال نظام سرمایه دارند ، محو کامل استثمار و ستم طبقاتی ، این بدون قید و شرط مقولات کارگری و سیستم عبارت " اضافه ارزش " هستند . آنها در

سیاهی توجه بجام بسیره گیری ضعفائی را که به صورت سیمی چهره مذبوحی دارد ، حایتریس سالیات حتی وین پردهٔ مخفی که می رود روشنی و پرده پوشی به جنائی و صورتی تکیه داده است ، می کنند . ارگرگران به صورت سیاه تابع این دموکراتیک های مبارزه و آنچه ، جاهی را که مرور در اصلی آن به سر می برند ، به جاله ای که مردا ضطلب به آنها است ، ترجیح داده اند . و این اگرچه کاری به پیش است ، اما حفظ یک تحول جمعه گاره ، یک چاره خوبی اولیه ، به حساب می آید . واشیی به فنون سین :

" هدف پرولتاریاست که می تواند پیشگام را قاد انقلابی بدگوگونی های دموکراتیک باشد ، زیرا اولا بارنسان ستمگری سیاسی ، در زندگی پرولتاریا ازهمه شدیدتر است و این ستمگری مانع آستیکه در وضع این طبقه که نه مقامات عالیه وحتی به مأموران دولتی دسترسی وه در اعتکاروحوی نمودی دارد ، کوچکترین بهبودی پدید آید . تا بحفظ پرولتاریاست که می تواند دموکراتیزه شدن نظام سیاسی واجتماعی را به مرحله رساند ، زیرا دموکراتیزه شدن این نظام موجب خواهد شد که این نظام به دست کارگران افتد . به همین جهت در آمیزی مبارزه دموکراتیک طبقه کارگر با دموکراتیسم طبقات و گروه های دیگر ، بسوی جنبش دموکراتیک و مبارزه سیاسی را تصمیم خواهد کرد ، از ظاهر دست و پی گیری این مبارزه خواهد کاست و آن را برای سازش ، مستعدتر خواهد ساخت . برعکس نمایز طبقه کارگر ، در نقش مبارز پیشگام راه دگرگونی های دموکراتیک ، جنبش دموکراتیک و مبارزه در راه آزادی های سیاسی را قوت خواهد بخشید . زیرا طبقه کارگر تمام عناصر دیگر دموکراتیک و مسالمت سیاسی را به پیش خواهد راند ، لیبرال ها را به سوی رادیکال های سیاسی و رادیکال ها را به سوی کمونیست ها سوق داد تا نظام سیاسی و اجتماعی جامعه کنونی خواهد راند . "

(" وظایف سوسیال دموکرات های روسیه " ، از انتشارات حزب توده ایران ، ص ۱۲)

برای این که طبقه کارگر ـ این نیرومندترین نیروی اجتماعی ایران ـ به صورت دیالکتیک رود بگرطبقات مخالف رژیم استبدادی و سلطنت مطلقه درجاید ، برای این که طبقه کارگر در دموکراتیسم دیگر طبقات مبارز حل نشود ، برای این کارگر را به صورت کادر انرژی جوشان و استعداد بسیار مستحکم و بی تزلزل بی توان جنبش طلب و دموکراتیک خلق های ایران در آید ، برای این که پیشروی وقفه ناپذیر جنبش تحصیل شود و آزمایش های نیمه راه ، از سقط شدن زود رس جنین آزادی ممانعت گردد ، راهی جز این باقی نیست که کارگران ایران فعالیت

های سیاسی خود را که از یک سمت باید معطوف به مبارزه در راه آزادی های سیاسی برای فراهم آوردن زمینه ها و شرایط مساعد فعالیت های صنفی و اقتصادی گردد ، به طور مستقل و حد اکثر یگر طبقاتی خود اختصاصی سازمان دهند . کارگران در یک دو هفته اخیر تجربه شخصی خود پی بردند که مبارزهٔ صنفی و مبارزه سیاسی آنها ، در وری یک سکه است . این آزمونی بود کیفا محک تجربهٔ روزهای اخیر نیرومندتر و واقعی تر از آب در آمد . اما تصمیم این آگاهی که تشکل کارگران را در آن حزب سیاسی و طبقاتی که به جهان بینی علمی سوسیالیستی مجهز است و در عین مبارزه در راه آزادی سیاسی طبقه کارگر و دیگر طبقات اجتماعی ، در راه آزادی واقعی و همبستگی کارگران هرگونه بوجود آزادی از هر نوع ستمی ، آزادی از هر جور استثمار و تبعیض پی می افکند می رود ، الزام آور می کند . حزب توده ایران پیشتوانه ۳۷ سال رزم پیوسته در امر پیشبرد جنبش کارگری و تحقق آرمانهای والا و نجات بخش این طبقه که رسالتی تاریخی به عهده دارد ، وظیفه ای را که همواره در برابر خود قرار داده ، مبارزه است از رهبری مبارزهٔ طبقاتی کارگران ، سازمان دهی این مبارزه در هر دو شکل آن ، یعنی هم در شکل سوسیالیستی (مبارزه برای برانداختن نظام طبقاتی استثماری و نیروی جامعه سوسیالیستی) و هم در شکل دموکراتیک آن (مبارزه علیه سلطنت مطلقه برای به دست آوردن آزادی های سیاسی و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی و اجتماعی) ـ و همواره برابس عقیده بوده است که متمایز کردن کارگران از دیگر طبقات و اقشار مبارزه دموکرات و مخالف سلطنت مطلقه ، و اصرار و بر اصل استقلال سازمان های کارگری از دیگر سازمان های سیاسی ، به معنی کاهش نیروی حمایتی و قدرت تاثیر جنبش عمومی خلق که در حال حاضر با تمام توان خود به دژ های فرسوده استبداد و قدرت مطلقه می تازد ، نیست ، برعکس ، این تمایز و اصرار در مستقل بودن سازمان و حزب سیاسی طبقه کارگر باعث استحکام و انسجام درونی جنبش و توسعهٔ میدان مانور و حرکت آن می شود ، چرا که به گفته پیشوای کبیر اکتبر :

" خط مبارزاتی نیرومند که روی منافع واقعی درک شده طبقات معین تکیه کند ، هرگونه پرده کشیدن به روی این منافع طبقاتی که در جامعه امروزین بخش عمده را ایجاب کند ، فقط به تضعیف نیروی مبارزان خواهد انجامید . "

بر شالودهٔ این دریافت است که حزب توده ای ما که در عین افتخارآمیز طبقه کارگر ایران را پرورش داده ، به مبارزان و عناصر آگاه طبقه کارگر توصیه می کند :

برای پیشبرد قاطع اوطبقه کارگر و جنبش انقلابی و گسترده خلق های ایران در این برهه تاریخی حساس ، در هر کارخانه و هر کارگاه محفل های توده ای تشکیل دهید و با یا با مرکز حزب تماس بگیرید !

خطاب ما به کارگران مبارز ایران که در تظاهرات های سیاسی روزهای اخیر بسیاری از آنان آماج گلوله های جانیان دو زحیمان رژیم محمد رضا شاهی قرار گرفتند ، اینست :

سازمان های صنفی واقعی خود را احیاء کنید ، سند بگاهای کارگری را در هر کارخانه و هر کارگاه ، به هسته های محکم مقاومت به سنگر کار و کارگیرید کار سازید و آنها را از چنگال ابادی استبداد بیرون بیاورید ، در صورت لزوم به یاری آگاه ترین و مبارزترین عناصر کارگری ، سازمان های صنفی محفی تشکیل دهید و مبارزات صنفی و مطالباتی کارگری را سازمان دهید و با بیرون کشیدن این مبارزات از محدود و تنگ کارخانه به یک رشته تولید و از یک رشته تولید به تمام رشته ها ، پایه های جنبش کارگری را که رو به خروش و اعتلای تازه است ، مستحکم تر نمودید سازید و در زیر درفش حزب خود ، حزب توده ایران ، در پیشاپیش جنبش عمومی طی و دموکراتیک ایران گام بردارید !

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی متحداً مبارزه کنیم !